

لیست مجامع



روشد ۳۵/۳۶

فصلنامه سامان بخشی کتابهای آموزشی
دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی
www.roshdmag.ir

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محبت اله همتی
مدیر داخلی: محمد حسین معتمدرداد
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد
سال انتشار: ۱۳۹۱
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

نشانی: تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی
پلاک ۲۶۶، دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی
تلفن: ۸۸۳۰۶۰۷۱
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
آدرس اینترنتی: www.roshdmag.ir
پست الکترونیکی: roshdmag.ir

فراخوان ارسال آثار

فصلنامه آموزشی تحلیلی پژوهشی «جوانه»، از کلیه صاحب نظران، نویسندگان، مترجمان و پدیدآورندگان کتابهای آموزشی و اندیشمندان علاقه مند به مباحث تولید کتابهای آموزشی دعوت می کند، نوشته های خود را در زمینه های موضوعی زیر، برای دبیرخانه سامان بخشی کتابهای آموزشی ارسال دارند:

۱. مطالعات تطبیقی (تجربیات سایر کشورها در تولید کتابهای آموزشی)
۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید کتابهای آموزشی
۳. تبیین ویژگیها، استانداردها و اصول زیباشناسی کتابهای آموزشی
۴. معرفی توصیفی کتابهای آموزشی مناسب و برتر
۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتابهای آموزشی داخل و خارج از کشور
۶. آسیب شناسی تولید کتابهای آموزشی مناسب
۷. نیازسنجی آموزشی و مخاطب شناسی
۸. ارائه یافته های علمی و ایده های نو و تجربه در زمینه فرایند تولید کتابهای آموزشی مناسب
۹. معرفی طرح سامان بخشی کتابهای آموزشی و مؤسسه های انتشاراتی موفق
۱۰. تبیین روشهای نوین خودیادگیری و خودارزشیابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید کتابهای آموزشی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه ریزی، تولید و ارزشیابی کتابهای آموزشی
۱۳. دورنما و چشم اندازهای آینده تولید کتابهای آموزشی
۱۴. تبیین اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر تولید کتابهای آموزشی مناسب
۱۵. مباحث تحلیلی و کاربردی مربوط به کتاب، کتابخانه های آموزشی و کتاب خوانی دانش آموزان
۱۶. ترویج فرهنگ کتاب خوانی

راهنمای تهیه آثار

نشریه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «رشد جوانه» با هدف اطلاع‌رسانی، اشاعه یافته‌های علمی و ایده‌های نو، تبادل نظر و تجربه بین صاحب‌نظران در زمینه مباحث مربوط به فرایند تولید کتابهای آموزشی مناسب منتشر می‌شود تا از این طریق، پدیدآورندگان در راستای تحقق هدفهای آموزش و پرورش، به صورت مستمر و پویا بر غنای دانش تجربه حرفه‌ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه ظرفیتهای موجود، کیفیت تولید کتابهای آموزشی را ارتقا بخشند.

از استادان، صاحب‌نظران و اندیشمندان محترم عرصه کتابهای آموزشی که به منظور همراهی با این فصل‌نامه، نوشته‌های خود را برای انتشار در «رشد جوانه» ارسال می‌دارند، تقاضا می‌شود، در حد امکان نکات زیر را رعایت فرمایند:

- حجم مطالب از ۸ صفحه تایپ شده و ۱۳ صفحه دست‌نوشته تجاوز نکند.
- نوشته حاوی مقدمه‌ای کوتاه، سابقه موضوع، نتیجه و جمع‌بندی موضوع باشد.
- نسخه اصلی نوشته ارسال شود.
- نوشته ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنان‌چه نوشته را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- نوشته در مجله یا نشریه دیگری به چاپ نرسیده باشد.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها، شکلها و عکسها، در متن مشخص شود.
- «رشد جوانه» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد است و از بازگرداندن آنها نیز معذور است.

■ آرای مندرج در «رشد جوانه» ضرورتاً مبین رأی و نظر «دبیرخانه سامان‌بخشی کتابهای آموزشی» نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسشهای خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

اطلاعات منابع مورد استفاده برای تدوین اثر، به ترتیب زیر تنظیم شود:

■ نام نویسنده، نام اثر، نام مترجم (اگر ترجمه باشد)، نام مجله یا نشریه، شماره مجله، سال نشر، شماره صفحه.

■ نوشته را به ضمیمه نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه علمی یا سمت، نشانی محل کار یا سکونت و شماره تلفن، به نشانی زیر ارسال فرمایید.

تهران، پل کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی
پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، فصل‌نامه «رشد جوانه»

فهرست

نیازسنجی کتاب، ضرورتی فراموش شده آزاده شاکری	۶
در حوزه‌های آموزشی صنعت نیازمند کتاب‌های کمک‌آموزشی هستیم در نشست کارشناسان گروه مکانیک عنوان شد/ محمدعلی نیکنام، محمدحسین معتمدزاد	۱۸
آموزش جغرافیا نیازمند تألیف است نه ترجمه در گفت و گو با دکتر سیاوش شایان مؤلف کتاب‌های جغرافیا عنوان شد/ یاسمن محمودی	۳۶
کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه کتاب مدیر نشر دلهام در گفت‌وگو با جوانه / سمانه آزاد	۴۰
تولید کتابهای آموزشی بر مبنای راهنمای برنامه درسی (براساس الگوی کتابهای تعلیم و تربیت دینی) جمال‌الدین اکرمی	۴۸
آرایه‌ها در قاب تصویر گزارش از: یاسمن محمودی	۷۰
این ۲۰ نکته را دریابید! نکته‌هایی درباره‌ی کتاب‌های غیردرسی و سایر خواندنی‌های مناسب برای اولی‌ها/ مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی، لیلا سلیقه‌دار	۷۴
هفتاد سال فراموشی شده گفت‌وگو از: فاطمه خرقانیان	۸۲
قدم‌های محکم درسامان‌دهی منابع آموزشی گزارش اختتامیه نهمین جشنواره رشد/ سمانه آزاد	۹۰
ادامه معرفی سوابق داوران نهمین جشنواره کتابهای آموزشی رشد	۹۸







نیازسنجی کتاب ضرورتی فراموش شده



● آزاده شاکری

دخترک، کتاب مجموعه تستهای فیزیک را از روی میز برمی‌دارد و ورق می‌زند. فهرست کتاب را نگاه می‌کند و از دوستش می‌پرسد: «به نظرت چه‌طور است؟ این بهتر است یا آن یکی؟» دوستش با تردید سری تکان می‌دهد و جواب می‌دهد: «نمی‌دانم، بیا غرفه‌های دیگر را هم نگاه کنیم.» و می‌روند.

در سالن ناشران آموزشی نمایشگاه کتاب تهران و در فروشگاه‌های کتابهای آموزشی، خیلی‌ها مثل این دو نفر سرگردانند و کتابهای گوناگون را نگاه می‌کنند و می‌گذرند. البته این موضوع در مورد ناشران آموزشی بزرگ صادق نیست. آن‌جا همه خریدار هستند و غالباً می‌دانند به دنبال چه آمده‌اند. ناشران این دسته آثار، نیازسنجی درست و دقیق قبل از انتشار کتاب را عامل این انتخاب قاطع می‌دانستند. اما نمی‌توان از سهم عنصر تبلیغات در این زمینه چشم‌پوشی کرد.

آیا ناشران پیش از انتشار کتاب، نیاز جامعه را می‌سنجند؟ انجام نیازسنجی در مورد تولید آثار فرهنگی و آموزشی چه‌قدر ضرورت دارد؟ بی‌توجهی به نیازسنجی چه آثار زیان‌باری در عرصه نشر کشور دارد؟ برای سنجش نیاز جامعه به کتاب چه باید کرد؟

با چنین سؤالاتی در دو مرحله، به سراغ ناشران رفتیم. در نخستین مرحله، برپایی نمایشگاه کتاب تهران را غنیمت شمردیم و پای صحبت ناشران و خریداران کتاب نشستیم. با پایان این رویداد فرهنگی سال، بار دیگر پرسش‌هایمان را در خصوص نیازسنجی از ناشر و خریدار پرسیدیم. حاصل این گفت و شنود در ادامه از نظر می‌گذرد.

مدیریت انتشار کتاب

ناشر مسئولیت عظیم فرایند مدیریت انتشار کتاب را برعهده دارد و مدیریت صحیح به این معناست که ناشر باید در کنار ارتباط مستمر با نویسنده، مؤلف و مترجم، به نیازسنجی و مخاطب‌شناسی نیز توجه داشته باشد تا محصول تولیدی‌اش از لحاظ موضوعی، محتوایی و نیز معیارهای چاپ کتاب، مناسب جامعه و در راستای رفع نیازهای آن باشد. اما نیازسنجی چیست و آیا می‌توان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی هم‌چون نشر کتاب، از ابزار نیازسنجی استفاده کرد؟

اطلاعات حاصل از

نیازسنجی، ماهیت و نوع برنامه‌ها را مشخص می‌کند
نیازسنجی فرایند ارزیابی اولیه برای اجرای برنامه‌های آتی است

تعریف نیازسنجی

«نیاز» به موقعیتی دلالت دارد که در آن، وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله دارد و نیازسنجی در واقع فرایند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات است که براساس آن، نیازهای افراد، گروه‌ها، سازمانها و جوامع شناسایی می‌شود. نخستین گام در فرایند برنامه‌ریزی، شناسایی هدفها یا نقاط مطلوب است. هدفها ریشه در نیازها دارند. از این رو ضرورت دارد تا نیازها دقیقاً سنجیده و براساس آنها، اهداف ویژه برنامه تدوین شوند. پس از آن است که می‌توان مجموعه اقدامات و وسایلی را که به بهترین وجه نیازها را محقق می‌سازند، پیش‌بینی کرد. اطلاعات حاصل از نیازسنجی، ماهیت و نوع برنامه‌ها را مشخص می‌کند. نیازسنجی فرایند ارزیابی اولیه برای اجرای برنامه‌های آتی است.

نیازسنجی در بازار کتاب

ناشران به عنوان تولیدکنندگان یکی از مهم‌ترین اقلام فرهنگی یعنی کتاب، همانند تولیدکنندگان دیگر ناگزیر از سنجش نیاز بازار هستند. اما به نظر می‌رسد در این عرصه از تولید، جای نیازسنجی کارشناسانه خالی است و نیازسنجی پیش از انتشار کتاب در کشور، به شیوه‌هایی کاملاً سنتی اجرا می‌شود. حضور در نمایشگاه‌های کتاب به منظور مواجهه رودرو با خریداران کتاب، استفاده از نظر مراجعان به کتاب‌فروشیها، استفاده از رابط‌های فرهنگی و آموزشی در مراکز آموزش و ... از جمله روش‌هایی هستند که در بازار کتاب ایران در راستای شناسایی نیاز جامعه به کتاب انجام می‌شود. بسیاری از ناشران تمایلی به سرمایه‌گذاری و فعالیت گسترده در حوزه نیازسنجی کتاب ندارند، زیرا معتقدند هزینه‌های این نوع فعالیتها بیشتر از میزان سودی است که به تجارت آنها باز می‌گردد. در برخی از عرصه‌های نشر، هم‌چون «نشر عمومی»، ضرورت توجه به نیازسنجی، در فهرست اولویتها قرار ندارد. اما در عرصه‌ای چون «نشر آموزشی»، آثار زبان‌بار غفلت از این موضوع نمایان شده است و فعالان این حوزه نیز بر لزوم توجه جدی به آن تأکید دارند.

در زمینه «نشر دانشگاهی»، نیاز دانشجویان به کتابی خاص، غالباً از سوی دانشگاه‌ها، مراکز علمی و استادان تعیین می‌شود که به صورت غیرمستقیم بر بازار فروش کتابهای درسی تأثیر می‌گذارند. بیشتر انتقاداتی را که در این شاخه از نشر مطرح می‌شوند، می‌توان به نظام آموزش عالی کشور نیز تعمیم داد.

در شاخه نشر عمومی این موضوع اندک تفاوتی دارد. در این بخش مخاطب بر اساس نیازی درونی کتاب می‌خرد و در حقیقت اجباری خارجی مانند کنکور، دانشگاه و استاد وجود ندارد که او را به سوی خرید کتابی خاص سوق دهد. در نتیجه، بحث نیازسنجی در چنین بخشی پیچیدگیهای خاص خود را دارد. البته ناشران این حوزه نیز با در نظر گرفتن فروش آثار متفاوت، به همان شیوه‌های سنتی نیازسنجی می‌کنند و آثاری را برای انتشار انتخاب می‌کنند که از فروش آنها اطمینان داشته باشند.

نیازسنجی کتاب‌های آموزشی

در یک جامعه پیشرفته، طبیعتاً قبل از این که تولیدی صورت گیرد، درباره محصول، مشتری و شناخت نیازهای او تحقیقات کافی انجام می‌گیرد. اما آیا در جامعه ناشران آموزشی کشور به این ضرورت اولیه تولید توجه می‌شود؟ ناشران آموزشی از چه روشهایی برای نیازسنجی پیش از انتشار کتاب استفاده می‌کنند؟ آیا ناشران این عرصه به اهمیت موضوع نیازسنجی مخاطبین پیش از انتشار کتاب، پی برده‌اند؟ در صورت بی‌توجهی به نیازسنجی، چه آثار زیان‌باری متوجه ناشران خواهد شد؟ کدام سازمان، ارگان و یا جمع و انجمن صنفی می‌تواند عهده‌دار نیازسنجی بازار کتاب ایران شود؟

ناشران آموزشی با برقراری ارتباط با معلمان، دانش‌آموزان و کتاب‌فروشان در می‌یابند که بازار چه کتابی، مناسب است. اما به نظر می‌رسد این شیوه نیازسنجی یا به عبارت بهتر بازارسنجی، در حوزه نشر آموزشی موفق نبوده است. تنوع کتابهای آموزشی، سردرگمی دانش‌آموزان در تهیه کتابهای کمک‌آموزشی متناسب با استانداردهای کتاب درسی و کنکور، فقدان نظارت علمی در تألیف کتابهای آموزشی و در نهایت درصد پایین پاسخهای درست به سؤالات کنکور و ضعف چشم‌گیر دانش‌آموزان در این مرحله، نشان از لزوم توجه به ضرورت نیازسنجی در حوزه نشر آموزشی دارد.

تنوع
کتاب‌های آموزشی
سردرگمی دانش‌آموزان در
تهیه کتاب‌های کمک‌آموزشی
متناسب با استانداردهای کتاب درسی
و کنکور، فقدان نظارت علمی در تألیف
کتاب‌های آموزشی نشان از لزوم
توجه به ضرورت نیازسنجی در
حوزه نشر آموزشی دارد

نیازسنجی از نگاه ناشران آموزشی

استفاده از نظرات بازدیدکنندگان نمایشگاههای کتاب، در سطح نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، یکی از رایج‌ترین راه‌های نیازسنجی در بازار کتاب است. نمایشگاه می‌تواند این فرصت را

فراهم کند تا نویسنده، ناشر و مخاطب با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و با نیازسنجی، بازتاب کار و ضعفهای خود را بسنجند. اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ فرصتی مناسب بود تا با حضور در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ناشر و مخاطب را در کنار هم بباییم و سؤالاتی از این دست را با آنها در میان بگذاریم.

سیدیحیی سلطانی، مدیر «انتشارات علوی» در خصوص نیازسنجی پیش از انتشار کتاب اظهار داشت: «ما قبل از انتشار کتاب نیازسنجی انجام می‌دهیم و با توجه به ارتباطی که با آموزش و پرورش استانها و مناطق متفاوت پیدا می‌کنیم، معمولاً اطلاعات مورد نیازمان را به دست می‌آوریم.»

سلطانی بر این اعتقاد است که اگرچه نیازسنجی در نمایشگاه کتاب تا حدودی به ناشران کمک می‌کند، اما نمی‌تواند تأثیر عمده‌ای داشته باشد و برپایی نشستهای تخصصی در حاشیه نمایشگاه، با حضور ناشران و مخاطبین ممکن است تأثیر بیشتری داشته باشد.

محرابیان، مسئول غرفه «انتشارات مشق هنر»، در این خصوص گفت: «ما قبل از انتشار بازار را می‌سنجیم و کتاب‌هایمان را بر آن اساس منتشر می‌کنیم. در حقیقت مشتریان ما خاص هستند، چون کار ما به صورت تخصصی در حوزه هنر است و به همین خاطر می‌بینیم که مخاطب به دنبال چه کتابی است و یا چه کتابی در بازار کم است و آن کتاب را منتشر می‌کنیم.»

محرابیان نمایشگاه را فرصت مناسبی دانست که در آن ناشر و مخاطب بی‌واسطه با هم روبه‌رو می‌شوند. وی در این مورد افزود: «علاوه بر این، چون تمام ناشران آموزشی در کنار هم حضور دارند، اتفاق خوشایند انتخاب نیز چاشنی قضیه می‌شود و یک هنرجو یا دانش‌آموز می‌تواند آثار همه ناشران را ببیند و انتخاب کند.»

با این همه، مسئول غرفه انتشارات مشق هنر معتقد است در حوزه کتابهای آموزشی جایی برای نیازسنجی وجود ندارد. او در این خصوص گفت: «غالباً محتوای کتابهای آموزشی تغییر چندانی نمی‌کند، فقط یک بار محتوا به صورت تست و یک بار نکته و تست می‌آید و یا جای مطالب تغییر می‌کند. در این حوزه جایی برای نوآوری وجود ندارد، چون ورود به دانشگاه‌های ایران همیشه به همین شکل بوده است که همه با یک کنکور بزرگ روبه‌رو هستند. تیپ سؤالات هم مشخص است و جایی برای تنوع وجود ندارد. مخاطب هم همان چیزی را می‌خواهد که در آزمون از او می‌خواهند.»

محرابیان پیشنهاداتی نیز برای ایجاد تنوع و نوآوری در حوزه نشر آموزشی ارائه می‌دهد: «باید ریشه‌ای به این مسئله نگاه کنیم. باید مراکز آموزشی به بخش خصوصی واگذار شوند و هر مرکزی براساس روش خودش کتاب و آزمون تهیه کند. ما ناشران و مؤلفان بسیار خوبی داریم که می‌توانند در حوزه آموزشی، کتابهای منبع و مرجع تولید کنند. خود انجمن ناشران آموزشی این قابلیت را دارد که در چهار گروه کاری کتابهایی را تهیه کند که آموزش و پرورش به عنوان منبع از آنها

استفاده کند.»

امید جعفری، مسئول نمایندگی «کانون فرهنگی آموزش»، در مورد نیازسنجی در نمایشگاه کتاب گفت: «کار ما در سطح خیلی گسترده‌ای انجام می‌شود و همه افرادی که به این جا می‌آیند، تقریباً فکر شده می‌آیند. کانون فرهنگی آموزش کار گسترده‌ای دارد و به واسطه آن ما حداقل هر دو هفته یک بار با دانش‌آموز، چهره به چهره ارتباط برقرار می‌کنیم و نیازی به این نداریم که بازخورد و نیازسنجی را از نمایشگاه بگیریم.»

وی در ادامه افزود: «اگر شما به مراجعین ما توجه کنید چهره‌هایی را می‌بینید که از قبل کتابشان را انتخاب کرده‌اند و فقط می‌خواهند خیلی سریع آن‌را بخردند. ما ساعت به ساعت منحنیهای رفتاری مشتریانمان را تهیه می‌کنیم و همین به ما کمک می‌کند که به نیاز مخاطبان پی ببریم و پیش‌بینی ما از فروش کتاب‌هایمان هم خیلی به واقعیت نزدیک باشد».

عباس گودرزی، مدیر فروش «انتشارات مهر و ماه»، در خصوص روش نیازسنجی این انتشارات اظهار داشت: «ما قبل از انتشار کتاب‌هایمان، بازار را می‌سنجیم. برای مثال، قبل از انتشار کتاب جامع ادبیاتمان، یک ماه تحقیق و بررسی کردیم. من شخصاً با تک‌تک کسانی که تک‌فروشی کتاب داشتند، صحبت کردم و پرسیدم که آیا نیازی به چنین کتابی در بازار وجود دارد؟ چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ دانش‌آموز از شما چه می‌خواهد؟ بعد بر مبنای چنین سؤالاتی کتاب را تهیه کردیم.»

وی در ادامه افزود: «ما حتی قبل از انتشار نهایی کتابمان، حدود ۲۰۰ نسخه از آن را به مدارس که با آنها در ارتباط هستیم، می‌دهیم و از دانش‌آموزان و معلمان نظرسنجی می‌کنیم تا قبل از چاپ نهایی، ایرادات کار را برطرف کرده باشیم. به نظر من این شیوه از نیازسنجی که ما با کمک کتاب‌فروشها، معلمان و دانش‌آموزان انجام می‌دهیم، درست‌تر است.»

گودرزی با اشاره به تجربه ناموفق انتشاراتش در چاپ آثاری بر مبنای نیازسنجیهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی^۱ گفت: «در سال ۱۳۸۶، وزارت ارشاد به ناشران کمک آموزشی اعلام کرد که در زمینه آسیبهای اجتماعی، خلأ آموزشی داریم. انتشارات ما با کمک تعداد زیادی از محققان و روان شناسان یک مجموعه ۱۸ جلدی کتاب در زمینه آسیبهای اجتماعی به چاپ رساند، ولی وزارت ارشاد هیچ حمایتی از ما نکرد و ما پس از راینزینهای متفاوت، کتابها را با ۴۰ درصد تخفیف به یکی از ارگانها فروختیم تا فقط از ضرر و زیان جلوگیری کرده باشیم. نیازسنجی باید پشتوانه اجرایی داشته باشد، نه این که فقط در حد حرف باقی بماند.»

یکی از کارمندان «انتشارات سها دانش» نیز در این خصوص گفت: «ما کتابی را چاپ می‌کنیم که پرفروش باشد و در بازار خواهان داشته باشد. ما به کمک بازاریاب‌هایمان نیازسنجی می‌کنیم و سعی‌مان بر این است که بفهمیم مشتری دنبال چه کتابی است و چه کتابی در بازار نایاب است. نیازسنجی به روشی غیر از این جواب نمی‌دهد. چون پس از انجام نیز ضمانت اجرایی ندارد.»

محمد غلامی، مدیر نشر «مرز دانش»، شیوه نیازسنجی انتشاراتش را این گونه معرفی کرد: «ما با استفاده از نمایشگاههای استانی می‌فهمیم که جای چه کاری در بازار خالی است. البته کار ما به صورت علمی انجام نمی‌شود. شیوه دیگر این است که در هر رشته، آثار استادانی را چاپ می‌کنیم که مخاطبان با نام آنها آشنا و در رشته خود متخصص شناخته شده‌ای هستند.»

مدیر انتشارات مرز دانش اظهار داشت: «در حال حاضر هزینه‌های انتشار کتاب مثل حق التالیف، تایپ و صفحه‌آرایی خیلی بالاست و نمی‌شود بدون اطمینان از فروش اثری، آن را منتشر کرد. علاوه بر این، خیلی از کتاب‌ها محتوای یکسانی دارند و فقط نامشان متفاوت است. زیاد شدن چنین کتابهایی واقعاً به بازار کتاب آسیب می‌زند.»

با استفاده از
نمایشگاههای استانی
می‌فهمیم که جای چه
کاری در بازار خالی
است

غلامی معتقد بود، حتماً باید قبل از انتشار کتاب نیازسنجی کرد. او در این خصوص توضیح داد: «کار من در دو سه سال اخیر رشد بیشتری نسبت به هشت سال قبل داشت. چون نیاز بازار را بهتر شناختم. قبل از این، کتابهایی چاپ می‌کردم که حتی بعضی هنوز هم، به فروش نرسیده‌اند و شاید مجبور شوم آنها را خمیر کنم. اما از کتابی که پارسال چاپ کردم، الان چیزی باقی نمانده است.»

مدیر نشر مرز دانش در مورد برنامه‌هایش برای آشنایی با شیوه‌های علمی نیازسنجی و بازاریابی گفت: «قصد دارم در تابستان کتابهایی در زمینه نیازسنجی و مدیریت بازاریابی فروش بخوانم، ولی بعضی از این کتابها هم بازاری و غیر کاربردی هستند. به هر صورت، خود ناشران مسئول نیازسنجی پیش از انتشار آثارشان هستند و هیچ سازمان دولتی نمی‌تواند در این خصوص کاری کند.»

غلامی گفت: «کمبودی در بازار کتاب وجود ندارد. بعضی ناشران به صورت اسمی و برخی هم به صورت محتوایی کمبودها را پر می‌کنند.»

وی افزود: «براساس آمار وزارت ارشاد، هر سال ۱۰ تا ۲۰ هزار عنوان کتاب جدید منتشر می‌شود. مطالب جدید که در این حد نیستند، بنابراین کتاب تکراری چاپ می‌شود. کسانی در کار نشر موفق می‌شوند که قبل از انتشار کتاب، کار کارشناسی انجام می‌دهند و یا گروه مؤلفین دارند و براساس نیاز بازار کتابهای لازم را تألیف و سپس منتشر می‌کنند.»

پیمان کرباسیان، مسئول فروش «انتشارات سازمان فنی و حرفه‌ای»، در مورد شیوه نیازسنجی این سازمان گفت: «ما با کل ایران در ارتباط هستیم و غالباً از طریق خود مشتریان متوجه نیاز بازار می‌شویم. مشتریان ما نیازشان را به صورت کتبی یا شفاهی به ما اعلام می‌کنند.»

کرباسیان بر این اعتقاد بود که کتابهای زیادی هست که باید چاپ شود. وی افزود: «بخش خصوصی هر کتابی را چاپ نمی‌کند و نیازسنجی در این بخش به خوبی انجام می‌شود، اما راهکارهایی هم می‌شود پیشنهاد کرد. مثلاً می‌توان سایتی طراحی کرد که مخاطبین، کتابهای مورد نیازشان را در آن مشخص کنند.»



زهرا نجفی، مدیر «نشر آموزش و سنجش»، درخصوص روش نیازسنجی در انتشاراتش گفت: «من قبل از انتشار کتاب نیازسنجی انجام نمی‌دهم. من معمولاً با مؤلفان در ارتباط هستم و اگر آنها اعلام کنند که دانشجویان به کتاب خاصی نیاز دارند، من حرف آنها را می‌پذیرم. چند سالی بیشتر نیست کارم را شروع کرده‌ام و خیلی به شکل تخصصی کار نمی‌کنم. من بیشتر با افراد خانواده که استاد دانشگاه هستند کار می‌کنم و آثار آنها را به چاپ می‌رسانم.»

او هزینه‌بر بودن نیازسنجی را دلیل بی‌توجهی به آن بیان کرد و افزود: «در حقیقت کار انتشارات ما خیلی گسترده نیست و به همین خاطر، ما امکان نیازسنجی کارشناسانه نداریم. البته باید بگویم که نتیجه خوبی هم نگرفته‌ایم. من در ابتدای کارم، بدون در نظر گرفتن نیاز بازار کتابها را در شمارگان بالا چاپ می‌کردم و کتابها فروش نمی‌رفت. همین الان تعداد زیادی از چنین کتابهایی در انبار ما موجودند. البته شاید ناشران تخصصی‌تر با بازاریابی و شرکت در نمایشگاههای متفاوت بتوانند همین کتابهای مرا هم به فروش برسانند، اما من چون به صورت تخصصی در یک رشته خاص کار نمی‌کنم، موفق به انجام این کار نشده‌ام.»

اگر
ناشری بدون اطلاع
از تغییرات یک رشته
کتابی با محتوای قدیمی را
چاپ کند، جواب نمی‌گیرد
کتابها باید نیاز جامعه
امروز ما را برطرف
کنند

اصغر سماک، مدیر «نشر اتحاد» هم معتقد بود نیازسنجی هزینه‌بر است. او در این خصوص گفت: «به اعتقاد من این کار را بخش خصوصی باید انجام دهد، البته با حمایت بخش دولتی. چون اگر این کار به بخش دولتی سپرده شود، وارد بوروکراسیهای اداری و زمان‌بر می‌شود. در حالی که کتاب باید در زمان خاصی وارد بازار شود و اگر مشمول زمان شود، نتیجه‌ای ندارد. نیازسنجی کارشناسانه هزینه سرسام‌آوری دارد و ما توان انجام آن را نداریم. البته ضرری که ما بابت کتابهای فروش نرفته می‌دهیم هم زیاد است، اما از هزینه‌های نیازسنجی کمتر است. به نظر من صاحب‌نظران باید بنشینند و راه حلی برای این موضوع پیدا کنند.»

سماک دلیل ضرورت نیازسنجی را چنین توضیح داد: «خوانندگان ذوق و سلیقه‌های متفاوتی دارند. ما باید ذوق و سلیقه آنها را بسنجیم و مطابق سلیقه آنها کتاب چاپ کنیم؛ نه این که ناشر سلیقه‌اش را به مخاطب تحمیل کند. شیوه نیازسنجی ما کاملاً سنتی است. ما براساس معیارهای قدیمی کار می‌کنیم. مثلاً حساب می‌کنیم که کتاب‌فروشهای شهرستانها چه تعداد کتاب از ما می‌گیرند، چه تعداد از کتابها را ارشاد خریداری می‌کند و برای فروش بقیه کتابها نیز به خدا توکل می‌کنیم.»

رضا یساولی، مدیر «نشر یساولی»، با تأکید بر ضرورت نیازسنجی پیش از انتشار کتاب گفت: «بعضی از نیازها را ما خودمان با توجه به شناختی که از بازار داریم، تشخیص می‌دهیم. یا خودمان می‌دانیم که چه کمبودهایی وجود دارد و یا با دوستان صاحب‌نظر رایزنی می‌کنیم. در بعضی از رشته‌ها مثل گرافیک (که من شخصاً از آن اطلاع دارم)، آن قدر کمبود و خلأ داریم که جای کار

زیادی وجود دارد.»

یساولی با اشاره به پیشرفتهای سریع در برخی رشته‌ها گفت: «اگر ناشری بدون اطلاع از تغییرات یک رشته کتابی با محتوای قدیمی را چاپ کند، جواب نمی‌گیرد. کتابها باید نیاز جامعه امروز ما را برطرف کنند. امروز خیلیها نیازشان به اطلاعات را از طریق اینترنت برطرف می‌کنند. اطلاعاتشان به روز است. ما هم از همان طریق باید ببینیم که چه کتابی روی بورس است یا دانشجو به آن نیاز دارد و همان کتاب را منتشر کنیم.»

مدیر نشر یساولی معتقد بود: «استادان بهترین مرجع برای نیازسنجی هستند. چون آنها می‌دانند که دانشجو لازم است چه مطالبی را یاد بگیرد و به مسائل تخصصی رشته اشراف دارند. در درجه دوم هم از خود دانشجو باید نظرسنجی شود.

متأسفانه دولت دغدغه‌های زیادی دارد و نمی‌تواند در این زمینه کمکی کند. آموزش عالی هم غالباً از پیشرفتهای روز عقب است و حتی طرح درسهایی که برای رشته‌های دانشگاهی ارائه شده‌اند، ۲۰-۳۰ سال پیش تا به حال تغییری نکرده است. به نظر من انجمنهای تخصصی هر رشته باید ۱۰ نفر کارشناس و استاد آن رشته را مأمور کنند تا نیازهای آن رشته را (چه از نظر آثار ترجمه‌ای یا تألیفی) مشخص و منابع و حتی ناشران را نیز تعیین کنند تا اگر ناشری می‌خواهد در زمینه خاصی کار کند، در تیم معینی جای بگیرد و اگر صلاحیتش را داشت، کار را منتشر کند. خود ناشران نمی‌توانند کمبودهای یک رشته را تشخیص بدهند. کار کارشناسی در این سطح را فقط متخصصین آن رشته می‌توانند انجام دهند.

وزارت ارشاد که متولی فرهنگ این مملکت است، باید گروهی از این متخصصین تشکیل دهد و اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری و به ناشران اعلام کند که مثلاً ما تشخیص داده‌ایم این ۱۰۰ کتاب در این چند رشته مورد نیاز جامعه ماست. در این حوزه نباید به صورت شخصی و منفرد عمل شود.»

نیازسنجی از نگاه مردم

سالن ناشران آموزشی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران چندان شلوغ نبود. ازدحام جمعیت بیشتر مقابل غرفه ناشران بزرگ آموزشی مثل «کانون فرهنگی آموزش» و «گاج» بود که غرفه‌های تبلیغ و مشاوره زیادی نیز در محوطه نمایشگاه برپا کرده بودند. مشتریان مقابل چنین غرفه‌هایی غالباً فقط کتاب را سفارش می‌دادند، پولش را می‌پرداختند و می‌رفتند. کمتر کسی را می‌دید که کتابی را ورق بزند تا انتخاب کند. اما در غرفه‌های دیگر اوضاع عکس این بود. بازدیدکنندگان مقابل غرفه توقف می‌کردند، کتابها را ورق می‌زدند و هر از چندگاهی کتابی نیز می‌خریدند. ضرورت پرداختن به بحث نیازسنجی را با برخی از بازدیدکنندگان نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در میان گذاشتیم؛ افرادی که دست پر یا دست خالی از نمایشگاه بیرون می‌روند و هیچ وقت

از آنها پرسیده نمی‌شود که آیا کتاب مورد نظرت را یافتی. خریدارانی که چراغ بازار نشر را روشن نگه می‌دارند، اما مدیران نشر غالباً از خواسته‌هایش بی‌اطلاع‌اند.

... **هادوی**، ۲۱ ساله و دانشجوی معماری، یکی از این بازدیدکنندگانی بود که دست خالی از نمایشگاه بیرون رفت. او در مورد دلیل مراجعه‌اش به نمایشگاه و ضرورت نیازسنجی گفت: «من برای خرید کتابهای درسی رشته‌ام به نمایشگاه آمده‌ام، اما حتی یکی از کتابهای مورد نیازم را نتوانستم پیدا کنم. اگر ناشران قبل از انتشار کتابها نیاز بازار را در نظر بگیرند، خیلی بهتر است.»

... **صدقی**، ۲۵ ساله و کارمند یک اداره دولتی که برای خرید کتابهای عمومی و آموزشی به نمایشگاه آمده بود، نظر دیگری داشت. او گفت: «اگر هر ناشری به‌طور مجزا نیازسنجی قبل از چاپ کتاب را داشته باشد، چندان فایده‌ای ندارد. چون ممکن است برداشت درستی از نیاز جامعه نداشته باشد و کارهای موازی زیاد شود. نیازسنجی در صورتی نتیجه دارد که یک نهاد یا سازمان آن را برگزار کند و در نهایت هم اولویتهای نشر به صورت مدون به ناشران اعلام شود. معلوم باشد که چه انتشاراتی قرار است در بخشی که کمبود احساس شده، کار کند.»

... **بنی‌اسدی**، ۵۷ ساله و بازنشسته آموزش و پرورش، به دنبال خرید کتابهای تاریخی بود و نظر مثبتی نسبت به نیازسنجی در حوزه نشر نداشت. او بر این اعتقاد بود: «نیازسنجی و کارهایی از این قبیل در کشور ما همیشه در حد حرف باقی می‌ماند. بهتر است به جای صرف بودجه برای این کارها، یارانه بیشتری به ناشران اختصاص داده شود تا قیمت کتاب کاهش پیدا کند.»

... **عسگری و ... پورسعید**، هر دو ۱۸ ساله و کنکوری و برای خرید کتابهای آموزشی به نمایشگاه آمده بودند. آنها در مورد نیازسنجی قبل از انتشار کتاب اظهار داشتند: «نیازسنجی در نمایشگاه روش خوبی است تا ناشران کمبودهای کتاب را بدانند و باعث می‌شود تا خریداران کتاب دست خالی از نمایشگاه‌ها برنگردند.»

... **شریفی**، ۳۴ ساله و مهندس عمران نیز همین اعتقاد را داشت. او در این خصوص پیشنهادی هم ارائه کرد: «به نظر من، باید هنگام ورود فرمهایی به افراد ارایه شود که در آن فرد مشخص کند، به دنبال چه کتابی است و سپس هنگام خروج از نمایشگاه، او این فرم را به باجه‌هایی در محل خروجیها تحویل دهد. به این شکل مسئولین می‌توانند، به منظور انتشار کتابهایی که بیشتر مورد تقاضا بوده‌اند، برای سال بعد برنامه‌ریزی اجرایی داشته باشند.»

... **حسینی**، ۴۵ ساله و استاد دانشگاه هم، با نفس نیازسنجی موافق بود، اما در این خصوص گفت: «نفس این عمل خوب است، اما باید در مورد آن، کار دقیق کارشناسی انجام گیرد و مشخص شود که چه نهادی قرار است مسئولیت این کار را برعهده بگیرد. نتایج چه‌طور به دست ناشران می‌رسد و چگونه مشخص می‌شود که چه ناشری باید کتابهای مورد نیاز جامعه را منتشر کند.»

سالن مطالعه یک کتابخانه عمومی پیش از کنکور، جایی است که می‌شود تعداد زیادی جوان ۱۸-۱۷ ساله را پیدا کرد؛ کسانی که مخاطبین اصلی کتابهای آموزشی و کمک‌آموزشی هستند.

کتابخوانهای جوان ما از نیازسنجی چه می‌دانند و کتابهای موجود در بازار را چه قدر متناسب با نیازهای خود می‌دانند؟

مرویم، از بیشتر کتابهای کمک‌آموزشی موجود در بازار استفاده کرده است. بعضی از آنها را خریداری کرده و برخی دیگر را از کتابخانه یا دوستانش به امانت گرفته است. او با اشاره به تنوع کتابهای موجود در بازار گفت: «قبلاً وقتی به کتابفروشی می‌رفتم، از دیدن آن همه کتاب در مورد یک درس، مثلاً زیست‌شناسی، می‌ترسیدم و با خودم

می‌گفتم: یعنی اگر همه این کتابها را بخوانم، در کنکور قبول نمی‌شوم؟ اما حالا که تقریباً بیشتر کتابهای خوب کمک‌درسی و تست را خوانده‌ام، به نظرم می‌رسد بیشتر آنها مثل هم یا حتی می‌توانم بگویم کپی هم هستند.» **سولماز**، عقیده دیگری داشت. او به کتاب یکی از ناشران معروف اشاره کرد و گفت: «خب معلوم است که محتوای کتابها یکی است، چون همه آنها موضوع درس را توضیح می‌دهند و یا در موردش سؤال طرح می‌کنند. اما تو اصلاً نمی‌توانی کتابی مثل این را با یک مجموعه تست معمولی مقایسه کنی. این کتاب موضوعات درس را خیلی جزئی دسته‌بندی کرده و مطالعه‌اش آسان‌تر است.»

سیده زهرا، با سولماز هم عقیده بود و فقط کتابهای ناشران خاصی را قبول داشت. او در این خصوص گفت: «من آن قدر فرصت ندارم که صرف هر کتابی کنم. به همین خاطر خیلی وقت است که فقط مجموعه کتابهای یک انتشاراتی را می‌خوانم. به نظرم کتابهای خوبی هم بوده است، چون در آزمونهای آزمایشی نتیجه خوبی گرفته‌ام.»

النا و مونا، هم‌زمان با زهرا مخالفت کردند. النا گفت: «من هم در آزمونهای آزمایش شرکت کرده‌ام، اما وقتی سؤالات آزمون یا کتابهای تست را با سؤالات کنکور سالهای قبل مقایسه می‌کنم، می‌بینم که نه تنها آن سؤالات با تیپ سؤالات کنکور فرق دارند که حتی بعضی از آنها اشتباه هم هستند!»

در پارک مجاور یک کتابخانه دیگر، تعدادی جوان ۱۸-۱۷ ساله دور هم جمع شده‌اند. نظر این جمع را در مورد موضوع نیازسنجی پرسیدم.

مهدی، بر این اعتقاد بود که ناشران فقط به منافع خودشان فکر می‌کنند و اهمیتی به نیاز مخاطب نمی‌دهند. او در این خصوص گفت: «اگر خوب فکر کنیم، می‌بینیم اصلاً احتیاجی نیست که ما این همه کتاب رنگ و وارنگ را بخوانیم. اگر کسی کتاب درسی را دقیق بخواند، موفق است. اما هر کس را می‌بینی، یکی از این کتابها زیر بغلش زده و آن وقت تو هم می‌ترسی که از قافله عقب بمانی و می‌روی آن کتابها را می‌خری.»

سهراب، در جواب حرف مهدی به شیوه نگارش و تدریس کتابهای درسی اشاره کرد و گفت:

نیازسنجی
مخاطبان می‌توانند
برای‌بندی از نیازهای
بالقوه و آتی مخاطبان را
پیش‌بینی کند

«کتابهای ما مفهومی هستند و معلم هم در کلاس جوری درس می‌دهد که بتوانیم امتحانات تشریحی را جواب بدهیم. اما کنکور تستی است و اگر از کتابهای کمک‌درسی و تست استفاده نکنیم، نمی‌توانیم تست‌زنی را یاد بگیریم و در نتیجه قبول نمی‌شویم.»

امیرمحمد، در خصوص نیازسنجی گفت: «من فکر می‌کنم اصلاً برای کسی مهم نیست که نیاز ما چیست. اگر راستش را بخواهید، من اصلاً فکر نمی‌کنم در آینده از این همه فرمول و تست استفاده‌ای بکنم. اگر قرار باشد برای چاپ کتابهای کمک‌درسی نیازسنجی شود، بهتر است قبلش به کتابهای درسی هم نگاهی بکنند و ببینند چه قدر مطالب مورد نیاز ما در این کتابها آمده است.»

دانیال، هم حرف امیرمحمد را تأیید کرد و افزود: «دایی من فوق لیسانس دارد و همین حرف امیرمحمد را می‌زند. او هم می‌گوید در دبیرستان و دانشگاه فقط یک مشت فرمول و مطالب حفظی به مغز ما فرو کردند که الان در بازار کار اصلاً به دردمان نمی‌خورد.»

حسین، که تا آن لحظه ساکت مانده بود، به حرف آمد و گفت: «درست یا غلط، نیاز الان ما این است که وارد دانشگاه بشویم و کتابهای آموزشی هم برای همین چاپ می‌شوند. به نظر من، این کتابها نیاز ما را برطرف می‌کنند، اما بعضی‌هایشان تکرار مطالب کتاب دیگری است. اگر تنوع کتابها کمتر شود، بچه‌ها راحت‌تر می‌توانند انتخاب کنند و وقتشان هم کمتر تلف می‌شود.»

متولی نیازسنجی کیست؟

نیازسنجی مخاطبان می‌تواند برآیندی از نیازهای بالقوه و آتی مخاطبان را پیش‌بینی کند. نیازسنجی کارکردی دوسویه دارد: «علاوه بر تأمین نیاز کاربران، به افزایش سود ناشران نیز منجر خواهد شد. بررسی نظرات فعالان حوزه نشر آموزی نشان می‌دهد که از نگاه آنان، ناشران به دلیل بزرگی جامعه هدف، هزینه‌های اولیه تحقیقات نیازسنجی و تکرار ناشی از ناهماهنگی ناشران مختلف، به تنهایی نمی‌توانند نیازهای مخاطبان را تشخیص دهند. آنها در این خصوص به هم فکری متولیان فرهنگی، برگزارکنندگان نمایشگاههای کتاب، انجمنهای صنفی چاپ و نشر، کتاب‌داران و متخصصان رشته‌های گوناگون نیاز دارند.





در نشست کارشناسان گروه مکانیک عنوان شد:

در حوزه‌های آموزشی صنعت نیازمند کتاب‌های کمک آموزشی هستیم



محمدعلی نیکنام، محمدحسین معتمدراد

اشاره

نخستین نشست در زمینه تألیف و نشر کتابهای آموزشی و کمک‌آموزشی فنی‌وحرفه‌ای، در سالن اجتماعات «دفتر فنی‌وحرفه‌ای» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد. این نشست که به دعوت هیئت تحریریه مجله «رشد جوانه» صورت پذیرفت، به آشنایی با حوزه آموزشی مکانیک و تألیف و نشر کتابهای آموزشی در این حوزه درسی اختصاص داشت.

نشست مذکور با حضور مهندس ابوالقاسم جاریانی، معاون سابق بخش صنعت دفتر فنی‌وحرفه‌ای، مهندس محمدعلی نیکنام، مهندس عبدالمجید خاکی صدیق، مهندس احمد آقازاده هریس، مهندس محمد لطفی‌نیا، دکتر مهدی اسماعیلی، کارشناسان گروه‌های آموزشی مکانیک، و علی کافی، مشاور ارشد انتشارات فنی ایران برگزار شد که گزارش آن را در ادامه می‌خوانید.

شماره: ۳۵/۳۶/۵۹

۱۸

۱۳۹۱

نیکنام: حاضران در این نشست کارشناسان دفتر فنی و حرفه‌ای و نماینده انتشارات فنی ایران هستند و قصد داریم مسائل تألیف و نشر در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای را تجزیه و تحلیل کنیم. بهتر است بحث را از آقای کافی از نشر «فنی ایران» شروع کنیم. بفرمایید فعالیت‌های انتشارات فنی ایران در چه زمینه‌ای است و این مرکز چه کتابهایی را نشر می‌دهد؟

کافی: بنده به نمایندگی از انتشارات فنی ایران در خدمت شما هستم. این انتشارات را آقای جلیل خسروشاهی بنیان گذاشت که بیشتر مقاصد خیرخواهانه را دنبال می‌کرد و کمتر به مسائل اقتصادی توجه داشت. ایشان در اوایل دهه ۱۳۶۰ تصمیم گرفت مؤسسه‌ای را بنیان بگذارد که به اصطلاح ما ویراستارها، «نویشتگان فنی» را ترویج دهد. چرا که معتقد بود، جای این آثار در کشور ما خالی است. این موضوع زمانی اتفاق افتاد که هنوز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به شاخه‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای تقسیم نشده بودند. تصمیم ایشان بر این بود که روی کتابهایی تمرکز شود که بیشتر در خدمت تکنسین‌های آن دوره باشند.

حاصل یک دوره فعالیت انتشارات فنی ایران غریب به ۱۰۰ کتاب بود که دوستان حاضر در این جلسه، کتابهای مذکور را دیده‌اند. انتخاب کتابها براساس یک برنامه درسی مشخص نبود و کتابهایی بود که می‌توان به آنها «دانش‌افزا» گفت. در این زمینه انتشارات فنی ایران فعالیتهای خوبی داشته و کتابهای مناسبی منتشر کرده است. بسیاری از کتابهای آن جایزه دریافت کردند و بسیاری نیز از سوی آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه‌ای کشور تقدیر و توصیه شدند.

در مجموع می‌توان گفت، کتابهای ما طبق دیدگاه آموزش و پرورش، کتابهای دانش‌افزایی هستند و برای هنرآموزان و هنرجویانی مناسب‌اند که می‌خواهند اطلاعات خود را گسترش دهند. البته ما برنامه‌هایمان را تا حدودی تغییر دادیم و تصمیم گرفتیم که کارهایمان را با نظام آموزشی کشور هماهنگ کنیم. بنابراین با دستگاه آموزش و پرورش کشور و با دوستانی که در این دفتر هستند، وارد مذاکره شدیم و اعلام کردیم، با توجه به سابقه‌ای که داریم، آماده‌ایم تا در جهت نشر فنی همکاری کنیم.

برای تولید ۲۵ کتاب درسی با آموزش و پرورش قرارداد بسته‌ایم

نتیجه این مذاکرات به این‌جا ختم شد که اکنون ما برای تولید ۲۵ کتاب درسی با آموزش و پرورش قرارداد بسته‌ایم. هم‌چنین در حال حاضر برای انتشار کتابهای دو رشته از کاردانش، یعنی



کافی



در
حال حاضر برای
انتشار کتابهای دو رشته
از کاردانش، یعنی تأسیسات
و نقشه کشی، تفاهم نامه‌ای
با آموزش و پرورش امضا
کرده‌ایم

تأسیسات و نقشه کشی، تفاهم نامه‌ای با آموزش و پرورش امضا کرده‌ایم. در ضمن این فعالیتها، اگر متوجه شویم که کتابی مفید واقع خواهد شد، با آقای جعفرآبادی و کارشناسان هماهنگ می‌کنیم تا به چاپ برسد.

در گذشته عملکرد انتشارات فنی ایران این گونه بود که بدون در نظر گرفتن مخاطب ویژه، به انتشار کتاب دست می‌زد. اما اکنون تصمیم مؤسسه بر این است که کتابها را هدفمند به چاپ برساند. یعنی مخاطبانی را شناسایی کند و برای آنها کتاب منتشر سازد. یک بخش از کتابهای ما حاوی فناوریهای جدیدی هستند که نظام آموزشی به آنها نپرداخته است. مثلاً یکی از استادان به ما چاپ کتابهایی را که در زمینه تلویزیونهای که با فناوریهای جدید مثل LCD و LED کار می‌کنند پیشنهاد داد. این پیشنهاد در دست بررسی است.

نیکنام: همان‌طور که اطلاع دارید، قرار است که درباره سامان بخشی کتابهای آموزشی در حوزه فنی و حرفه‌ای و کاردانش صحبت کنیم. خود بنده به عنوان کارشناس، خلأ وسیعی را بین کتابهای آموزش فنی و حرفه‌ای موجود با نیاز جامعه احساس می‌کنم. طبق تحقیقی که بنده کرده‌ام، اولین مدرسه‌ای که در ایران تأسیس شد، «دارالفنون» بود؛ یعنی محل آموزش فنون. شاگردان این مدرسه برحسب نیازشان دروس علمی، فیزیک، شیمی، ریاضیات و ... را هم می‌خواندند و قرار بوده است که این علوم به عمل تبدیل شوند.

خلاصه کلام این که امروز جلسه‌ای داریم پیرامون سامان بخشی کتابها. ابتدا قرار بر این بود که به تفکیک رشته‌ها در خدمت کارشناسان باشیم تا نظراتشان در مجله رشد جوانه منعکس شود. اما چون خیلی طولانی می‌شد، قرار شد که این جلسات به تفکیک گروه‌های آموزشی برگزار شود.

در حال حاضر، ده گروه در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف داریم. اولین گروه‌ها، گروه مکانیک است که امروز در خدمتشان هستیم. من ابتدا از آقای مهندس جاریانی می‌پرسم: گروه یعنی چه؟ وقتی می‌گوییم گروه مکانیک یا می‌گوییم ده گروه در دفتر برنامه‌ریزی داریم، دقیقاً از چه چیزی سخن می‌گوییم؟

جاریانی: قبل از این که بحث را شروع کنم، از همکارانمان در مجله رشد جوانه تشکر می‌کنم که اجازه دادند، چنین نشستی برگزار شود تا جامعه معلمان و دانش‌آموزان با اهداف رشته‌های تحصیلی و فعالیتهای دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی آشنا شوند. من این اقدام را اقدام مبارکی می‌دانم.

دوره متوسط به سه شاخه تقسیم می‌شود: شاخه نظری، شاخه فنی و حرفه‌ای و شاخه کاردانش. در هر یک از این شاخه‌ها گروه‌هایی هستند و در هر گروه تعدادی رشته وجود دارد.

نحوه انتخاب گروه‌ها، به دروس اصلی و پایه هر رشته بستگی دارد. هر چه در یک رشته، تعداد دروس اصلی و پایه به هم نزدیک‌تر باشد و یک سلسله مفاهیم مشترک برای آموزش دروس تخصصی وجود داشته باشند، اصطلاحاً آن دروس هم خانواده هستند و در یک گروه قرار می‌گیرند.



در گروه‌های درسی هم سعی ما بر این بوده است که حداقل حدود چهار تا شش درس مشترک وجود داشته باشد. یعنی در همه رشته‌هایی که در یک گروه قرار می‌گیرند، این دروس تدریس شوند؛ چه به عنوان دروس اصلی چه به عنوان دروس پایه که اینها زمینه‌ای می‌شوند برای ورود به دروس تخصصی. دروس تخصصی هم همان‌طور که از اسمشان پیداست، خاص هر رشته هستند. مهم‌ترین ویژگی شاخه فنی و حرفه‌ای این است که برنامه درسی آن به صورت پیوسته پنج ساله تدوین می‌شود.

جاریانی

در برنامه ریزی درسی، نگاه چهار ساله داریم

ما در برنامه‌ریزی درسی در شرایط فعلی نگاه چهار ساله داریم؛ دو سال هنرستان و دو سال دوره کاردانی که یک برنامه پیوست است و در آن هم گروه‌ها در نظر گرفته شده‌اند. یعنی گروه‌های درسی در برنامه‌های درسی لحاظ شده‌اند. معمولاً این گروه‌های درسی یک سلسله اهداف خاص و مشترک دارند و وقتی در برنامه‌ریزی درسی اهداف را تعیین می‌کنیم، ویژگیهای اهداف مشترک رعایت می‌شوند. یعنی یک مجموعه کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و دروس مشترک هستند که باعث می‌شوند، مثلاً معلم رسم فنی گروه مکانیک تقریباً بتواند در همه رشته‌ها درس بدهد. یا اگر معلمی کارگاه مقدماتی مکانیک را درس می‌دهد، بتواند همه کارگاه‌های مقدماتی در دیگر رشته‌ها را نیز تدریس کند. این روش باعث می‌شود که بتوان از ظرفیت موجود در یک مرکز بیشترین استفاده را کرد؛ در عین حال که اهمیت دروس تخصصی نیز حفظ می‌شود.

نیکنام: از آقای دکتر اسماعیلی، که در گروه مکانیک فعالیت دارند و سرگروه این حوزه آموزشی نیز می‌باشند می‌خواهیم رشته‌های داخل گروه را معرفی کنند و شرح دهند که چه‌طور این رشته‌ها کنار هم جمع شده‌اند و گروه را تشکیل داده‌اند. هم‌چنین، برای ما بگویند: تألیف کتابهای رشته مکاترونیک که برای آن برنامه‌ریزی کرده‌اند، به چه مرحله‌ای رسیده است؟ نیز کتابهای کمک‌آموزشی این رشته چه کتابهایی هستند و آینده کتابهای کمک‌آموزشی این رشته را چگونه می‌بینید؟

اسماعیلی: گروه مکانیک هفت رشته درحوزه فنی و حرفه‌ای را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: ساخت و تولید، نقشه‌کشی، صنایع فلزی، مکانیک خودرو، تأسیسات، صنایع چوب و کاغذ، مکاترونیک.

اسماعیلی



تعداد دانش‌آموزان ما در کل کشور در گروه مکانیک حدود ۴۲ هزار نفر در حوزه فنی و حرفه‌ای است و حدود ۲۲ تا ۲۳ هزار نفر در حوزه کاردانش. تعداد هنرآموزان ما که در وزارت آموزش و پرورش با لیسانس مهندسی مکانیک استخدام شدند (و همچنین لیسانسهای مربوط)، در حدود ۳۶۰۰ معلم است. همان‌طور که استحضار دارید، تعداد کل دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای

و کاردانش ما در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ حدود ۸۲۸ هزار نفر بوده است.

در دنیای امروز، تقسیم‌بندی کلاسیک دانشگاهی و پایین‌تر از دانشگاهی وجود ندارد. آموزش فنی و حرفه‌ای ماهیت مستقلی دارد که با توجه به آن در بخشهای متفاوت آموزشی تزیق می‌شود. آینده فنی و حرفه‌ای در دنیا به سمت رسمیت دادن به تجارب غیررسمی پیش می‌رود. یعنی برنامه‌های آموزشی لزوماً مقید به چارچوبهای زمانی موجود نیستند. با این تفاسیر به نظر می‌رسد که باید برای آموزشهای فنی و حرفه‌ای محدوده‌ای بسیار مستقل که حوزه و مخاطبانانش هم فقط رسمی متوسط و دوره کاردانی نباشند، تعریف کرد.

در کشورهای دیگر، دوره کاردانی معمولاً به نام آموزشهای دانشگاهی تقسیم‌بندی نمی‌شود. کاردانی متعلق به حوزه فنی و حرفه‌ای، خاص خود آموزشهای فنی و حرفه‌ای است. برای همین به نظر می‌آید که تقسیم‌بندی ما در حوزه نشر باید به سمت تقسیم‌بندی حوزه آموزش و پرورش، حوزه دانشگاه و حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای پیش برود.

آینده برنامه‌های درسی آموزشهای فنی و حرفه‌ای هم به سمت آموزشهای مبتنی بر شایستگی پیش می‌رود.

کتابهای درسی و مواد آموزشی ما نیز باید به ارائه این شایستگیها بپردازند. برای مثال، اگر در رشته‌ای ۸۰ شایستگی داریم، برای تک تک این شایستگیها باید مواد آموزشی داشته باشیم و در آخر هم ارزش‌یابی براساس آن شایستگی انجام می‌شود. ویژگی این شایستگی آن است که مخاطبان را افزایش می‌دهد. یعنی مخاطبان حوزه رسمی و غیررسمی را تکمیل می‌کند.

ما در حوزه سازمان فنی و حرفه‌ای حدود ۱۰ هزار مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای و حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ مرکز ثابت، در حوزه آموزشهای فنی و حرفه‌ای در حدود پنج هزار هنرستان کارودانش و فنی و حرفه‌ای، در حوزه آموزشکده‌ها حدود ۱۶۰ آموزشکده فنی و حرفه‌ای و در حوزه دانشگاه جامع علمی و کاربردی، در حدود ۵۰۰ مرکز داریم. یعنی به طور کلی بازار بسیار وسیعی داریم که متأسفانه مغفول واقع شده است.

کتابها و منابع آموزشی، در حوزه شایستگی باید بیشتر بر فیلمهای آموزشی تمرکز داشته باشند تا کتابهای آموزشی. البته نقش کتاب از بین نمی‌رود اما فیلم هم شاید به اندازه کتاب یا نرم‌افزارهای آموزشی نقش داشته باشد. از این‌رو، اگر ما در گروه‌های متفاوت، شایستگیهای مشترک رشته‌ها را شناسایی کنیم و براساس آنها کتاب یا فیلم آموزشی تهیه کنیم، دیگر می‌توانیم حوزه رسمی

و غیررسمی را مخاطبان خود قرار دهیم. بحث دیگر در این زمینه آن است که ما باید طبق استانداردهای اولیه، جدولی داشته باشیم تا ناشر جای خودش را در آن جدول پیدا کند و بداند که در کدام قسمت از جدول هنوز کاری انجام نشده است. هم‌چنین، از آن‌جا که برنامه‌های ما پنج ساله است، برای دوره متوسطه مواد آموزشی مناسب نداریم. یعنی همان اندازه که به برنامه‌های دوره متوسطه توجه می‌شود، باید بر دوره‌های کاردانی نیز تمرکز کنیم.

در گروه مکانیک باید اولویت اول کتابها و شایستگی‌هایی باشند که میان همه رشته‌ها مشترک هستند.

برای اولویت‌های بعدی موارد دیگری را می‌توان در نظر گرفت. مثلاً برای کارگاه مکانیک عمومی، فیلم خوبی براساس شایستگیها برای هنرستانها یا حتی مراکز فنی‌وحرفه‌ای نداریم که به عنوان یک مرجع قابل استفاده باشد. نرم‌افزارها هم خوب هستند، اما به نظر من، اولویت اصلی با فیلم آموزشی است که باید به صورت هدفمند طراحی و ساخته شود.

درباره رشته مکاترونیک هم باید بگوییم، رشته جدیدی است که در کشورهای گوناگون برای آن برنامه‌ریزی شده و حدوداً یک دهه است که به حوزه فنی‌وحرفه‌ای ما وارد شده است. در دوره دانشگاهی ما، اوایل یکی دو دانشگاه بودند که رشته مکاترونیک را در دوره فوق لیسانس ارائه می‌کردند که در حال حاضر تعدادشان بیشتر شده است. دو سه دانشگاه هم این رشته را در دوره لیسانس ارائه می‌دهند.

در حوزه فنی و حرفه‌ای به رشته‌های بین رشته‌ای نیاز داریم

در حوزه فنی‌وحرفه‌ای، ما به رشته‌های بین رشته‌ای نیاز داریم. اکثر محصولات به سوی بین رشته‌ای بودن حرکت می‌کنند، یعنی ترکیبی از الکترونیک، مکانیک و رایانه هستند. در حوزه بازار کار، تدبیری برای این موضوع اندیشیده نشده است و بیشتر به صورت سری آموزش می‌دهند. در آموزشهای ما، دوره‌های مکانیک، الکترونیک و رایانه به صورت دوره‌های مجزا آموزش داده می‌شدند. به همین علت قصد داریم از ابتدا این سه رشته را به صورت هدفمند طراحی کنیم. در دو سه سال اخیر، برنامه‌ریزیهای حدود ۲۰ کشور بررسی شد و برنامه درسی دوره دیپلم و فوق دیپلم یا دوره تکنسینی طراحی شد و دوره متوسطه آن به شورای عالی آموزش و پرورش و دوره کاردانی پیوسته‌اش به دانشگاه جامع علمی و کاربردی ارسال شد. در کمیسیون شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسید و برای تصویب نهایی منتظر صحن شورا است.

فرایند کار در دانشگاه جامع علمی و کاربردی نیز در حال انجام است. البته چون هنوز این رشته به تصویب نهایی نرسیده است، نمی‌توانیم در موردش خیلی اظهار نظر کنیم. اما اکنون در رشته

اکثر محصولات
به سوی بین رشته‌ای
بودن حرکت می‌کنند،
یعنی ترکیبی از الکترونیک
مکانیک و رایانه
هستند

ساخت و تولید، ۱۱ هزار دانش‌آموز، در رشته نقشه‌کشی عمومی حدود ۴۱۰۰ نفر، در رشته صنایع فلزی ۴۲۰۰ نفر، در رشته مکانیک خودرو ۱۸ هزار نفر، در رشته تأسیسات ۵۲۰۰ دانش‌آموز و در رشته صنایع چوب ۲۲۰۰ نفر مشغول به تحصیل هستند.

می‌توانیم حوزه‌های مشترک این رشته‌ها را بررسی کنیم تا ببینیم متناسب با شایستگی‌ها، آیا کتابهای مشترک درسی و کمک‌درسی در حوزه نشر وجود دارند یا نه. یعنی کتابهای مشترک درسی، چون در رشته‌های کاردانش بعضی کتابها اصلاً وجود ندارند.



لطفی نیا

نیک‌نام: آقای لطفی نیا، دیگر کارشناس سازمان در حوزه آموزش صنایع چوب هستند. از ایشان می‌خواهیم ضمن معرفی این رشته، در مورد کتاب‌های کمک‌آموزشی مورد نیاز آن نیز توضیحاتی ارائه فرمایند.

لطفی نیا: خوش‌حالم از این که تعاملی میان نشریه جوانه و اعضا و کارشناسان دفتر تألیف آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای برقرار شده است.

رشته صنایع چوب و کاغذ از جمله رشته‌های بسیار قدیمی است که قدمت آن به ۱۰۰ سال پیش می‌رسد و به طور کامل تا الان در حال رشد بوده است. ما بعد از انقلاب توانستیم در همه استانهای کشور برای این رشته، هم در شاخه فنی‌وحرفه‌ای و هم در شاخه کارودانش، هنرجو جذب کنیم. مخصوصاً در آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای وزارت کار، مراکز بسیار زیادی در حال آموزش این رشته هستند.

در حال کیفیت‌بخشی به کتاب‌ها هستیم

دفتر تألیف فنی‌وحرفه‌ای هم با توجه به تغییر نظام آموزشی که اتفاق افتاد، همه کتابهای قدیمی را به ۱۲ جلد کتاب فنی‌وحرفه‌ای و ۸ جلد کتاب کاردانش تغییر داد که بسیار کامل و جامع هستند و در حال حاضر هم در حال کیفیت‌بخشی به این کتابها هستیم.

در رابطه با کتابهای کمک‌آموزشی و تأثیر آنها بر روند آموزش به خصوص در شاخه کاردانش، اعضای کمیسیون ما و سازمان فنی‌وحرفه‌ای کتابهای بسیار زیادی در این شاخه به چاپ رسانده‌اند. مثل درودگری مقدماتی و پیشرفته و حتی CNC ماشین آلات صنایع چوب تألیف شده است که در بازار به فروش می‌رسد و مورد استفاده فراگیرندگان این رشته قرار گرفته است. اما آنچه که امروز مهم و حائز اهمیت است، مطابقت محتوای این کتابها با فناوری پیشرفته روز است. به این منظور، کتابهای مرجع آلمانی را برای ترجمه تهیه کرده‌ایم. هم‌چنین، از طریق نمایشگاه کتاب امسال، منابع خارجی زیادی را تهیه کرده‌ایم که در شرف ترجمه برای افزایش معلومات در رشته صنایع چوب هستند.

با انتشارات فنی ایران نیز ارتباط داریم و در حال ترجمه کتابی هستیم که به زودی منتشر خواهد

شد تا به عناوین کتابهای کمک آموزشی اضافه شود.

نیکنام: رشته های فنی می توانند تولید کننده باشند و ما را به خودکفایی برسانند تا از ورود تولیدات خارجی جلوگیری شود. اما متأسفانه رشته هایی مثل معدن، چاپ، صنایع چوب، ریخته گری، صنایع فلزی، آن چنان که باید مورد حمایت قرار نگرفته اند؛ نه از سوی مردم که به سوی این رشته ها بیایند و نه از حمایت های مسئولین. خوش بختانه در این تغییر نظام ما تا به حال توانسته ایم ۲۰ کتاب چاپ کنیم و پنج کتاب نیز در دست چاپ داریم که این برای ما معجزه ای است.

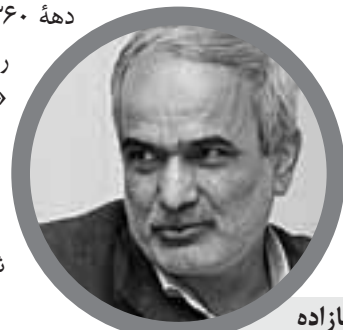
آموزشهایی که حدود ۴۰۰ هزار نفر در کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم در آن فعال هستند، می توانند توسعه قابل توجهی در اشتغالهای خانگی که جزو سیاستهای دولت نیز هست، به وجود آورند. اما مجموعه کتابهای آموزشی و کمک آموزشی برای این آموزشها به سختی به ۵۰ عنوان کتاب می رسد که برای ۴۰۰ هزار نفری که در بیش از ۵۰ هزار کارگاه کوچک فعال هستند، کافی نیست. به جرئت می توانم بگویم در ۹۰ درصد از این کارگاه ها، حتی یک کتاب کمک آموزشی نمی توانید پیدا کنید. به همین دلیل ما در نهایت با تمام استعداد، هنر و خلاقیتی که داریم، از نظر کیفیت و قیمت محصول، به دلیل عدم آموزش آحاد ملت، در وضع نامناسبی هستیم. من شخصاً در این زمینه از انتشارات فنی کشورمان ناراضی هستم. شما فکر می کنید از ۹ هزار ناشر کشور، چه تعدادی در زمینه فنی و حرفه ای فعالیت می کنند؟

ما در شاخه های صنعت، خدمات و کشاورزی واقعاً نیازمند توجه وسیعی به کتابهای آموزشی و کمک آموزشی فنی هستیم؛ مخصوصاً در این برهه زمانی که بحران بی کاری هم هست و ما باید حتی اشتغال را به داخل خانه ها ببریم. از نظر من هیچ مانعی برای نوشتن کتابی درباره نحوه درست کردن رب گوجه فرنگی وجود ندارد. یا کتابی درباره این که چگونه چرخ گوشت را تعمیر کنیم. چرا در کتابهایی که در اتوبوسها می گذارند، خبری از کتابهای فنی و حرفه ای نیست؟ چرا برای بچه ها کتابهای آموزشی فنی و حرفه ای نوشته نمی شود؟

در این قسمت از آقای مهندس آقازاده می خواهیم که در مورد رشته تأسیسات و نقش کتابهای کمک آموزشی در این رشته مطالب خود را بیان فرمایند.

آقازاده: وقتی ما در حدود سال ۱۳۵۹ استخدام شدیم، برای رشته تأسیسات چند جلد کتاب و جزوه وجود داشت و پایه گذار و شروع کننده تألیف این کتابها نیز مرحوم آقای نوربخش، از استادان دانشگاه علوم و صنعت بودند که تحصیلاتشان را در آمریکا گذرانده بودند. بعد از سالهای اولیه

شما فکر می کنید
از ۹ هزار ناشر کشور
چه تعدادی در زمینه
فنی و حرفه ای فعالیت
می کنند؟



دهه ۱۳۶۰، در برنامه‌های چهارساله‌ای که تنظیم شد، به مسئله کتاب نیز توجه شد.

رشته ما با کلمه «تأسیسات» به طور کامل معرفی نمی‌شود و نام کامل آن «تأسیسات مکانیکی ساختمان» است. در نظام مهندسی نیز تأسیسات را به دو گروه «تأسیسات برقی» و «تأسیسات مکانیکی» تقسیم می‌کنند. در برنامه جدیدی که ما برای شورای عالی تهیه کرده‌ایم، پیشنهاد داده‌ایم که نام رشته هم تغییر کند. گرچه ممکن است با گفتن کلمه «تأسیسات» برخی متوجه شوند که منظور چیست، اما باید نام با مسمایی برای رشته داشته باشیم.

«تأسیسات مکانیک ساختمان»، داخل ساختمان را پوشش می‌دهد و در کنار آن، دستگاه‌هایی هستند که به شاخه‌های حرارتی، برودتی، بهداشتی و گازرسانی

تقسیم می‌شوند. درسهایی که آموزش داده می‌شوند، در این رابطه هستند.

به صورت تقریبی می‌توانم بگویم که حدود ۱۰ هزار هنرجو در سطح کشور مشغول به تحصیل در این رشته هستند. غیر از دو استان ایلام و بوشهر که فقط در شاخه کاردانش این رشته را دارند، در بقیه استانها در هر دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش، این رشته تدریس می‌شود. هم‌چنین، حدود ۹ رشته مهارتی داریم و ۱۳ جلد کتاب در حوزه فنی و حرفه‌ای و ۶ جلد کتاب در حوزه کاردانش تألیف کرده‌ایم. اخیراً نیز حدود ۹ جلد کتاب در دست تهیه داریم که قرارداد آن با انتشارات فنی ایران بسته شده است.

این را هم اضافه کنم که در برنامه‌ریزیهای چهارساله، هر سال به یکی از شاخه‌های رشته اختصاص داده شده بود؛ سال اول به رشته بهداشتی، سال دوم به حرارتی، سال سوم به تهویه مطبوع و سال چهارم به تبرید یا سردکننده‌ها. در حال حاضر، غیر از شاخه تهویه مطبوع، سه شاخه باقی‌مانده در دو سال فشرده شده‌اند. از طرف دیگر، می‌خواهیم که همه قسمت‌ها را آموزش دهیم، چون همه ی آنها لازم هستند، اما فشردگی مباحث و مطالب بسیار زیاد است. امیدوارم که طول دوره آموزش فنی و حرفه‌ای زیاد شود تا راحت‌تر بتوانیم آموزش‌هایمان را ادامه دهیم.

کتابهایی که در رشته تأسیسات نوشته شده‌اند، با توجه به این که این رشته کاربردی و خدماتی است، علاوه بر هنرجویان مورد استفاده دست‌اندرکاران رشته تأسیسات مانند شرکت‌های تأسیساتی نیز قرار می‌گیرند. در مورد کتابهای کمک آموزشی چندین سال است که با واحد سامان‌بخشی کتابهای آموزشی در دفتر انتشارات کمک آموزشی در ارتباط هستیم و کتابهایی را در زمینه تأسیسات ارزش‌یابی کردیم.

اما آنچه که اهمیت دارد این است که درصد کمی از هنرجویان از این کتابها استفاده می‌کنند. به نظر من چند علت دارد: یکی از علتها رواج کم کتاب‌هاست. این کتابها در محدوده‌ای انتشار می‌یابند که هنرجویان از آنها بی‌خبر هستند. بی‌علاقگی هنرجویان مخصوصاً در سالهای اخیر، یکی دیگر از علت‌هاست. در سالهای اول که استخدام شده بودیم، تدریس راحت‌تر بود و دانش‌آموزان

واقعاً مشتاق بودند که چیزی یاد بگیرند. الان معضلی که در زمینه کتابهای رسمی و کمک آموزشی مرتبط با رشته با آن روبه‌رو هستیم، همین بی‌علاقگی هنرجویان است. شاید هم اشکال از ما و یا سیستم باشد.

روز به روز از تعداد هنرآموزان کم می‌شود

از یک طرف، وقتی هنرجویان را به کارگاه می‌بریم و یک استادکار یا مهندس ورزیده نیز به آنها کمک می‌کند، باید به زور از کارگاه بیرونشان کنیم و از طرف دیگر، در کلاسهای تئوری با بی‌علاقگی شدید آنها مواجه هستیم. متأسفانه ما نتوانستیم جواب‌گوی علاقه هنرجویان به کار عملی باشیم و روز به روز از تعداد هنرآموزان کم می‌شود و جانشینانشان کسانی هستند که کار بلد نیستند.

در هر صورت، استفاده‌کنندگان اصلی کتابهای آموزشی و کمک آموزشی دو گروه هنرجویان و هنرآموزان هستند که هر دو مشکلاتی دارند. به نظر من در کنار تألیف کتاب باید فکری به حال بی‌علاقگی هنرجویان کرد. درصد کسانی که به درس علاقه دارند، بسیار کم شده است و مسائل حاشیه‌ای و اجتماعی، ذهن هنرجویان را مشغول کرده است. اگر ما کتاب کمک آموزشی تألیف کنیم و به دست آنها برسانیم ممکن است چندان توجهی نکنند. من معتقدم که هدف کتابهای کمک آموزشی باید کتابهای اصلی باشد و اگر در این مسیر حرکت کنند، موفق خواهند بود.

نیکنام: در ادامه بحث، در خدمت آقای مهندس خاکی هستیم که با تمام زوایای آموزش فنی و حرفه‌ای و نیز مسائل شورای عالی آموزش و پرورش آشنا هستند و زمانی هم مدیرکل سازمان آموزشهای فنی و حرفه‌ای کشور بودند.

آقای خاکی! شما فکر می‌کنید چند درصد ورودی‌مان باید وارد آموزش فنی و حرفه‌ای شود؟ چرا؟ مسیر پذیرش هنرجو چه تأثیری بر توسعه کشور خواهد داشت؟ ابزار کار ما برای رسیدن به سرمنزل مقصود در برنامه‌های آموزش و پرورش در جهت توسعه ۲۰ ساله چیست؟ می‌خواهم که بر کتابهای کمک آموزشی و رسانه‌های مربوطه تمرکز فرمایید.

خاکی: به طور کلی در دنیای امروز، آموزش رسمی از ابتدای تحصیل ابتدایی تا پایان نهم، به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که همه جوانان به سمت آموزشهای فنی و حرفه‌ای سوق یابند. در بسیاری از کشورها بیش از ۸۰-۷۰ درصد دانش‌آموزان به سمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای گرایش پیدا می‌کنند.

الان معضلی که

در زمینه کتابهای رسمی و کمک آموزشی مرتبط با رشته با آن روبه‌رو هستیم همین بی‌علاقگی هنرجویان است



توجه داشته باشیم که سمت‌گیری ما نسبت به آموزش فنی و حرفه‌ای باید متناسب با سیاستهای ۲۰ ساله، مصوبه‌های دولت و اهداف کلان ما باشد. زندگی ایجاب می‌کند که هر کسی به سمت شغلی برود؛ حال چه با تحصیلات عالی چه با تحصیلات متوسطه. هم‌چنین باید ببینیم سطوح هرم شغلی چگونه تقسیم‌بندی می‌شوند تا بتوانیم با یک عدد نه خیلی دقیق ولی تقریبی، به آن سمت دهیم تا فراغ‌التحصیلان ما به سمت دوره‌های تحصیلی متفاوت حرکت کنند. اینها همه به سازوکارهای مناسب و زیرساخت نیاز دارند. در کشورهایی که اکنون برای دانش‌آموزان در جهت حرکت به سوی فنی و حرفه‌ای انگیزه ایجاد می‌کنند، اهرمها و حمایت‌های قانونی نیز وجود دارد؛ مانند قوانین کار مصوب که اشتغال آنها را فراهم کند. از همه مهم‌تر، به نظر من افراد باید طی دوران تحصیلات فنی و حرفه‌ای از حمایت‌هایی برخوردار باشند. این جواب سؤال اول بود.

هماهنگی کتابهای کمک آموزشی با برنامه‌های آموزشی و کتابهای

درسی

در رابطه با تأثیر کتابهای کمک آموزشی باید بگویم همان‌طور که همه اطلاع دارید، چندین سال است که سامان‌دهی کتابهای کمک آموزشی در دفتر انتشارات کمک آموزشی شروع شده است که ان شاء... بتوانیم شاهد انتشار کتابهای کمک آموزشی به صورت رسمی و تأیید شده باشیم. به گونه‌ای که این کتابها هماهنگی لازم را با برنامه‌های آموزشی و کتابهای درسی داشته باشند تا اگر دانش‌آموزی به دنبال اطلاعات بیشتری بود، از کتابهای کمک آموزشی استفاده کند. کتابها، هم از نظر علمی و هم از نظر محتوا، ابتدا باید به تأیید کارشناسان ذی‌ربط برسند و سپس معرفی شوند. اقدام دیگر دفتر انتشارات کمک آموزشی، برپایی جشنواره کتابهای آموزشی رشد است که این هم اطلاع‌رسانی دیگری است در مورد کتابهای آموزشی مناسب.

نیکنام: با توجه به تحقیقاتی که انجام داده‌ام، فکر می‌کنم ۹ هزار ناشر کتاب در کشور داریم. من کتابی داشتیم که تألیف و تدوین آن چند سال طول کشید. وقتی برای چاپ آن به سراغ ناشران می‌رفتم، می‌دیدم حتی بعضی‌هایشان پولی از من می‌خواهند تا چاپش کنند. اولین سؤالشان هم این است که: مصرف‌کنندگان این کتاب چند نفرند؟ کتاب روی دستم مانده بود، ولی در نهایت آن را چاپ کردم و در قبال دستمزد فقط حاضر شدند ۳۰ جلد کتاب به من بدهند! در مقابل صدها ساعت کاری که روی کتاب انجام دادم، تنها ۳۰ جلد کتاب دریافت کردم و این هیچ‌گونه جاذبه‌ای برای مؤلف ندارد.

فکر می‌کنید وضع انتشار کتابهای فنی چرا به این صورت است که من مؤلف علاقه‌مند را از پا می‌اندازد؟ اگر در رشته صنایع چوب، خود آموزش و پرورش حمایت نکرده بود، باور

بفرمایید ما نمی‌توانستیم ۲۵ کتابی که تألیف کرده‌ایم و حتی مورد استفاده دانشگاه‌ها نیز هستند، تا حالا تألیف کنیم. یا بعضی از همین ۵۰ جلد کتاب کمک‌آموزشی که برایمان ارسال کرده‌اند، به هیچ وجه مشخصات لازم را برای یک کتاب کمک‌آموزشی در چارچوب کار ما ندارند، اما ما سعی می‌کنیم همه را به نوعی تشویق کنیم تا ان شاءالله وارد گود شوند. حال شما فکر می‌کنید چرا چنین شرایطی در کشور ما به وجود آمده است؟ دارالفنون که در سال ۱۳۳۰ هـ.ق تأسیس شده بود، در دوران خودش چاپ و نشر داشت و هنرآموزانش را تعلیم می‌داد. شاید بعد از ۳۰ سالی که آموزش می‌داد، تعداد کتاب‌هایش به ۴۰ عنوان رسید. اما حالا وضع نشر چگونه است؟ چه کاری باید انجام دهیم تا مؤلف را جذب کنیم که در جهت نیاز کشور عمل کند؟ جناب آقای کافی بفرمایید.

وقتی

می‌خواهیم در شاخه
کاردانش کتاب درسی
تولید کنیم، دست و پایمان
می‌لرزد، چون خریدنش
اجباری نیست

کافی: بد نیست بعد از گفتن این مقدمات کلی، به موضوع مورد علاقه فصل‌نامه رشد جوانه نیز برسیم که می‌خواهد روی کتابهای کمک‌آموزشی و مسائل ناشران خصوصی و سهمشان در این موضوع بحث کند. ناشران کشور ما دو نوع هستند: یکی ناشر خصوصی و دیگری ناشر دولتی. ناشر دولتی براساس اهدافی کار می‌کند که وجه اقتصادی‌اش از اهمیت کمتری برخوردار است. اما ناشر خصوصی برای این که بتواند روی پای خودش بایستد و بتواند از چاپ یک کتاب به درآمدی برسد تا بتواند از آن درآمد کتاب دیگری را چاپ کند، باید مخاطب را در نظر بگیرد.

مخاطب بالقوه و مخاطب بالفعل

معمولاً مخاطب را به مخاطب بالقوه و مخاطب بالفعل تقسیم‌بندی می‌کنند. مخاطب بالقوه یعنی کسانی که کتاب برای آنها نوشته می‌شود. تمام آماری که جناب‌عالی و دکتر اسماعیلی یا مهندس آقازاده در رابطه با فعالان رشته‌های خود ارائه کردند، یا ارقام شگفت‌انگیز ۸۰۰ هزار مخاطب و یا ۴۲ هزار مخاطب، از نظر ناشران، آمار و ارقام مخاطبان بالقوه است. مخاطب بالفعل مخاطبی است که کتاب را می‌خرد و از بابت خرید آن کتاب است که نظام نشر می‌تواند چرخه خود را طی کند و به ناشر توزیع‌کننده و کتاب‌فروش نفعی برساند.

حال من ارقام سرانگشتی را خدمت شما ارائه می‌دهم که شاید مورد توجه‌تان واقع شود. ما خودمان محاسبات را انجام می‌دهیم و این سؤال بجایی است که از شما می‌پرسند: چه قدر می‌توان این کتاب را فروخت؟ بالاخره محاسباتی وجود دارد. شما ابتدا فکر کنید که ناشر یک بنگاه اقتصادی است. وقتی از شما می‌پرسند که کتاب حدوداً چه قدر فروش خواهد داشت، این سؤال به حقیقت است. با یک محاسبه سرانگشتی، اگر کتابی کمتر از شش هزار نسخه به فروش رود، دخل



شما

فکر نکنید که

انتشارات فنی ایران

قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی را
که با آموزش و پرورش دارد، برای
جنبه مالی‌اش بسته است، بلکه
می‌خواهد تجربیات خودش را در
زمینه عرضه کتابهای درسی و
فنی افزایش دهد

و خرج آن کتاب با هم نمی‌خواند؛ به خصوص در حوزه کتابهای فنی که نسبت به کتابهایی مثل رمان، کتابهای پردردسری هستند. چرا که در رمان، شکل و جدول و رنگ مطرح نیست.

شما یک رمان قطع رقعی را در نظر بگیرید. آن را صفحه‌ای ۲۰ تومان قیمت می‌گذارند و یک کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای را ۲۵۰۰ تومان می‌فروشند. شما این را مقایسه کنید با کتابهایی که در رابطه با رشته‌های خودتان چاپ می‌شوند و با استفاده از یارانه، یک کتاب مثلاً ۲۰۰ صفحه‌ای را

۸۰۰ تومان یا ۱۰۰۰ تومان می‌فروشیم. حال اگر همین کتاب را با همین کیفیتی که شما در آموزش و پرورش منتشر می‌کنید، یک ناشر خصوصی بخواهد چاپ کند، نزدیک شش هزار تومان قیمت‌گذاری می‌کند. برای کتابی با این قیمت، ناشر باید سرمایه‌گذاری جدی کند. تعداد مخاطبان بالفعل که این کتاب را بخوانند، تحت تأثیر عوامل پیچیده‌ای است که به مسئله نقش کتاب در نظام آموزشی ما برمی‌گردد.

ما دو نوع نظام آموزشی داریم: یکی نظام آموزشی رسمی که باید «Corriclom Base» باشد و ناشر خصوصی خیلی با این موضوع آشنا

نیست و نقش Text book و بسته آموزشی را به درستی نمی‌داند. هم‌چنین از تعریف دقیق کتاب کمک‌آموزشی هم اطلاع ندارد. آقای دکتر اسماعیلی واضح‌تر گفتند. کتاب کمک‌آموزشی در تصور همه کتابی است که به ارزش‌یابی می‌پردازد؛ مثل انواع کتابهای تمرین تا فرد بتواند در ارزش‌یابی موفق شود.

آموزش آکادمیک، آموزش غیر آکادمیک

ما در بسته آموزشی یک Text book داریم که کتاب محور محسوب می‌شود و فرض کنید تولید این گونه کتابها در اختیار آموزش و پرورش است. حول و حوش آن، یک Text book راهنمای معلم و نیز یک کتاب کار لازم است. در ضمن، الزاماً نباید به کتاب به عنوان یک رسانه توجه شود و به رسانه‌های دیگر هم باید توجه کرد؛ مثل فیلم، سی‌دی و حتی مولتی مدیا متصل به شبکه. این رسانه‌ها به خصوص در مورد رشته‌های فنی خیلی قوی‌تر می‌توانند عمل کنند. ضمن این که کتاب هنوز در آموزش و فرهنگ جایگاه و نقش جدی دارد.

نکته دیگر این که در کنار آموزش آکادمیک، آموزش غیر آکادمیک هم وجود دارد. کتابهای «Do it your self»، کتابهای فراوان با عناوین مکرر هستند که مثلاً اگر یخچال خراب شد، چه کنیم. یا حتی چگونه برای خانه کمد درست کنیم که چند جلد از این گونه کتابها را انتشارات فنی ایران به چاپ رسانده است، ولی رغبت و میل جامعه دست ناشر نیست و فضای دیگری اقتضا می‌کند. ظاهراً ما دیگر با پول نفت نمی‌توانیم زندگی کنیم و از این به بعد باید کار کنیم. این چشم‌انداز وجود دارد که: اگر کار بلد نباشی، نمی‌توانی زندگی کنی.



من زمانی را که برای یاد گرفتن کار در جامعه تشنگی ایجاد شود، خیلی دور نمی‌بینم. در آن صورت است که ناشری مثل ما، در کنار آموزش آکادمیک خودش، به دنبال نشر کتاب‌های Do it your self می‌رود و بیش از ۵۰۰-۴۰۰ عنوان از این کتابها را نشر می‌دهد تا بتواند همه رشته‌ها را تغذیه کند.

کتاب کمک آموزشی یعنی کتاب ارزش یابی

در کشور ما، کتاب کمک آموزشی همان طور که دوستان اشاره کردند، یعنی کتاب ارزش یابی؛ یعنی کتاب حل مسائل و کتاب تمرین. انتشار این کتابها رونق هم دارد و ناشران در این زمینه بسیار پول درمی‌آورند. آن چه که آقای اسماعیلی اشاره کردند و ما اسمش را بسته آموزشی گذاشته‌ایم، شامل کتاب درسی، کتاب کار و کتاب راهنمای معلم است.

ما به عنوان ناشر، در تعاملی که با آموزش و پرورش داریم، فرض کنید به رشته تأسیسات وارد می‌شویم. اما وقتی می‌خواهیم در شاخه کار دانش کتاب درسی تولید کنیم، دست و پایمان می‌لرزد، چون خریدنش اجباری نیست.

شما نمی‌توانید به یکی دو ناشر متکی باشید. ناشران متعدد و متنوع باید جذب این رشته شوند. به این منظور دو راه وجود دارد که آقای خاکی هم به آنها اشاره کردند. خیلی ساده بگویم که باید از این ناشران حمایت کنید، چون حساب دو دو تا چهار تا است. با توجه به آن رقم سرانگشتی که من عرض کردم، اگر کتابی تا شش هزار نسخه اش فروش نرود، به صرفه نیست. حالا یک کتاب رنگی قطع رحلی که ۲۰۰ صفحه است، ۸۰۰۰ تومان قیمت دارد. انتشارات فنی ایران اعلام می‌کند حاضر است با ارائه فاکتور و در صورت وجود سود معقول، برای شما کتاب چاپ کند؛ البته به شرطی که شما فروش آن را تضمین کنید و یا بگویید که مثلاً ما فقط ۱۰۰۰ نسخه می‌خواهیم. الان هم نوع



برنامه‌های درسی به سمت شایستگی پیش بروند

ارتباط ما با آموزش و پرورش همین‌طور است.

شما فکر نکنید که انتشارات فنی ایران، قراردادهای و تفاهم‌نامه‌هایی را که با آموزش و پرورش دارد، برای جنبه مالی‌اش بسته است، بلکه می‌خواهد تجربیات خودش را در زمینه عرضه کتابهای درسی و فنی افزایش دهد؛ به گونه‌ای که بتواند در زمان مقتضی از این قضیه بهره‌مند شود. خلاصه عرض کنم مادام که تعداد مخاطبان به قسمی نباشد که ناشر خصوصی را جذب کند، مطمئن باشید خیلی از ناشران وارد این زمینه نمی‌شوند. بنابراین راهی جز حمایت‌های دولتی برای این قضیه نمی‌بینم.

اسماعیلی: با توجه به بحث، من چهار محور برای برون رفت از این وضعیت می‌بینم: یکی این‌که در کشور ما ارزش کار بالا برود، یعنی کار دارای ارزش باشد. آموزش برای کار، نه آموزش برای آموزش. این نیاز به فرهنگ‌سازی دارد.

دوم این‌که برنامه‌های درسی ما به سمت شایستگی پیش بروند و مواد آموزشی‌مان با زبان مخاطبها نوشته شود. چون تجربه نشر ما، حداقل در حوزه فنی و حرفه‌ای، به زبان مخاطبان نیست.

سوم این‌که دولت حتماً باید سرمایه‌گذاری کند و مشوق‌های گوناگونی در حوزه نشر فنی و حرفه‌ای ارائه دهد.

و چهارم، بحث تعامل ارائه‌دهندگان آموزش و حوزه نشر بخش خصوصی است. گاهی اصلاً این تعاملات صورت نمی‌گیرند تا جریان اطلاعاتی برقرار شود و بفهمیم مشکل کجاست.

در کتابهای کمک آموزشی، زبان ما بیشتر زبان دانشگاهی است

من یک مجموعه آمار ارائه می‌کنم. در دنیا به طور میانگین، ۸۰ درصد مشاغل به آموزشهای فنی و حرفه‌ای نیاز دارند. در ایران نیز هم اکنون ۱۸ میلیون شغل‌مان نیازمند آموزشهای فنی و حرفه‌ای با همین مفهوم فنی و حرفه‌ای هستند. خب مخاطبان ما بیشتر کسانی هستند که می‌خواهند برای شغل آماده شوند. یک ظرفیت دیگر هم داریم و آن کسانی هستند که شغل دارند و شغلشان تغییر می‌کند.

آمار یونسکو در ایران می‌گوید: «افراد باسوادتر، بی‌کاری بیشتر». شاید بهره‌وری سواد که به داشتن شغل و افزایش ثروت منجر می‌شود، در کشور وجود ندارد. آمار دیگر این‌که در کشورهای دارای تولید ناخالص داخلی بیشتر، به طور متوسط درصد ثبت نام آموزشهای فنی و حرفه‌ای در دوره متوسطه بالاتر است. اگر به این موضوعات توجه کنیم، می‌بینیم که فنی و حرفه‌ای مهم و گران قیمت است. یا باید همه مسائل فنی و حرفه‌ای، حتی آموزش آن را به بخش خصوصی واگذار کرد، یا این‌که کاملاً دولتی شود؛ مثل سوئد و برخی کشورهای دیگر.

به طور کلی سازوکار این ارتباط در حوزه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و در بحث تولید مواد آموزشی

جایی تعریف نشده است که مثلاً برای تربیت نیروی انسانی کارخانه، چه قدر باید از مواد آموزشی استفاده کرد. تأکید من بیشتر بر فیلمهای آموزشی است که تعداد مخاطبان بالقوه و بالفعل آن زیاد است.

اگر روی این چهار محور به صورت موازی کار کنیم، احتمالاً به نتایج مثبتی در حوزه نشر خواهیم رسید.

در کتابهای کمک آموزشی، زبان ما بیشتر زبان دانشگاهی است. حتی در همین کتابهای فنی و حرفه‌ای که در بخش خصوصی داریم، همین طور است. به زبان دانش آموزان نیست. الان دانش آموزان ما چندان به مطالعه توجه ندارند، پس بهتر است آن گونه که دوست دارند، برایشان مواد درسی تهیه کنیم. اگر فیلم، موسیقی، مولتی مدیا یا پادکست دوست دارند، باید روی آنها کار کنیم. باید بپذیریم که مخاطبان ما تغییر کرده‌اند، پس ذائقه شان را باید رصد کنیم و به آن توجه نشان دهیم.

نیکنام: در پایان، آقای مهندس جاریانی بفرمایند دیدگاهشان درباره کتابهای کمک آموزشی چیست؟



نیکنام

جاریانی: تعریفی که می‌شود از کتابهای کمک آموزشی ارائه داد این است: کتابهای کمک آموزشی مجموعه‌ای از مواد یا رسانه‌های آموزشی هستند که برای نیل به اهداف خاص برنامه درسی تهیه می‌شوند. معمولاً کمیسیونهای تخصصی یا گروه‌هایی که کتابهای درسی را تهیه می‌کنند، دیدگاه دانشگاهی دارند، در نتیجه کتابها بیشتر به درد دانشجویان می‌خورند تا دانش آموزان. به همین دلیل باید سبک و سیاق تألیف کتابهای تخصصی در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش تغییر کند. تصور من این است که اگر بیشتر بتوانیم به سمت آموزش پودمانی و تألیف کتابهای پودمانی برویم، موفقیت‌مان بیشتر است. چون نکته‌ای که خیلی اهمیت دارد این است که کتابها باید خودآموز باشند.

قبلاً می‌گفتند نویسنده‌ای خوب است که کسی کتابش را متوجه نشود. در حالی که الان برعکس است و هنر مؤلف در این است که همه بچه‌ها بتوانند از کتابش بهره بگیرند. به نظر من، کتابهایی که تحت عنوان «راهنمای معلم» تهیه می‌شوند، به نوعی کمک آموزشی هستند. یعنی این محدوده را می‌توان وسیع‌تر کرد و کتاب کمک آموزشی را به گونه‌ای نوشت که حتی خانواده‌ها نیز آن را بخوانند و به فرزندانشان کمک کنند.

پیشنهاد می‌کنم در طرح سامان بخشی که طرح بسیار خوبی هم هست، این موضوع جا بیفتد که کتاب کمک آموزشی کتابی نیست که فقط برای دانش آموزان نوشته می‌شود. مثلاً الان برای دوره پیش دبستان یک بسته پیش دبستان تهیه شده که بسیار خوب است و به راحتی به بچه‌ها کمک می‌کند. خب این بسته به دست کودک پیش دبستانی داده نمی‌شود. خانواده‌ها آن را می‌خرند و با

بچه‌ها کار می‌کنند.

کتابهای کمک‌آموزشی اهداف برنامه درسی را پوشش دهند

مهم‌ترین هدف کتابهای کمک‌آموزشی این است که اهداف برنامه درسی را پوشش دهند. برای رونق انتشار این کتابها، به نظرم باید سیاستهای تشویقی را به کار بست؛ حداقل با دادن تضمین خرید کتاب به ناشران. حتی همین طرح سامان‌بخشی باید سیاستهایی را اجرا کند و از رسانه‌های دیگر کمک بگیرد تا ناشر ببیند مورد توجه است. ما همیشه مواظبیم که بخش خصوصی سود نکند که دیدگاه نامناسبی است.

پیشنهاد می‌کنم از ناشران خصوصی دعوت کنیم که به کمیسیونهای تخصصی بیایند. تصور می‌کنم اگر گروهی از ناشران در جلسه‌ای با اعضای کمیسیون مثلاً تأسیسات تبادل فکر داشته باشند، باعث می‌شود ناشر بفهمد که باید چه کار کند. یعنی نباید پيله‌ای غیرقابل نفوذ درست کنیم. باید اهداف برنامه درسی را به اطلاع ناشران

اهداف
برنامه‌ی درسی
را به اطلاع ناشران
برسانیم

برسانیم و بگوییم که کدام هدفهای رفتاری باید تحقق پیدا کنند.

کتابهای کمک‌آموزشی پیوند ناگسستنی با برنامه درسی دارند. اما اگر بتوانیم در کنار مباحث علمی، یک سلسله مباحث فرعی را که در خدمت علم هستند، مثل آموزشهای غیرفنی، به مخاطبان یاد بدهیم، خیلی خوب خواهد بود. این موضوع هم باید بین ناشران جا بیفتد که کتاب کمک‌آموزشی فقط یک تسهیل‌کننده است تا معلم بداند که دکان او تعطیل نمی‌شود و از کتاب استفاده کند. ما در کتاب راهنمای هنرجو که برای ریاضی نوشته‌ایم، تجربه خوبی نداریم. معلمها از این کتاب استفاده نمی‌کنند. من از یکی از بهترین معلمهای تهران پرسیدم: چرا تمرینات را از این کتاب نمی‌دهی؟ گفت: بچه‌ها می‌گویند: درس را که از روی کتاب می‌دهد، تمرین را هم که همین‌طور، پس خودش چه کاره است؟ برای ما افت دارد که بچه بگوید معلم از خودش هیچ خلاقیتی ندارد. یعنی آن فرهنگ‌سازی که آقای دکتر اسماعیلی گفتند نیز مهم است.

در کتابهای کمک‌آموزشی، باید یک سلسله شاخص برای اندازه‌گیری معین کنیم تا هنرجویان یاد بگیرند که چگونه پیشرفت خود را اندازه‌گیری کنند. ضمن این‌که نباید از حضور فناوری غافل شویم. باید از آن در خدمت راحت‌تر کردن آموزش استفاده کنیم. الان دیگر زمانه‌ای نیست که بگوییم فقط کتاب اعتبار دارد.

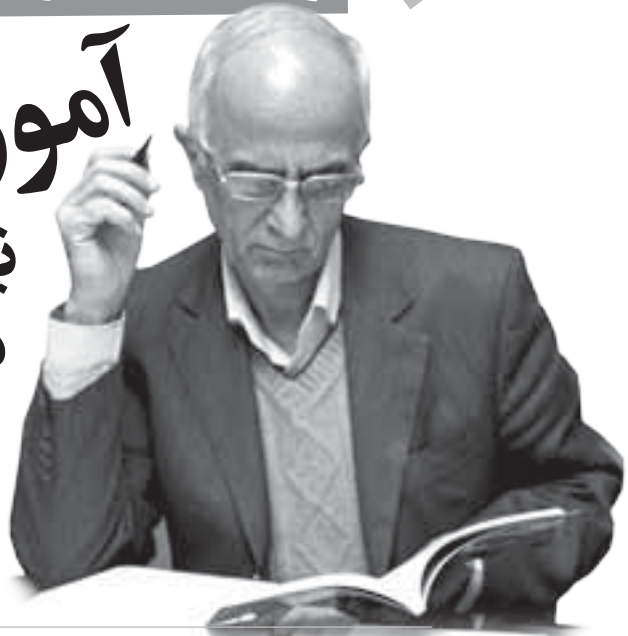
حرف آخرم هم این است که اکنون زمان انجام پژوهشی فرا رسیده است تا ببینیم نتایج طرح سامان‌بخشی کتابهای کمک‌آموزشی چه بوده است. اشکالات کار کدام‌اند و چگونه می‌توانیم بیشتر با بخش خصوصی پیوند بخوریم. تا به حال این گونه بوده است که ناشران برحسب علاقه و احساس مسئولیت وارد حوزه فنی و حرفه‌ای شده‌اند. پیوندمان با ناشران باید بیشتر شود و از ناشران برای حل مشکلاتمان کمک بخواهیم. هرچه این همکاریها صمیمانه‌تر و نزدیک‌تر باشند، قطعاً



در گفت وگو با دکتر سیاوش شایان
مؤلف کتاب‌های جغرافیا عنوان شد:



آموزش جغرافیا نیازمند تألیف است نه ترجمه



● یاسمن محمودی

اشاره

سیاوش شایان در سال ۱۳۳۳ در شهر نهاوند به دنیا آمد. در رشته جغرافیای طبیعی تحصیلات آکادمیک را دنبال کرد و با اخذ دکترای ژئومرفولوژی، از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. وی از سال ۱۳۷۰ با تربیت معلم تهران و از سال ۱۳۷۵، به عنوان استاد مدعو، با گروه جغرافیای «دانشگاه تهران»، همکاری خود را آغاز کرد. هم‌اکنون نیز عضو هیئت علمی «دانشگاه تربیت مدرس» است. شایان ضمن ارائه مقالات تخصصی در همایش‌ها و سمینارهای گوناگون، آثاری نیز به رشته تحریر درآورده و با توجه به همکاری نزدیکی که با نشریات تخصصی داشته، برخی مقالات خود را در این نشریات به چاپ رسانده است.

دکتر شایان به عنوان کارشناس برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی جغرافیا با «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» همکاری دارد. او همچنین از سال ۱۳۷۵ به عنوان مدیر داخلی مجله «رشد آموزش جغرافیا» کار خود را آغاز کرد و اکنون سردبیر این مجله است.

دو کتاب او به نامهای «چین و محصولات انباری» و «زمین سیاره نازنین»، در اولین «جشنواره کتابهای آموزشی رشد» در سال ۱۳۷۹ برنده جایزه ویژه

داوران شد. همچنین، اثر دیگرش به نام «مسائل جهان امروز از دیدگاه جغرافیا»، به عنوان کتاب برگزیده پنجمین جشنواره کتابهای آموزشی رشد در سال ۱۳۸۴ انتخاب شد.

■ ایده اولیه تألیف کتاب از طرف چه کسی ارائه می‌شود؟

گاهی ایده‌هایی برای تألیف سفارش داده می‌شوند که ناشر و نویسنده با مشورت یکدیگر نکاتی را به آن اضافه می‌کنند تا سرانجام عنوان تألیف مشخص می‌شود. «زمین، سیاره نازنین»، «مسائل جهان امروز از دیدگاه جغرافیا» و «راهکارهای آموزش جغرافیا»، از جمله کتابهایی هستند که من تألیف کرده‌ام و ایده اولیه تألیف آنها از طرف نویسنده به ناشر ارائه شده است. به نظر بنده، علت تألیف این کتابها آن بود که جای چنین بحثهایی بین کتابهای ما خالی بود و یا باید بیشتر به آنها پرداخته می‌شد.

■ به نظر شما نقاط قوت کتابهای شما چه بوده است که در جشنواره کتابهای آموزشی رشد برگزیده شده‌اند؟

استفاده از زبان خاص در تألیف، دلیل برگزیده شدن کتابهایم در جشنواره بوده است. استفاده از جمله‌های کوتاه، طنزآمیز، کودکانه و نوشتن شعرهایی مرتبط با موضوع، این کتابها را خواندنی‌تر کرده است. همچنین، سازمان‌دهی مناسب مطالب و زبان قابل فهم برای مخاطبان کودک را می‌توان مهم‌ترین نقاط قوت این کتابها شمرد. سفارش بنده به نویسندگان کودک و نوجوان این است که کودک درون خود را سرحال و زنده و پویا نگه دارند. این امر به سن و سال نویسنده ارتباطی ندارد، بلکه نویسنده در هر سنی که باشد، باید مانند مخاطبان این کتابها کنجکاو باشد و شیطننت داشته باشد. مطالب کتاب باید پاسخ‌گوی سن مخاطبانش باشد.

■ استقبال از کتابهای جغرافیا در جامعه چگونه است؟

متأسفانه در کشور ما کتاب درباره جغرافیا بسیار اندک است. اگر نیازهای جامعه را با آن چه در جامعه وجود دارد بخواهیم از لحاظ پوشش‌دهی مقایسه کنیم، شاید به ده درصد هم نرسد. کتابهای جغرافیا به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته از کتابها به برداشت ذهنی سنتی مردم از جغرافیا پاسخ می‌گویند که فکر می‌کنند کتاب جغرافی از پایتختها، قاره‌ها و کوه‌ها کشورهای جهان می‌گوید و آن‌را برای حل جدول مطالعه می‌کنند. در حالی که در آموزش جدید جغرافیا، کتابهای درسی جغرافیا بیشتر به اصول و قوانین حاکم بر محیطهای جغرافیایی و مسائل زیست محیطی جهان کنونی می‌پردازند. در واقع، یکی از وظایف جغرافیا آگاه کردن مردم از وضعیت زیست محیطی در مقیاسهای کوچک، مانند محل زندگی افراد تا کشور و مسائل جهانی است. اگر برداشت از کتابهای جغرافیا، نگاه دوم باشد و نگاه سنتی اول را نادیده بگیریم، کتابهای مناسب در زمینه

کتابهای مناسب در زمینه جغرافیا بسیار کم داریم و اغلب کتابهای موجود کتابهای دانشگاهی یا ترجمه‌ای هستند

جغرافیا بسیار کم داریم و اغلب کتابهای موجود، کتابهای دانشگاهی یا ترجمه‌ای هستند.

■ چگونه می‌توان فرهنگ مطالعه و یا دانش جغرافیا را در جامعه بالا برد؟

کشور ما به انتشارات تخصصی جغرافیا نیاز دارد. ناشران اگر کار را تخصصی کنند، بازدهی مطلوبی خواهد داشت. دیدگاه دوم، یعنی مسائل زیست محیطی جهان امروز را هم اگر بخواهیم به مردم بیاموزیم و آنها را آگاه کنیم، به انتشارات خاصی در این زمینه نیاز داریم. مردم به غیر از مسائل زیست محیطی باید اصول و قوانین جغرافیایی را نیز بیاموزند. برای مثال، وقتی زلزله اتفاق می‌افتد، آن را از دیدگاه زمین‌شناسی اجتماعی تحلیل می‌کنند، و کتابهایی در این زمینه وجود دارد.

کتاب‌های
ترجمه‌ای بیشتر با
کتاب‌های درسی کشورهای
بیگانه مطابقت می‌کنند، به این
دلیل باید کتابهای تألیفی را در
اولویت قرار دهند و نویسندگان
را به تألیف تشویق کنند نه
ترجمه

ولی کتابی وجود ندارد که مردم را از لحاظ جغرافیایی برای وقوع زلزله، توجیه کند تا بدانند زلزله چرا، چگونه و کجا اتفاق می‌افتد. برای سیل، حرکت‌های دامنه‌ای و نوسان آب دریا نیز کتاب مفید و جامعی وجود ندارد. منظور من نیز از انتشارات تخصصی در زمینه جغرافیا همین موارد است. انتشاراتیها بدانند که مردم علاقه دارند به طور تخصصی، درباره مناطق جغرافیایی جهان، قوانین جغرافیا، طوفانها و ... بدانند.

■ اگر به گذشته برگردید، مجدداً مسیر زندگی‌تان را جغرافیایی

انتخاب می‌کنید؟

من در انتخاب این رشته شک و تردیدی نداشتم و در حال حاضر پس از سالها تحصیل در این رشته، متوجه شده‌ام که جغرافیا با علائق من تطابق دارد. دلیل برای انتخاب این رشته کسب درآمد نبوده است. جغرافیا رشته‌ای علمی است که با مطالعه آن، دید تازه‌ای نسبت به جهان پیدا می‌کنیم. این رشته وسعت دید مرا افزایش داد. وسعت نظر از این حیث که غیر از ما، انسانها و فرهنگهای متنوع دیگری هم وجود دارند که روی کره خاکی زندگی می‌کنند. جغرافیا وظیفه دیده‌بانی جهان امروز را برعهده گرفته است، و جغرافی‌دان رصدکننده و دیده‌بان زمین به شمار می‌رود.

■ آیا بعد از چاپ کتابهایتان به اهداف ماقبل تألیف رسیده‌اید؟

هر نویسنده‌ای قبل از تألیف هدفهایی دارد که ممکن است فرهنگی، رشته‌ای و یا اقتصادی باشد. شاید یکی از مواردی که باعث شده است تا حدودی موفق شوم، این است که هیچ‌گاه کتاب و یا مطلبی را با هدفهای اقتصادی ننوشته‌ام، بلکه هدفهای فرهنگی و علمی را مدنظر داشته‌ام. دوست داشته‌ام که مردم، معلمین، دانش‌آموزان و دانشجویان درباره مطالبی که در کتابهایم آورده‌ام، بدانند.

استفاده از مطالب کتاب و یا ذکر منبع از تألیفهای من در کتابهای گوناگون را، نشانه مفید بودن کتابهایم می‌دانم. گاهی هم در برنامه‌ریزیهایی که برای آموزش جغرافیا صورت می‌گیرد، نگاه و نگرشی را که در کتابهای من وجود داشته است، به کار گرفته‌اند. در کل به طور نسبی به هدفهای

خود رسیده‌ام و احساس موفقیت می‌کنم.

■ چه انتظاراتی از جشنواره رشد دارید؟

جشنواره رشد دارای ضوابط و معیارهای مشخصی است. علاوه بر این که داوران براساس تجربه و نگاه تخصصی عمل می‌کنند، بیشتر تصمیم‌گیریه‌ها براساس معیارهای مشخص است. گروه دآوری از افراد باتجربه تشکیل شده‌اند. دآوری در این جشنواره روندی مطلوب و منطقی دارد. امیدوارم که این جشنواره همچنان ادامه پیدا کند و کتابهای برگزیده به عنوان الگو مورد استفاده قرار بگیرند و کتابهای جدید را براساس نیاز دانش آموز و الگوگیری از این کتابها تألیف کنند.

■ آیا برگزیده شدن کتابهای شما در جشنواره کتاب رشد، تأثیری در فروش آنها داشته است؟

این سؤال را می‌توان از انتشاراتیه‌ها پرسید که آیا معرفی کتاب و برگزیده شدنش، در فروش آن تأثیری دارد یا خیر. و یا می‌توان از طریق کتابخانه‌هایی که کتابها را امانت می‌دهند، جویا شد. افزایش شمارگان راه دیگر رسیدن به این موضوع است.

بخش اعظم کتابهای مرا «انتشارات مدرسه» چاپ کرده است. این انتشارات زمانی وظیفه خودش می‌دانست که کتابهای کمک‌آموزشی چاپ کند، ولی بعدها به سراغ کتابهای کار رفتند که وابستگی بیشتری به کتابهای درسی دارد. شاید کتابهای کمک‌آموزشی سودآوری کمتری نسبت به کتابهای کار دارند. اگرچه ما انتظار داریم یک ناشر دولتی وابسته به آموزش و پرورش و فرهنگی، فرهنگ جامعه را در نظر بگیرد، نه اقتصاد را. قرار بود انتشاراتیه‌های دیگر دنباله‌روی انتشارات مدرسه باشند، اما در حال حاضر برعکس شده است.

کتابهایی که بنده تألیف کرده‌ام، در زمره کتابهای علمی قرار می‌گیرند. کتابهای علمی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: ترجمه‌ای و تألیفی. متأسفانه تعداد کتابهای گروه دوم، یعنی ترجمه‌ای بیشتر است. ترجمه باید باشد، اما به کتابهایی درباره فرهنگ و شرایط کشورمان نیز به شدت نیاز داریم. کتابهای ترجمه‌ای بیشتر با کتابهای درسی کشورهای بیگانه مطابقت می‌کنند، به این دلیل باید کتابهای تألیفی را در اولویت قرار دهند و نویسندگان را به تألیف تشویق کنند نه ترجمه.



مدیر نشر دلهام در گفت‌وگو با جوانه:



کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه کتاب

سمانه آزاد



اشاره

«نشر دلهام» یکی از ناشران حوزه کودک و نوجوان است که چند مجموعه و کتاب از آن در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ مورد تقدیر قرار گرفته‌اند: مجموعه چهار جلدی فناوری فوق پیشرفته؛ مجموعه چهار جلدی بی‌نهایت کوچک؛ اسلحه و جنگ‌افزار در دوران جدید و قدیم؛ مفاهیم پایه در مهندسی ساختمان و مهندسی ریخته‌گری.

علیرضا شریفی راد، مدیر نشر دلهام که از سال ۱۳۷۶ این مؤسسه را راه‌اندازی کرده است، قبل از آن برای مدتی مدیرعامل انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی بوده است. او می‌گوید: «حوزه نشر هم مانند بسیاری حوزه‌ها به سوی تخصصی شدن پیش رفته است. ما هم فعالیتیمان را در حوزه‌ای مشخص شروع کرده و همان راه را ادامه داده‌ایم. همین موضوع هم باعث شده است که مشتریان و مخاطبان خاصی داشته باشیم که به طور مرتب به ما مراجعه می‌کنند.» با این ناشر گفت‌وگویی درباره فعالیت نشر دلهام، مشکلات فعالیت در حوزه نشر، طرح سامان‌بخشی، جشنواره رشد و ... انجام داده‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

شماره ۶۸/۵۱

۴۰

۱۳۸۱

■ آقای شریفی! آیا حوزه فعالیت انتشارات شما کمک آموزشی محسوب می‌شود؟

حوزه نشر دلهام هم مانند بسیاری از حوزه‌ها به سوی تخصصی شدن پیش رفته است. حوزه کتابهای کمک‌آموزشی تقسیم‌بندیهای گوناگونی دارد که از کتابهای تست تا کتابهایی را که به

طور مستقیم به کتاب درسی ربط ندارند اما هدف کمک آموزشی دارند، دربرمی‌گیرد. کتابهایی که ما در نشر دلهام منتشر می‌کنیم، آموزشی مستقیم نیستند و همه کتابهای ما بدون استثنا، جرقه‌ای را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند.

وقتی دانش‌آموز یا کودکی کتابی را انتخاب می‌کند، به این معنی است که به هر دلیلی به موضوع آن علاقه‌مند است و اشتیاق دارد آن را مطالعه کند. کتابهای ما جرقه این اشتیاق را شعله‌ور می‌کنند. یعنی کسی با خواندن کتابهای ما نه دانشمند می‌شود، نه سطح درسی‌اش ارتقا پیدا می‌کند. تنها ویژگی کتابهای ما این است که به مخاطب این امکان را می‌دهند تا علاقه‌ای را که در او ایجاد شده است، هم‌چنان حفظ کند.

کتابهایی

که ما در نشر دلهام
منتشر می‌کنیم، آموزشی
مستقیم نیستند و همه کتابهای
ما بدون استثنا، جرقه‌ای را در
ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند

حال گاه مخاطب اشتیاق بیشتری دارد و خواندن کتابهای تخصصی‌تری را ادامه می‌دهد. مثلاً اتفاق افتاده است، دانش‌آموزی که ۶-۷ سال پیش مشتری ما بوده و در نمایشگاه از ما کتاب خریده است، باز هم سراغ ما می‌آید و می‌گوید چرا سطح کتاب‌هایتان را بالاتر نمی‌برید؟ شاید او چند سال پیش، کتاب پیش‌پا افتاده‌ای درباره هواپیما از ما خریداری کرده است و حالا که می‌خواهد هواپیمایی بسازد که بتواند پرواز کند، باز هم به سراغ نشر ما آمده است. یعنی انتظار دارد ما هم پایه‌پای او پیشرفت کرده باشیم. در حالی که ما نه توان این را کار داریم و نه این کار عملی است.

کتابهای نشر ما برای مراحل اولیه و ایجاد اشتیاق مناسب هستند. در واقع هدف ما بیشتر یادگیری است. کتاب‌هایمان تطابق چندانی با کتابهای درسی ندارند و خودمان را به هماهنگی با کتابهای درسی محدود نکرده‌ایم.

■ شما در نشر دلهام برای انتشار کتاب، سیاست‌گذاری خاصی را انتخاب می‌کنید، یا مؤلف و مترجم کتاب را به شما ارائه می‌دهند؟

از ابتدای فعالیت انتشارات تاکنون، همه کتابها را انتخاب کرده‌ایم. تقریباً هیچ کتابی نداشته‌ایم که به پیشنهاد مترجم به چاپ رسانده باشیم. در واقع کتابها را پس از انتخاب به یک مترجم می‌سپاریم. گاهی هم اگر لازم بوده است و توانسته‌ایم، تغییراتی را در کتاب به وجود آورده‌ایم. در برخی از کتابها این تغییرات چنان است که کتاب را متحول کرده‌ایم.

برای مثال، کتابی از مجموعه «آشنایی با نجوم» درباره ستارگان و صورتهای فلکی که ایده اصلی‌اش هم جالب و مناسب بود، به دستان رسید که با وجود محتوای خوب، شیوه ارائه مناسبی نداشت. یعنی نویسنده همه مطالب را به صورت پاراگرافهای پشت سر هم مطرح کرده بود. ما، برای مطالبی که نویسنده در دو صفحه به صورت خشک و جامد گفته بود، سرفصل جدیدی ایجاد کردیم. مثلاً ویژگیهای ستارگان را در فصلهای متعددی بیان کردیم و بخشهای جدیدی مانند «نحوه یافتن



صورت‌های فلکی در آسمان» را به کتاب اضافه کردیم. در واقع کتاب جدیدی تولید کردیم.

■ چه ویژگی خاصی را در نشر خود می‌بینید؟

آن چه که به نظرم می‌آید و حالت خودستایی هم ندارد، این است که ما فعالیتان را در حوزه مشخصی شروع کرده و همان راه را ادامه داده‌ایم. همین موضوع هم باعث شده است که مشتریان و مخاطبان خاصی داشته باشیم که به طور مرتب به ما مراجعه می‌کنند.

همان‌طور که گفتم، زمینه‌های متعدد نشر هم تخصصی شده‌اند و ما سعی کرده‌ایم در یک زمینه خاص فعالیت داشته باشیم؛ مسئله‌ای که در میان ناشران ما چندان مورد توجه نیست و تعداد ناشرانی که به صورت تخصصی فعالیت می‌کنند، خیلی کم است.

یکی دیگر از ویژگیهای نشر ما وابسته بودن به کیفیت است. نمی‌خواهم بگویم که در عمل هم به این هدف رسیده‌ایم. ممکن است کیفیتی که مدنظر ماست، در مجموع حاصل نشده باشد، ولی حداقل به آن پای‌بند هستیم. این موضوعی است که مخاطبانمان متوجه آن می‌شوند و همین باعث شده است که مشتریهای وفاداری داشته باشیم که خود را مقید می‌کنند با ما در تماس باشند.

وقتی کتابی از سوی یک مشتری درخواست می‌شود که در برنامه تولید ما هست ولی هنوز به چاپ نرسیده است، مشخصات و شماره تلفن او را یادداشت می‌کنیم و بعد از این که محصول مورد نظر تولید شد، به او اطلاع می‌دهیم. حتی محصول را برای مشتری با پست می‌فرستیم. اذعان می‌کنم هنوز به کیفیتی که مدنظرمان است نرسیده‌ایم و علی‌رغم همه تلاشها، گاهی خطاهایی اتفاق می‌افتد.

■ آقای شریفی! شما با کتاب‌نامه رشد آشنایی دارید؟

بله. من همه کتاب‌نامه‌ها را به دقت می‌خوانم و برای هر کدام از کتاب‌نامه‌ها حدود دو سه ساعت وقت صرف می‌کنم. هم‌چنین، برخی از کتابهایی را که در این کتاب‌نامه‌ها معرفی شده‌اند، تهیه می‌کنم.

متأسفانه، یکی از مشکلاتی که در حوزه کتاب با آن روبه‌رو هستیم، موضوع اطلاع‌رسانی است. یعنی مردم از انتشار کتابها مطلع نمی‌شوند. در این زمینه، کتاب‌نامه‌های رشد کار اطلاع‌رسانی را به خوبی انجام می‌دهند.

■ این مشکل در حوزه کتابهای آموزشی هم به چشم می‌خورد؟

خیر. چون وقتی به کتاب آموزشی نیاز داریم، به دنبالش می‌رویم و آن را پیدا می‌کنیم. ضمن این که تولیدکننده‌های کتابهای ارزشمند آموزشی، مجموعه‌های مشخصی هستند و خواننده‌ها مشکل پیدا کردن ناشران را ندارند. این مشکل، مشکل کلی بازار نشر است. یعنی تعداد زیادی کتاب

متأسفانه
یکی از مشکلاتی که
در حوزه کتاب با آن روبه‌رو
هستیم، موضوع اطلاع‌رسانی
است. یعنی مردم از انتشار
کتابها مطلع نمی‌شوند. در این
زمینه، کتاب‌نامه‌های رشد کار
اطلاع‌رسانی را به خوبی
انجام می‌دهند

خوب و مناسب منتشر می‌شود که کسی از وجود آنها آگاه نمی‌شود.

■ به نظرم شما که کتاب‌نامه‌های رشد را مرتب مطالعه می‌کنید، می‌توانید از آنها ارزیابی داشته باشید.

شیوه معرفی کتابها مناسب است، اما برخی چکیده‌ها چنگی به دل نمی‌زند و مشخص است که چکیده نویس چندان حرفه‌ای نبوده است. ناگفته نماند که نمی‌توان انتظار داشت که در چهار پنج سطر معجزه‌ای رخ دهد.

■ به نظر تان کتابهای معرفی شده در کتاب‌نامه در چه سطحی قرار دارند؟ آیا کتابهایی هستند که نیازهای دانش‌آموزان و معلمان را برطرف کنند؟

آنچه در این کتاب‌نامه‌ها هست بله، البته چون من فقط برخی کتابهای مورد نیازم را از کتاب‌نامه انتخاب و تهیه کرده‌ام، نمی‌توانم در مورد کیفیت انتخاب همه کتابهای معرفی شده در کتاب‌نامه اظهار نظر کنم. ولی در هر صورت برای مربیانی که به دنبال کتابی درباره یک موضوع خاص هستند تا در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، ابزار مناسبی است. در ضمن به افرادی که در حوزه نشر هستند کمک می‌کند تا از آثار منتشر شده در زمینه‌های گوناگون مطلع شوند.

■ اگر فرض کنیم شما یکی از همکاران کتاب‌نامه رشد هستید، معیار و ملاک شما برای انتخاب کتاب چه خواهد بود؟

از آن‌جا که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد کتابهای بازار ما خارجی هستند، نحوه ارائه ترجمه یکی از ملاکهای مهم است. چرا که عموماً ما در ارائه کتاب به شیوه مؤلف و ناشر اصلی عمل نمی‌کنیم، بلکه روشی را انتخاب می‌کنیم که با فرهنگمان تطابق و سازگاری بیشتری داشته باشد. مثلاً ممکن است یک کودک انگلیسی با موضوع «صوت» با کارناوالهایی که در کشور خود دیده است، آشنایی بیشتری داشته باشد. در حالی که امکان دارد بچه‌های ما با فرهنگی که داریم، با این موضوع آشنایی کمتری داشته باشند. بنابراین عموماً در این موارد سعی می‌کنیم که قسمتی از کتاب (عکس یا مطلب) را حذف کنیم و مطلبی را که با فرهنگمان سازگار، برای بچه‌ها قابل درک و برای اولیا و مربیان قابل پذیرش است، جای‌گزین کنیم.

در نتیجه شیوه ارائه مطلب یکی از معیارهایی است که برای معرفی کتاب باید در نظر داشت. بعد از درستی مطلب و محتوا، شرط اول تولید و ترجمه، نحوه ارائه کتاب است. شیوه ارائه مطلب ارزشمند است و در مخاطبان اشتیاق ایجاد می‌کند.

■ پیشنهاد شما برای ارتقای کیفیت کتاب‌نامه رشد چیست؟

راه درازی در پیش است که کتاب‌نامه‌ها، حتی وظیفه اطلاع‌رسانی خود را به نحو احسن و کامل انجام دهند. به خصوص اگر بخواهیم خود دانش‌آموزان در این کتاب‌نامه‌ها دنبال کتاب بگردند، به فرهنگ‌سازی احتیاج داریم که زمینه‌های فراهم نیست.

شما می‌توانید کتاب‌نامه‌ها را به شیوه‌های متفاوتی ارائه کنید، طوری که خود دانش‌آموزان هم

بتوانند از آنها استفاده کنند؛ مثل ایجاد یک سایت و معرفی آن با تبلیغات گسترده و مثلاً به عنوان «انجمن معرفی کتابهای مفید». حتی می‌توان برای چنین سایتی برنامه‌های مطالعاتی ترتیب داد و برای مربیان، اولیا و خود دانش‌آموزان قسمتهای گوناگونی را ایجاد کرد تا برای خرید کتاب سرگردان نباشند.

اگر توانستید با استفاده از امکانات اینترنت این کار را انجام دهید، موفق‌تر خواهید بود. چنین برنامه‌ی منظمی قابل مقایسه با کتاب‌نامه‌ی رشد نخواهد بود؛ گرچه مبنا همان اطلاعات است. دسته‌بندی کردن اطلاعات و توجه به مخاطب (شهری، روستایی، دختر، پسر و ...) و علائق و تفاوت‌های مخاطبان، طرح را جامع‌تر خواهد کرد. یعنی خود مخاطب علائق خود را در سایت مطرح می‌کند و کتابهای متناسب با آنها را می‌یابد.

در این صورت مربیان، اولیا و دانش‌آموزان برای خرید کتاب سرگردان نخواهند بود، ضمن این‌که مجموعه‌ی گسترده‌ای از انتخابها برایشان فراهم است.

■ به نظر شما، چه‌طور می‌توانیم به نیازهای واقعی دانش‌آموزانمان پی ببریم تا طبق نیاز آنها کتابهای مناسبی معرفی کنیم؟ چون به هر حال نیاز آنها طی زمان تغییر می‌کند.

من فکر می‌کنم در مجموعه‌ی آموزش و پرورش چنین نیروهایی وجود دارند که بتوانند نیاز دانش‌آموزان را تشخیص دهند. اما این‌که ما از آنها استفاده می‌کنیم یا نه، بحث دیگری است.

■ شما به عنوان ناشری که در حوزه‌ی کودک و نوجوان فعالیت می‌کنید، چگونه نیازهای مخاطب‌هایتان را تشخیص می‌دهید؟ آیا نیازسنجی می‌کنید؟

نه نیازسنجی نمی‌کنیم. مجموعه‌ی ما مجموعه‌ی کوچکی است و بیشتر به فکر این هستیم که کارمان را خوب انجام دهیم و دنبال حل همه‌ی مشکلات نظام آموزشی نیستیم. اما در مورد این‌که چگونه نیازهای مخاطبان را تشخیص می‌دهیم باید بگویم بخشی از کار ما برای تشخیص بازار جنبه‌ی آزمون و خطا دارد. بخشی هم به ذوق و قریحه‌ی ناشر برمی‌گردد. شما در همه‌ی ناشران دنیا حتی حرفه‌ای‌ترین آنها می‌بینید که ذوق و قریحه‌ی فردی که مسئولیت انتخاب کتاب را به عهده دارد، تأثیرگذار است.

در واقع بخشی از ملاکها و معیارهای نشر ما در مورد کتاب ملموس است. یعنی درباره‌ی هماهنگی کتاب با مخاطبان، کتابهای قبلی در زمینه‌ی موضوع کتاب، و حرفهای جدیدی که می‌توانیم در رابطه با آن موضوع مطرح کنیم، تحقیق و بررسی می‌کنیم، اما بخش دیگر ملاکها ملموس نیست و به علائق، سلائی و احساسی که به ما اجازه‌ی چاپ اثر را می‌دهد، مربوط است. در کل ما کاملاً با شیوه‌های آماری و نظرسنجی دست به انتخاب کتاب نمی‌زنیم.

■ آقای شریفی! در زمینه‌ی نشرتان با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

یکی از مشکلاتی که ما به دلیل نوع کارمان با آن مواجه هستیم، این است که مردم انتظار دارند کتابها از لحاظ سنی رده‌بندی شوند. اما این کار شدنی نیست. چرا که ممکن است یک کودک

هشت ساله به موضوع فضا علاقه‌مند باشد. شما نمی‌توانید مانع کتاب خواندن او در این زمینه شوید. از سوی دیگر، ممکن است یک نوجوان ۱۶ ساله که تا به حال به موضوع فضا علاقه‌مند نبوده است، در این سن کنجکاو شود. آن نوجوان هم می‌تواند از همان کتاب استفاده کند. چون علاقه به این نوع مطالب وابسته به سن نیست. یعنی به گونه‌ای نیست که گمان کنیم، آن چه برای کودک هشت ساله مناسب است، برای نوجوان ۱۶ ساله مناسب نیست؛ چون وابسته به منطق فکری فرد نیست. بنابراین عملاً ما نمی‌توانیم این نوع کتابها را رده‌بندی سنی کنیم.

شما نباید انتظار داشته

باشید مردم کتاب مناسبی را که شما با اطلاع‌رسانی معرفی می‌کنید، بپذیرند. زمانی مردم می‌توانند این کتابها را بپذیرند که ساختار آموزشی با شیوه اطلاع‌رسانی‌تان هماهنگ باشد

غیر از این موضوع، مشکل اصلی ما در زمینه نیروی انسانی است. یعنی ما نیروی انسانی متخصصی که در حوزه کتاب حرفه‌ای باشد، نداریم. معدود افرادی هم که هستند، در جایگاه‌های مشخصی به کار گمارده شده‌اند و درآمدهای خوبی دارند. حاضر نیستند که محل کارشان را تغییر دهند. بنابراین مشکل اصلی ما نبود نیروی انسانی متخصص است که توان ارائه اثر مناسب را داشته باشد، خصوصاً در حوزه ترجمه و ویراستاری ادبی و علمی. من نمونه‌های زیادی از خطاهای بزرگ را در آثار افرادی که ادعاهای زیادی در تألیف دارند، به یاد دارم. برای من پذیرفتن چنین خطاهایی از سوی یک نویسنده یا مترجم مدعی، مشکل است. اگر نیروی انسانی متخصص پرورش دهیم تا بتوانیم به صورت انبوه محتوا تولید کنیم، سرعت فعالیت‌مان چند برابر خواهد شد.

■ با طرح سامان بخشی کتابهای کمک آموزشی آشنایی دارید؟

به طور مختصر آشنایی دارم.

■ هدف طرح سامان بخشی کتابهای کمک آموزشی، سامان دهی و ارزیابی کتابهای کمک آموزشی و کمک درسی در بازار نشر است. ارزیابی شما از این طرح چیست؟

نمی‌توان گفت با طرح سامان بخشی همه مشکلات علمی - آموزشی دانش‌آموزان حل می‌شود. واقعیت این است که از طریق طرح سامان بخشی درباره کتابهایی که مناسب دانش‌آموزان هستند، اطلاع‌رسانی می‌کنیم. اما اگر هدف طرح سامان بخشی این است که دیگر هیچ کتاب نامناسبی وجود نداشته باشد، با این شیوه به نتیجه نمی‌رسد. چرا که در آن صورت طرح سامان بخشی باید پشتوانه و ضمانت اجرایی داشته باشد که اصلاً قابل تصور نیست و چندان نتیجه‌ای هم نخواهد داشت.

به یاد دارم در دهه ۱۳۶۰، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه انتشار کتابهای تست را نمی‌داد. ما باید به کتاب‌فروشیهای قدیمی می‌رفتیم تا کتابی را پیدا کنیم و آن را دست به دست به دیگران هم می‌رساندیم. اما امروز می‌بینیم که همان کتابها در شمارگان بالا و چاپهای متعدد منتشر

می‌شوند. در واقع اگر قرار بود آن محدودیتها نتیجه‌بخش باشند، الان به این نقطه نمی‌رسیدیم. شما نباید انتظار داشته باشید مردم کتاب مناسبی را که شما با اطلاع‌رسانی معرفی می‌کنید، بپذیرند. زمانی مردم می‌توانند این کتابها را بپذیرند که ساختار آموزشی با شیوه اطلاع‌رسانی‌تان هماهنگ باشد.

تا جایی که من می‌دانم، سیستم آموزشی ما ظرف ۸۰ سال گذشته، از کیفیت به سوی کمیت حرکت کرده است. وقتی ساختار آموزشی، کیفیت را رها کرده و مهم این است که دانش‌آموز طی چه زمانی چند تست می‌زند، چگونه می‌توان انتظار داشت که برای مطالعه کتابی را انتخاب کند که کیفیت تحصیلش را ارتقا دهد؟ با طرح سامان‌بخشی نمی‌توان این جهت را تغییر داد، اما می‌توان به هدف اطلاع‌رسانی درباره کتابها دست یافت.

■ آقای شریفی! چه انتظاری از آموزش و پرورش برای حمایت از کتابهای مناسب دارید؟

به هر حال انتظار دارم، کتابهایی را که مورد پذیرش جشنواره رشد هستند، تهیه و در مدارس توزیع کنند تا در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرند و یا در کتابهای درسی معرفی شوند. برخی از این انتظارات مانند معرفی در کتابهای درسی، عملی شده‌اند و برخی هم نه؛ مانند خرید کتاب‌ها. البته باید این موضوع را هم در نظر داشت که آموزش و پرورش گاهی برای پرداخت حقوق معلمان دچار مشکل است، پس انتظار خرید این کتابها برای کتابخانه‌های مدارس کشور - درست یا نه! - شاید اصلاً عملی نباشد. به یاد دارم زمانی را که از کتابهای ما چند هزار نسخه برای مدارس کشور تهیه می‌شد. اما در حال حاضر چند هزار نسخه گاه به ۶۰ نسخه می‌رسد. اما در تبلیغاتی که صورت می‌گیرد، گفته می‌شود، ۱۰ هزار نمایشگاه در ۱۰ هزار مدرسه کشور برگزار می‌شود.

■ منظورتان نمایشگاه منادی تربیت است؟

بله. چگونه می‌شود برای ۱۰ هزار مدرسه، ۶۰ جلد کتاب خرید؟

■ البته انتخاب کتابها به عهده نمایندگان استان‌هاست. یعنی هر کس برای استان خود و طبق نیازهای آن، کتاب انتخاب می‌کند.

بله همین‌طور است. یعنی حدود ۳۰ نفر برای همه صنعت نشر، مربیان و دانش‌آموزان ما تصمیم می‌گیرند. کم‌ترین انتظار این است که حداقل مربیان هم در تصمیم‌گیری و انتخاب کتاب مؤثر باشند. البته این ایراد منادی تربیت نیست. به هر حال آنها زحمت می‌کشند و بودجه محدودی هم در اختیار دارند. نمی‌توانند از یک کتاب سه هزار جلد تهیه کنند و برای هر استان ۱۰۰ جلد بفرستند تا آنها اگر خواستند بخرند وگرنه کتاب را مرجوع کنند. این کار در توان منادی تربیت نیست، چرا که

وقتی ساختار آموزشی کیفیت را رها کرده و مهم این است که دانش‌آموز طی چه زمانی چند تست می‌زند، چگونه می‌توان انتظار داشت که برای مطالعه کتابی را انتخاب کند که کیفیت تحصیلش را ارتقا دهد؟ با طرح سامان‌بخشی نمی‌توان این جهت را تغییر داد، اما می‌توان به هدف اطلاع‌رسانی درباره کتابها دست یافت



تولید کتاب‌های آموزشی بر مبنای راهنمای برنامهٔ درسی (براساس الگوی کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی)

جمال‌الدین اکرمی

سومین نشست «دفتر انتشارات کتابهای کمک‌آموزشی» به موضوع «تولید کتابهای آموزشی بر مبنای راهنمای برنامهٔ درسی» (به ویژه تعلیم و تربیت دینی)، اختصاص داشت. در این نشست، فاطمه رضانی و نبی‌اله صادقیان، کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی و محبت‌اله همتی، دبیر جشنواره حضور داشتند. این گفت‌وگو را می‌توان ادامهٔ نشست دوم این مجموعه در زمینهٔ مقایسهٔ «تولید کتابهای آموزشی بر مبنای کتابهای درسی» با «تولید کتابهای آموزشی بر مبنای راهنمای برنامهٔ درسی» قلمداد کرد.



اکرمی: با سلام و خوشامد به دوستان عزیز. خانم رضانی، خواهش می‌کنم خودتان را معرفی کنید و از کارهایی که برای بچه‌ها انجام داده‌اید، حرف بزنید.
رضانی: فاطمه رضانی هستم با ۲۳ سال سابقهٔ کار در زمینهٔ آموزش. بعد از این که تحصیل در رشتهٔ علوم تربیتی را در دانشگاه به پایان بردم، وارد کار آموزش و پرورش شدم و تدریس در



مناطق گوناگون را تجربه کردم. کار در دوره ابتدایی آخرین تجربه من بود. در حال حاضر حدود پنج سال است عضو «شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای دینی دوره راهنمایی» هشتم و «راهنمای معلم» این کتابها را هم نوشته‌ام.

اکرمی: در این زمینه تألیفات هم دارید؟

رمضانی: غیر از راهنماییهای معلم دینی دوره ابتدایی، مقاله‌هایی هم در این زمینه نوشته‌ام.
اکرمی: در رشته تحصیلات دانشگاهی‌تان، واحدهایی را که به این موضوع مربوط می‌شوند، گذرانده‌اید؟

رمضانی: به طور خاص نه، ولی رشته تحصیلی من طی دوره کارشناسی، «علوم تربیتی با گرایش کودکان استثنایی»، و در دوره کارشناسی ارشد، «برنامه‌ریزی آموزشی» بود. در هر دو دوره، واحدهایی به عنوان برنامه‌ریزی درسی داشتم، ولی عنوان رشته ما برنامه‌ریزی آموزشی بود که اضافه بر برنامه‌ریزی درسی، واحدهایی را با عنوانهای خاص خودشان می‌گذرانیدیم.

اکرمی: آقای صادقان، شما درباره رشته تحصیلی و فعالیتهای آموزشی‌تان بگویید.
صادقیان: من کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی هشتم و ۳۳ سال سابقه آموزشی دارم. ۱۶ سال آن را معلمی کردم و بعد به عنوان کارشناس در حوزه برنامه‌ریزی درسی کارم را ادامه دادم. مدتی در سازمان پژوهش، کار برنامه‌ریزی آموزشی را دنبال کردم و سالها به عنوان مشاور برنامه‌ریزی دفتر تألیف مشغول کار بودم. فعالیت‌هایم عمدتاً در چارچوب تنظیم عناصر برنامه آموزشی، مواد آموزشی، تولید بسته‌های آموزشی و فرایندهای مرتبط با آن بوده است. در زمینه آموزش، سالها با معلمان و مؤلفان کتابهای درسی در حوزه تألیف کتابهای درسی و برنامه‌ریزیهای مربوط به آن در ارتباط بوده‌ام. کتابهایی در زمینه آموزش پیش‌دبستانی زیر چاپ دارم که امیدوارم تا زمان نمایشگاه کتاب سال آینده، سی چهل تایی از آنها آماده شود. نزدیک به ۳۰ کتاب دیگر هم در این زمینه دارم که قرار است سازمان بهزیستی آنها را برای چاپ آماده کند.

اکرمی: بنابراین، تمرکز بیشتر کتاب‌هایتان روی پیش‌دبستان است؟



در سال ۱۳۶۸
دفتر برنامه‌ریزی طی نامه‌ای
به وزارت ارشاد اعلام کرد که
شاخصهایی را برای کنترل محتوای
کتابهای آموزشی تدوین کند. در
سال ۱۳۷۲ در این کار تجدید
نظر شد

صادقیان: موضوع کتابهایی که به عنوان راهنمای کودک و راهنمای مربی آماده کرده‌ام، پیش‌دبستانی است. اما برای بزرگسالان هم پروژه‌هایی در زمینه تألیف کتابهای کمک‌درسی در تهران و مراکز استانهای کشور، با مؤلفان و ناشران خصوصی دارم. دوره‌هایی را هم با آنها گذرانده‌ایم که چگونه بسته‌های آموزشی را با تأکید بر کتابهای درسی آماده کنند.

اکرمی: واحدهای دانشگاهی که گذرانید، آیا جواب‌گوی نیازهای شما برای این برنامه‌ریزی بوده‌اند؟ اگر کسی بخواهد این مسیر را از طریق تحصیلات دانشگاهی دنبال کند، به نظر شما چه واحدهایی باید در دانشگاههای ما در نظر گرفته شوند تا به نیازهای اولیه آنان در این زمینه پاسخ داده شود؟

رمضانی: عنوان رشته ما برنامه‌ریزی آموزشی و عمدتاً برنامه‌ریزی درسی بود. بخشی از واحدهایی که گذرانیدیم، واحدهایی نظیر جمعیت‌شناسی و اقتصاد آموزش و پرورش بودند، و بقیه موارد، به برنامه کلان آموزشی اختصاص داشتند و نه صرفاً برنامه‌ریزی درسی. تا آنجایی که به خاطر دارم، نقص همیشگی درسهای ما، چه در دوره کارشناسی و چه در کارشناسی ارشد، دور بودن آنها از صحنه عمل بود. نه این که عنوان آنها اشکالی داشته باشد، بلکه مشکل در نحوه برگزاری و کیفیت اجرای آنها بود. درسهایی که در دوره کارشناسی علوم تربیتی به عنوان درسهای اصلی گذرانیدیم، حتی درسهای اختصاصی ما در دوره کارشناسی ارشد، همگی به آموزش و پرورش و مباحث گوناگون آن ارتباط داشتند، ولی یک نقص عمده وجود داشت: منابعی که ما استفاده می‌کردیم و یا منابعی که خود استادها از آنها بهره می‌گرفتند، دور از صحنه عمل بودند.

وقتی دوره کارشناسی را تمام کردم، احساس کردم حتماً برای شروع دوره بعدی احتیاج دارم که جواب سؤاله‌ایم را پیدا کنم. فکر می‌کردم آن چه که دارد طرح می‌شود، اگر با سؤاله‌ای عملی من همراه شود، نتیجه دیگری دارد. در واقع دانشجویی بودم که صرفاً می‌شنیدم. تجسم من، تجسمی بود که کلاس برای من می‌ساخت. برای همین دو سال وقفه عمدی بین تحصیل دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد داشتم. در آن دو سال، کار مدرسه و تدریس را تجربه کردم. این کار پرسشهای جدیدی در حوزه عمل برایم مطرح کرد. وقتی سؤاله‌ایم را یافتم، دوره کارشناسی ارشد را شروع کردم. ما، مجبور بودیم آن چه را که در دانشگاه ارائه می‌شد، بپذیریم، ولی تجربه عملی به من کمک کرد تحت تأثیر سؤالهایی که در صحنه عمل با آنها مواجه شده بودم، قرار بگیرم و دنبال راهکارهایی برای رفع دشواریها باشم. باز هم تأکید می‌کنم که مشکل ما، عنوان درسها نبود. شاید اگر بشود این ارتباطها را برقرار کرد، بخش عمده‌ای از مشکلات مورد نظر ما در این زمینه برطرف می‌شود.

صادقیان: در تأیید صحبت‌های خانم دکتر رضانی، ما در ایران در هیچ سطحی، نه در دانشگاه‌ها و نه مؤسسات آموزش عالی، شرایطی نداریم که بیایند دربارهٔ مواد آموزشی گفت‌وگو کنند. بنابراین جزو آن دسته کشورهای معدودی که در زمینه نگارش متن آموزشی برای کودکان زبانزد هستند، مؤلفان مجبورند خودشان به طور تجربی آموزش ببینند. یعنی هیچ مرکزی نیست که آنها را تربیت کند. اگر هم دوره‌هایی برگزار شود، بیشتر آنها که دوره‌ها را گذرانده‌اند، مجبورند وقتشان را برای انتقال آموخته‌ها به دیگران صرف کنند. دانشگاه‌هایی داریم که در حوزه برنامه درسی کار می‌کنند، اما موضوعات مورد توجه این دانشگاه‌ها بیشتر مباحث تئوریک است که البته این کار هم ضرورت دارد.

نظام برنامه درسی در هر کشوری متفاوت است. بنابراین اگر مراکز دانشگاهی بخواهند واحدهایی داشته باشند که بحث‌هایشان کاربردی باشد، باید فضاهایی ایجاد کنند که متناسب نیازهایی باشد که هر کشوری با آنها روبه‌روست. متأسفانه در ایران مراکز علمی و دانشگاهی ما نتوانستند واحدهایی را برای آموزش تدوین کنند یا خروجیهایی را تربیت کنند که در حوزه عملی تنظیم برنامه‌های درسی مؤثر باشند. به عبارت دیگر، برنامه‌ریز درسی که در دانشگاه‌های ما درس خوانده است، یک‌چیز عمل می‌کند و کارشناسان دست‌اندرکار حوزه برنامه درسی هم چیز دیگری. آنها دو زبان متفاوت دارند. هر چند اخیراً نزدیکی‌های سازمانی بین آنها ایجاد شده است، اما از نظر اجرایی متأسفانه هنوز خیلی جای کار دارد.

اکرمی: آقای همتی، ممنون می‌شویم که شما هم تجربه‌هایتان را در زمینه‌های آموزش و تدوین برنامه‌های درسی مطرح کنید.

همتی: سابقهٔ این بحث را به ۱۰ سال پیش می‌برم؛ به زمانی که در واقع بحث سامان‌دهی کتابهای آموزشی در سطح سازمان مطرح شد و سابقه آن هم به قبل از انقلاب برمی‌گردد. در دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، برای برخی از درسها «کتاب کار» تولید می‌شد؛ کتابهایی که در بعضی از مدارس مورد استفاده قرار می‌گرفت. مثلاً برای کتابهای ریاضی دوره‌های ابتدایی، کتاب کار تدوین شده که عمدتاً توسط مؤلفان کتابهای درسی نوشته شده است. نمونه‌هایی از این آثار در بایگانی سازمان موجود است.

ولی علاوه بر این در دوران قبل از انقلاب، ناشرینی در حوزه کتابهای آموزشی فعال بودند؛ مانند ناشران کتابهای کنکور که تعدادشان بسیار کم بود. وقتی «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» با یک نیاز عمومی در این زمینه روبه‌رو شد، برای پاسخ‌گویی به این نیاز، ممیزی این کتابها را آغاز کرد. به این صورت که کتابها را می‌فرستاد به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و یک صف طولانی از ممیزی این‌جا تشکیل می‌شد. در سال ۱۳۶۸، دفتر برنامه‌ریزی طی نامه‌ای به وزارت ارشاد اعلام کرد که شاخصهایی را برای کنترل محتوای کتابهای آموزشی تدوین کرده است. در سال

۱۳۷۲ این شاخص‌ها تجدید نظر و مجدداً اعلام شد، ولی جامعه با نیاز روزافزون انتشار کتابهای کمک‌درسی روبه‌رو بود.

اوایل دهه ۱۳۷۰ شورایی در سازمان تشکیل شد به نام «شورای بررسی کتابهای کمک‌درسی» که دو سال فعالیت کرد، ولی برنامه‌های آن به نتیجه نرسید. تا آن‌که زنده‌یاد مهندس **علاقه‌مندان** به فکر نظام‌مند شدن این کار افتاد. در آن زمان آموزش و پرورش با روند بی‌رویه چاپ کتابهای کمک‌درسی روبه‌رو بود. سازمان پژوهش مشخصاً نمی‌توانست ساکت از کنار این پدیده بگذرد. طبیعتاً این کتابها وارد مدرسه می‌شدند و فضای یادگیری و یاددهی را تحت تأثیر خود قرار می‌دادند. آیا شما می‌توانید نسبت به پدیده‌ای که در واقع اهداف شما را با مخاطره روبه‌رو می‌کند، بی‌تفاوت باشید؟ به هر حال، این همه کتابی که دارد تولید می‌شود، مصرف‌کننده دارد و برنامه‌های درسی شما را مورد هجوم قرار می‌دهد.

در آن زمان طرحی تدوین شد با عنوان «سامان‌بخشی کتابهای کمک‌درسی» که بعدها عنوان آن به «طرح سامان‌بخشی کتابهای آموزشی» تبدیل شد. بعد بحثهایی مثل برگزاری جشنواره‌های کتابهای آموزشی مطرح شد تا با انتخاب بهترینها، سمت و سویی به فعالیتهای ناشران بدهیم. به دنبال این تصمیم، برگزاری جشنواره شکل گرفت و تاکنون هشت دوره آن انجام شده. ممکن است با این سؤال ناشریان مواجه شویم که معیارهای شما برای تعیین کتاب آموزشی چیست و شما به چه کتابی «کتاب آموزشی» می‌گویید. این پرسش به این صورت پاسخ داده شده که طبیعتاً در راهنمای برنامه‌های درسی، هدف اصلی طرح سامان‌بخشی «توسعه منابع مطلوب با محوریت برنامه‌های درسی» بوده است. یعنی برنامه درسی را مبنا قرار دادیم و براساس آن سعی کردیم منابع مکتوب را توسعه ببخشیم تا به این ترتیب، فضای مدرسه را با منابع مکتوبی که در اختیار دارد و بهتر کار کند.

هنوز هم این پرسش مطرح است که در نبود راهنمای برنامه مصوب که آن زمان وجود نداشت، چگونه می‌توان به این هدف دست یافت تا بتوان بر مبنای آن با ناشران گفت‌وگو کرد. بنابراین سازمان درصدد برآمد با کمک گروه علوم تجربی «راهنمای برنامه درسی الگو» تولید کند. به این ترتیب سندی تولید شد که البته این سند همان راهنمای برنامه درسی است. ولی از آن‌جا که متولی تولید راهنمای برنامه درسی نبودیم، نام اثر تولید شده را سند تولید مواد آموزشی براساس راهنمای برنامه درسی علوم تجربی دوره ابتدایی با تأکید بر مواد مکتوب گذاشتیم. این کار دو سال طول کشید.

بعد به فکر افتادیم یک راه میان‌بر بزنیم. به این صورت که در اولین جشنواره که در سال ۱۳۷۸ برگزار شد، سندی تولید کردیم تحت عنوان «ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی». در این سند توضیح داده شد که کتاب آموزشی یعنی چه. آن را تقسیم‌بندی کردیم و برای هر کدام هدفی براساس نگاه



اکرمی: طبق طرح مصوبی که اشاره کردید، ما چند برنامه مصوب داریم؟

همتی: ما سه برنامه مصوب در دوره ابتدایی داریم و یک برنامه هم در دوره پیش دبستانی.

اکرمی: عبارت کلیدی نشست ما «تولید کتاب آموزشی براساس راهنمای برنامه درسی» است. بیاییم کلید واژه‌های «کتاب آموزشی» و «راهنمای برنامه درسی» را جداگانه تعریف کنیم و به یکدیگر پیوند دهیم تا راهکارهای مرتبط با آن را مشخص کنیم.

رمضانی: وقتی می‌گوییم «محتوای آموزشی»، طبق آن چه که الان وجود دارد و از قبل در دسترس ماست، کتابی در نظرمان می‌آید که یک سلسله اطلاعات در ابتدای آن وجود دارد و حاوی مجموعه‌ای از تمرینهای مشخص است، عمدتاً براساس اطلاعاتی که در آن واحد یادگیری وجود دارد. یعنی کتاب درسی و آموزشی، چنین ویژگیهایی را داراست. شاید به همین خاطر است که وقتی اسم کتاب «کمک آموزشی» مطرح می‌شود، ما فکر می‌کنیم این کتاب باید از نظر محتوای آموزشی، اطلاعات بچه‌ها را تقویت کند و همراه با تمرین و تکلیف، نکته‌های موجود در آن در ذهن کودک تثبیت شود.

به نظرم اگر آن مفهوم گسترده محتوای آموزشی را همواره در نظر داشته باشیم، وقتی هدفی برای این مسیر در نظر ما شکل می‌گیرد و می‌خواهیم کار یادگیری دانش‌آموزان را به سمت رسیدن به آن نقطه حرکت دهیم، آن وقت محتوای آموزشی می‌تواند وسیع‌تر از چند جمله و یا عبارت کوتاه و بلندی باشد که یک سلسله اطلاعات را به بچه‌ها می‌دهد. اگر این طور به آن نگاه کنیم که حتی با نشان دادن یک تصویر بتوانیم یک سؤال ایجاد کنیم، این می‌تواند بخشی از محتوای آموزشی ما باشد؛ اگرچه فقط سؤال ایجاد می‌کند. شاید به اقتضای زمان جواب سؤال را هم به مخاطبان خود ندهیم، ولی همین رویکرد می‌تواند بخشی از محتوای آموزشی ما باشد.

وقتی مطلبی به روشهای متفاوت طرح می‌شود، مثلاً در قالب اطلاعاتی که از کتابهای دیگر جمع‌آوری شده یا خود بچه‌ها قرار است آن را تکمیل کنند، کار آموزشی دنبال شده است. گاهی وقتها سرنخ یک تحقیق و پژوهش را به بچه‌ها می‌دهیم؛ با توجه به این که فکر می‌کنیم، کتابهای آموزشی موجود می‌توانند با معنی عام محتوای آموزشی، در خدمت تحقق اهداف آموزشی قرار گیرند. به این ترتیب آن چه که در ذهن من معلم است، قالبهای متفاوت و متنوعی می‌تواند داشته باشد که شاید کتابهای درسی و کتابهای آموزشی موجود، که توسط ناشران دولتی یا خصوصی تدوین شده‌اند، تنها شکلهایی از آن باشند و شکلهای دیگران آن را خود معلم کشف و تنظیم کند.

اکرمی: بنابراین، دید شما بیشتر معطوف به یک بسته آموزشی است تا محتوای آموزشی.

صادقیان: برای این که مدرسه بتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند، به دو بسته منابع احتیاج دارد: یک دسته از آنها تحت عنوان «چارچوب انتظارات» شکل می گیرد؛ یعنی این که شما از مدرسه چه انتظاری دارید و انتظار نظام آموزشی ایران از هر مدرسه‌ای که در کشور وجود دارد، چیست؟ اصطلاحاً به این می‌گوییم «راهنمای برنامه درسی». پس راهنمای برنامه درسی چارچوب انتظارات را در یک دوره یا یک پایه تحصیلی روشن می‌کند و سعی دارد به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. چرا باید درس خواند و فلسفه یا مبانی وجودی هر درس چیست؟
۲. برای اجرای این برنامه‌های درسی چه جهت‌گیری‌هایی باید مورد توجه قرار بگیرند؟
۳. هدف و حد و حدود آن در یک دوره یا پایه تحصیلی چیست؟
۴. محدوده چیزهایی که بچه‌ها باید یاد بگیرند، کدام است؟
۵. روش‌هایی که توصیه می‌شوند، کدام‌اند؟
۶. ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی چگونه صورت می‌گیرد؟

ما به اینها می‌گوییم: «چارچوب انتظارات». یعنی آن‌چه که مدرسه باید به آن پاسخ دهد. منبع دیگری که باید به این انتظارات پاسخ دهد، کتابها و منابع آموزشی هستند. در بسیاری از کشورها، راهنمای برنامه درسی را به عنوان چارچوب انتظارات در اختیار مدارس قرار می‌دهند و آنها متناسب با نظام آموزشی خود مسئول تهیه و انتخاب مواد آموزشی براساس آن برنامه درسی می‌شوند. ناشران و افراد علاقه‌مند نیز براساس این برنامه‌ها، یک مجموعه مواد آموزشی تولید می‌کنند. بنابراین، موادی پیشاپیش برای استفاده در مدرسه آماده می‌شوند و مدارس براساس چارچوب انتظارات، از بین مواد آموزشی متنوع موجود، آنهایی را که مناسب تشخیص می‌دهند، انتخاب می‌کنند. در بین این مواد آموزشی متنوع، بسته‌هایی داریم که از ۳۸ قلم مواد آموزشی تشکیل شده‌اند؛ طیف گسترده‌ای از منابع برای استفاده معلم و دانش‌آموز.

اما در ایران متأسفانه، آن‌چه که در اختیار مراکز آموزشی قرار می‌گیرد، ظاهراً کتاب درسی دانش‌آموز است و گاهی وقتها هم راهنمای معلم. باید ناشران، مراکز آموزشی و مؤسساتی که به این حوزه علاقه‌مند هستند، باید از آموزش و پرورش بخواهند راهنمای برنامه درسی خود را به عنوان نقشه‌یادگیری در اختیار آنها قرار دهد و آنها براساس این برنامه‌ها، به تولید و انتخاب مواد آموزشی دست بزنند. الان وضع ما در ایران طوری است که این چارچوبها مطالبه نمی‌شوند و در اختیار مراکز قرار نمی‌گیرند. بنابراین مراکز آموزشی ما مجبورند فقط براساس کتابهای درسی کار کنند و چون این تنها منبع است و کافی هم نیست، کار دچار اشکال می‌شود. بنابراین چه بخواهیم و چه نخواهیم، مراکز آموزشی و معلمها در بازار دست به انتخاب می‌زنند. الان استقبالی که معلمها و مراکز آموزشی از کتابهای غیردرسی می‌کنند، برگرفته از یک نیاز گسترده است.



ما تولیدات
متنوعی داریم، ولی
به برنامه درسی کمکی
نمی‌کند و چه بسا اهداف
کار را وارونه جلوه
می‌دهد

اکرمی: بهتر است روی همین چستی برنامه بایستیم. بنابر تعریفی که شما از برنامه درسی کردید، من هم هوادار آن شدم؛ چون احساس می‌کنم براساس آن، آزادی عمل برای معلم و دانش‌آموز زیاد می‌شود و از نگاه مستقلی برخوردار است. این برنامه به معلم و دانش‌آموز امکان می‌دهد، از خلاقیتها و زاویه دیدهای خودشان استفاده کنند. خانم رضانی، آیا نکاتی هست که بخواهید به تعریف آقای صادقیان در مورد چستی برنامه درسی اضافه کنید؟

رضانی: معمولاً وقتی می‌گوییم «راهنمای برنامه درسی»، منظور ما نقشه تولید محتواست. احتمالاً تصویری که بعد از شنیدن این چند کلمه در توصیف برنامه درسی در ذهنمان می‌آید، این است که فهرستی از موضوعات وجود دارد و نهایتاً فهرستی از اهداف. مثلاً آن‌چه که در «تعلیم و تربیت دینی» دوره ابتدایی مورد نظرمان است، نهایتاً نقشه‌ای است فهرست شده از آن‌چه که می‌خواهیم از پایه اول تا پنجم دبستان روی آن کار کنیم. مثلاً اگر بخواهیم موضوع نماز دو رکعتی را موضوع یادگیری قرار دهیم، علاوه بر این که خود نماز وادای نماز دو رکعتی را به بچه‌ها یاد می‌دهیم، حالا علاقه‌مندی به خواندن نماز سروقت هم موضوع جنبی آن می‌شود. آن‌چه که برنامه را ویژه می‌کند، رویکردی است که راهنمای برنامه به یادگیری دارد.

موقعی که داشتیم راهنمای برنامه را تدوین می‌کردیم، سؤال خودمان هم همین بود. این موضوعات در کتب قبلی هم وجود داشت. پس تفاوت این محتوای برنامه که می‌خواهد تولید متمایزی داشته باشد، نسبت به تولید قبلی و نیازهای جدید چیست؟ این رویکرد برنامه است که می‌تواند چنین جهتی را نشان بدهد. ناشرانی که می‌خواهند پا به این وادی بگذارند، بیشتر از آن فهرست که خیلی هم می‌تواند کمک کند، به آن رویکرد نیاز دارند. رویکرد آموزشی برای معلمها و کسانی که می‌خواهند محتوا تولید کنند، شاید در وهله اول خیلی گویا نباشد، ولی همان رویکرد وقتی به اصول حاکم بر گزینش و سازمان‌دهی محتوا تبدیل می‌شود، خود آن گزاره‌ها به صورت «باید» و «نباید» در می‌آیند. این به عملیاتی شدن برنامه کمک می‌کند و به تولید نزدیک می‌شود. به نظر من، این اصول هستند که تعیین می‌کنند آیا این کتاب به درد این موضوع می‌خورد یا نه. دوباره تأکید می‌کنم که راهنمای برنامه درسی، علاوه بر فهرست اهداف و موضوعاتی که در یک دوره تحصیل در یک درس مشخص می‌کند، در انتخاب آن اهداف و موضوعات هم نقش دارد. در راهنماهای برنامه که دفتر تألیف به آنها به عنوان سند دست‌رسی دارد، بخشهایی را داریم تحت این عنوان‌ها: «رویکرد برنامه درسی»، «اصول حاکم بر گزینش و سازمان‌دهی محتوا»، «اصول حاکم بر ارزش‌یابی» و «اصول حاکم بر انتخاب روشهای تدریس». به نظر می‌آید این بخشها اگر پررنگ شوند و به اطلاع کسانی که می‌خواهند در این وادی قدم بگذارند، برسد، امکان دست‌یابی

به کتابهای مناسب و مورد نظر وجود دارد.

اگر بخواهیم از تولیدات دیگران که شاید برای منظور و موضوع خاص مورد نظر ما تولید نشده باشد، برای پیشبرد اهداف این برنامه استفاده کنیم، باید مجموعه‌ای از ملاکها و شاخصها را داشته باشیم که در این مجموعه نیست. یعنی این مجموعه هم عمدتاً آن بخش پررنگی است که به اهداف و موضوعات پرداخته است. مثلاً یکی از موضوعاتی که باید در دوره ابتدایی با بچه‌ها کار شود، آشنایی با پیامبران بزرگ الهی است. اگر شما صرفاً بخواهید به اصل نوشته شده قناعت کنید، تمام کتابهایی که مثلاً درباره زندگی حضرت نوح وجود دارد، برای دوره ابتدایی قابل استفاده است. در حالی که اتفاقاً خط قرمز در همین جا مشخص می‌شود.

در تدوین «راهنمای برنامه درسی»، یکی از خط قرمزها این بود که آسایش و آرامش روانی بچه‌ها را به هم نزنیم. الان در مورد زندگی حضرت نوح کتابهایی چاپ شده‌اند که در آنها تصویرها نشان می‌دهند، مردم و حیواناتی که بچه‌ها دوست دارند، زیر آب دارند غرق می‌شوند و دست و پا می‌زنند. فقط دو سه نفر آدم مانده‌اند و از هر حیوانی یک نر و یک ماده. این موضوع اصلاً برای بچه‌ها قابل پذیرش نیست. مطمئناً در آن سنی که آنها هستند، دیدن این صحنه‌ها آرامش روانی و اعتقاد به خدایی را که ما به مهربانی می‌شناسیم، دچار خدشه می‌کند.

بنابراین در راهنمای برنامه درسی که نقشه تولید محتوای آموزشی است، فقط فهرستی از عناصر و موضوعات وجود دارد اما آن‌چه که مهم است، پشت صحنه‌ای است که به انتخاب این موضوعات می‌انجامد و چارچوبهایی که برای طرح موضوعات داریم. در راهنمای برنامه دوره ابتدایی، «توحید» یکی از مفاهیمی است که آموزش داده می‌شود. توحید معنای گسترده‌ای دارد. آیا همه آن‌چه که ما تحت این عنوان می‌دانیم، این است که در دوره ابتدایی تدریس می‌شود؟ طبیعتاً نه. گزینش انجام شده است و ملاکهایی داریم که این گزینش را مناسب دانسته‌اند. به نظر من این معیارها باید در اختیار کسانی که می‌خواهند در تولید محتوا شریک باشند، قرار گیرد؛ وگرنه همان می‌شود که اتفاق افتاده است. یعنی ما تولیدات متنوعی داریم، ولی به برنامه درسی کمکی نمی‌کند و چه بسا اهداف کار را وارونه جلوه می‌دهد.

اگر می: بنابراین به نظر می‌رسد روی تعریف «برنامه درسی» و چرایی آن، مشکل نداریم و شما آن را تأیید می‌کنید. به بیان دیگر این مشکل اجرایی است که آن را ضعیف می‌کند و رویکردی که در رویارویی با این طرح و اهداف آن به چشم می‌خورد. برداشت من درست است؟

همتی: سؤال من هم این است که آیا شما محتوای آموزشی را معادل برنامه درسی تلقی می‌کنید؟

صادقیان: برنامه درسی راهنمای عمل است. راهنمای عمل می‌تواند فعالیت گسترده‌ای باشد که چه در قالب تجارب یادگیری و چه در قالب فعالیتهایی که مکتوب و غیرمکتوب هستند و یا معلم



خودش تدوین کرده، به منظور رسیدن به هدفها تنظیم شده است.

رمضانی: محتوای آموزشی، ارزشیابی را هم با خودش دارد. راهنمای برنامه درسی به محتوای برنامه درسی کمک می‌کند تا معنای گسترده‌اش شکل بگیرد؛ محتوایی که قرار است به صورت بسته آموزشی تولید شود. زمانی ما یک بسته آموزشی تولید می‌کنیم و زمانی هم فقط اجزایی از آن را تدارک می‌بینیم و اجزای دیگر را دیگران؛ ولی در همان چارچوب مشخص. من تأکید دارم، آن‌چه که اهمیت دارد این است که این چارچوب چه طور شکل گرفته و قرار است کار آموزش را به کجا برساند. نکند مانند کتاب درسی محدود شود به یک بخش خاص؟! نگرانی من این است که از راهنمای برنامه درسی - که این همه داریم روی آن تأکید می‌کنیم - فقط یک بخش آن پررنگ شود؛ همان بخشی که می‌گوید ما در این دوره تحصیلی به طور مشخص می‌خواهیم روی این موضوعات کار کنیم. در این صورت چیزی عوض نشده و تکرار همان حرفهاست.

مثلاً برای درس ریاضی دوره ابتدایی، انواع تألیفات کمک‌آموزشی را داریم و همه آنها دارند روی یک محور مشخص حرکت می‌کنند. ما سطوح متفاوت یادگیری را در آنها نمی‌بینیم. حتی اگر بگوییم ما روش خاصی برای این کار در نظر گرفته‌ایم و می‌توانیم آن را در سطوح متفاوت یادگیری متنوع کنیم، بچه‌هایی داریم که از ریاضی پایه سوم حوصله‌شان سر می‌رود. چون به این مفاهیم و موضوعات آن خیلی زود دست‌رسی پیدا کرده‌اند و آن‌چه که کتاب پیش‌بینی کرده، برای آنها کم است. کاش بعضی کتابهای کمک‌آموزشی سطح یادگیری بالاتری داشتند و می‌توانستیم برای



گروهی از بچه‌ها از آنها استفاده کنیم. یا در مورد بچه‌هایی که به کار ویژه و یا کمک بیشتری نیاز دارند، چون تعداد افراد کلاس و حجم کتاب زیاد است، نمی‌توانیم به اندازه کافی به آنها برسیم، ولی کتابهای کمک‌آموزشی می‌توانند این کار را بکنند. راهنمای برنامه می‌تواند همه این گونه اطلاعات را به کسانی بدهد که می‌خواهند در این کار سهیم باشند. تأکید من این است که اگر داریم با این تعریف محدوده محتوای برنامه آموزش را به دیگران معرفی می‌کنیم، این معرفی به یک بخش خاص منحصر نشود.

صادقیان: برای کسانی که می‌خواهند براسای یک راهنمای برنامه، مواد آموزشی تولید کنند، این فعالیت یک کار تخصصی است، اما تاکنون روش کار این گونه نبوده است. اگر بازار مواد آموزشی ما، در عین این که تواناییهای قابل ستایشی دارد، تا اندازه‌ای هم با آشفتگی روبه‌روست، شاید به خاطر نبود تخصصهای لازم است که ناشران به آن توجهی ندارند یا نیاز آن را احساس نمی‌کنند. ما چگونه می‌توانیم یک راهنمای برنامه درسی را به مواد آموزشی تبدیل کنیم، در حالی که از واحدهای دانشگاهی در این زمینه برخوردار نیستیم. بنابراین کسانی که می‌خواهند محتوای آموزشی را تدوین کنند و در تأمین مواد آموزشی نقش داشته باشند، باید درک درستی از راهنمای برنامه داشته باشند؛ یعنی با رویکرد و جهت‌گیری آن آشنا باشند. وقتی در تألیف یک متن آموزشی با این جهت‌گیریه‌ها آشنا نباشیم، طبیعی است که متن‌ها سلیقه‌ای نوشته شوند.

بنابراین لازم است، نویسندگان مطالب آموزشی به این حوزه تخصصی دست یابند. دفتر انتشارات کمک‌آموزشی که متولی این امر است، متولی امر سامان‌دهی هم هست و باید ناشران را آموزش

بدهد که چگونه مواد آموزشی متنوع تولید کنند، تفاوت مواد آموزشی را بدانند و شیوه‌های مرتبط با هر یک از تخصص‌های مورد نیاز را بشناسند. فراموش نکنیم، تا زمانی که کادر سازی و تربیت‌سازی نشود و افراد با این مهارت‌ها آشنا نشوند، طبیعی است که ما هر سال با این مشکل روبه‌رو خواهیم بود. به نظر من، نهادهای برای آموزش به علاقه‌مندان در این حوزه باید وجود داشته باشد. دوره‌هایی که برای تعریف مواد آموزشی برگزار کردیم، به ما نشان داد که حتی معلمان بسیار حرفه‌ای هم برخی از مسائل را که در دل این برنامه‌ها هست، نمی‌شناسند. چون این موضوع امری تخصصی است. کسانی که به هر نحوی در تولید مواد آموزشی، چه به شکل گروهی و چه به شکل فردی، دخالت دارند، به نوعی باید سامان پیدا کنند. تلاش‌هایی برای این کار شروع شد، ولی متأسفانه ادامه پیدا نکرد.

سازمان پژوهش در برنامه سوم و چهارم اعلام کرد که می‌خواهیم «برنامه محور» باشیم نه «کتاب محور». این شعار اساسی سازمان است. به این معنا که مراکز آموزشی و مؤسساتی که در این راه ایفای نقش می‌کنند، باید پاسخ‌گوی چارچوب برنامه باشند و براساس برنامه، دانش‌آموزان خودشان را تربیت کنند.

اکرمی: شما این جهت‌گیری را مثبت می‌دانید؟

رمضانی: تأیید می‌کنم که این امر اتفاقی مثبت است. قبلاً وقتی محتوای آموزش کتاب درسی می‌خواست تولید شود، افراد دور هم جمع می‌شدند و فهرستی تهیه می‌کردند و برای هر دوره در آن درس، روی موضوعاتی خاص متمرکز می‌شدند. این را در پایه‌ها تقسیم می‌کردند و بعد می‌رفتند سراغ منابعی که موجود بود. از وقتی که تأکید شد راهنمای برنامه درسی باید ملاک هرگونه تألیف باشد و ما به جای کتاب درسی، محتوای برنامه آموزشی را اصل بدانیم، توجه مستقیم به این جهت‌گیریها معطوف شد.

موضوعی برای آموزش داریم و این موضوع دامنه گسترده‌ای دارد. این که چه قدر این دامنه را انتخاب کنیم، برمی‌گردد به جهت‌گیریهای ما. این که آن را با چه زبانی منتقل کنیم، از چه ابزارهایی استفاده کنیم و چه طور آن را برآورد کنیم که به هدف نزدیک شویم، همه برمی‌گردد به آن جهت‌گیری‌ها. در هر حال، سندی به نام «راهنمای برنامه‌ی درسی» آمده و ملاک تدوین کتابهای درسی متمرکز قرار گرفته است که خودش گام بزرگی به جلوست؛ مرحله‌ای که با مرحله قبل خیلی متفاوت بود. ولی طبیعتاً برای این که تکمیل شود، اگر به جای یک کتاب درسی، لاقط دو کتاب داشته باشیم، کم کم به سمتی می‌رویم که کتابهای متفاوتی برای همین پایه داشته باشیم. الان که سراغ این برنامه‌ها می‌رویم، می‌بینیم نقص‌هایی دارد که اجازه این کار را به شما نمی‌دهد که آن هم به نوبه خودش باید برطرف شود.

همتی: در صحبت‌هایتان به این نکته اشاره کردید که رویکرد برنامه محتوای ما را جهت می‌دهد. من در مقام یک ناشر می‌خواهم در حوزه محتوایی و دانشی، برنامه شما را پوشش بدهم. مثلاً می‌خواهم برای بچه‌های کلاس دوم دبستان در زمینه مفاهیم اساسی، صد کتاب تولید کنم. در این صورت جایگاه من کجاست؟ وقتی شما کتاب درسی تولید می‌کنید، باید تعادلی بین رویکرد و محتوا ایجاد کنید. طبیعتاً با شرایط موجود دچار محدودیتهای فراوان هستید. ولی من در مقام ناشری که می‌خواهم بعد محتوایی برنامه شما را پوشش بدهم، لزوماً این محدودیتها را ندارم. حالا سؤال این است که اگر من این محتوا را تولید کردم، آیا به عنوان جزئی از بسته آموزشی شما تلقی خواهد شد؟

رمضانی: اگر بدون توجه به آن جهت‌گیرها باشد، نه.

همتی: به نظر شما آن جهت‌گیرها حتماً باید توسط ناشر رعایت شود؟

رمضانی: بله. در برنامه تعلیم و تربیت دینی دوره ابتدایی، بخشی از مفاهیم تحت عنوان احکام قرار می‌گیرد. مثلاً در راهنمای برنامه می‌بینید که آموزش نماز دو رکعتی جزو اهداف دانشی و رفتاری کلاس دوم ابتدایی است. وقتی می‌خواهید نماز دو رکعتی را به بچه‌ها یاد بدهید، مستحبات یک نماز دو رکعتی می‌شود جزو آن. اگر مخاطب شما فردی باشد با ۲۵ سال سن، اگر نماز دو رکعتی را بخواهید به او یاد بدهید، مطالب دیگری هم به او یاد می‌دهید که در برنامه کلاس دوم دبستان نیست. من نمی‌توانم مجسم کنم یک برنامه درسی بدون آن جهت‌گیری بتواند اعلام وجود کند. از همان ابتدای کار تا انتهای آن، تمام مراحل تحت شعاع همان جهت‌گیری است. در غیر این صورت نمی‌توانید دست به اقدام بزنید وگرنه همین چیزی می‌شود که الان هست و کمکی به پیشرفت برنامه نمی‌کند.

همتی: اجازه بدهید مثالی بزنم. فرض کنید در رویکرد برنامه، «حقیقت‌جویی» و «خردورزی» تعریف شده است؛ گرایش به خیر و زیبایی، گرایش به خلاقیت و ابداع و گرایش به عشق و پرستش. اینها همه رویکردهای برنامه هستند. شما محدوده این آشنایی را چگونه تعریف می‌کنید؟ من می‌خواهم برای بچه کلاس دوم یک کتاب مرجع چاپ کنم. کتابی می‌خواهم تولید کنم که به محتوای برنامه شما کمک کند و به عنوان یک ابزار مکمل، معلم در کلاس از آن استفاده کند. محدوده این آشنایی را چگونه می‌خواهید تعریف کنید؟ من به عنوان ناشر می‌آیم اینها را می‌خوانم و احساس می‌کنم فضای کتابم باید به گونه‌ای باشد که به خلاقیت و ابداع کمک کند. تصویرسازی کتابم باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را علاقه‌مند کند. چه راهکاری برای این موضوع پیشنهاد می‌کنید؟

رویکرد

یعنی جهت‌گیری

عناصر برنامه. به عبارت

دیگر، مبانی تصمیم‌گیری در

امریادگیری را مشخص می‌کند

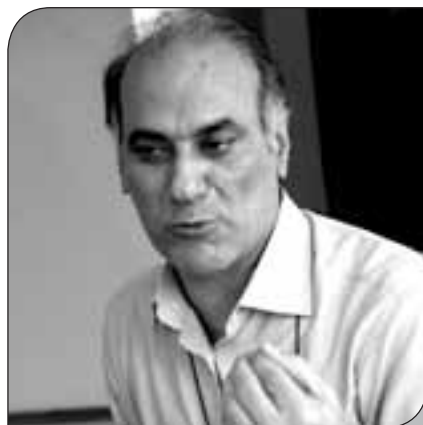
در برنامه درسی دینی، این

رویکردها «فطری محور»

است

رمضانی: اگر بخواهید در این حوزه به من کمک کنید، شما به عنوان ناشر چه توصیه‌هایی دارید؟ اگر کسی بخواهد از این راهنمای برنامه استفاده کند و در همان عبارتهای تفهیم‌کننده رویکرد بماند، احتمالاً به خیلی از سؤالاتش دقیقاً پاسخ داده نمی‌شود. بلکه در فضایی حرکت می‌کند که آن فضا آن قدر گسترده است که باید با شک و تردید در آن حرکت کند. اگر هم دست به اقدام بزند، ممکن است اقداماتش با آن‌چه که راهنمای برنامه می‌خواهد، هماهنگی نداشته باشد. اگر از این بخش بگذرید و بخواهید با اصول حاکم بر گزینش و سازمان‌دهی محتوا روبه‌رو شوید، به گزاره‌هایی برمی‌خورید که بر همان اساس ولی جزئی‌تر، عملیاتی‌تر و روشن‌تر بیان شده‌اند. وقتی از آنها هم عبور کنید و بیابید جلوتر، وارد بحث اهداف می‌شوید. در واقع در هر بخش، یک قدم به عملیات نزدیک می‌شوید. اهدافی که پشت سر می‌گذارید، بخشی دارد به نام «مفاهیم اساسی». بعد از آن بخش دیگری دارد تحت عنوان «تعمیم‌ها».

سؤال شما این است که محدوده‌ای که ما می‌توانیم در آن موضوع مورد نظرمان را طرح کنیم، کجاست و جایی که نمی‌توانیم پیمان را از آن جلوتر بگذاریم، کجا؟ در این صورت سؤال شما در بخش تعمیم‌ها پاسخ داده می‌شود. فکر می‌کنم بخشهای این راهنمای برنامه قدم به قدم می‌تواند به شما کمک کند و فردی که چنین سؤالاتی دارد، می‌تواند جوابهای دقیق‌تری بگیرد.



صادقیان: رویکرد یعنی جهت‌گیری عناصر برنامه. به عبارت دیگر، مبانی تصمیم‌گیری در امر یادگیری را مشخص می‌کند. در برنامه درسی دینی، این رویکردها «فطری محور»

هستند. مثلاً حقیقت‌جویی و خردورزی یکی از مؤلفه‌های رویکرد فطری محور است، یا گرایش به خیر و فضیلت از مؤلفه‌های دیگر آن است. انتظار این است که وقتی برنامه درسی تدوین می‌شود، عناصر برنامه که همان هدفها، محدوده محتوا، مفاهیم اساسی و روشها هستند، همه تابلویی از این رویکرد به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، ما دست به هر کدام از این عناصر بزنیم، باید بتوانیم این رویکرد را حس کنیم. برای مثال، هدفها، دانسته‌ها، مهارتها و نگرشها همه باید براینند این رویکرد باشند. برنامه‌ریزان با این رویکرد هدفها را استخراج کرده‌اند. ما تصور می‌کنیم عناصری که در این برنامه وجود دارد، از هدف گرفته تا محتوا، همه با این رویکرد سازگار هستند.

بنابراین، ما از معلم انتظار نداریم خودش هدفها را با آن رویکرد سازمان بدهد. وقتی می‌گوییم مربی یا تدوینگر باید اینها را بداند، برای این است که با مهندسی این مؤلفه‌ها بیشتر آشنا شود.

به عبارت دیگر، بخشی از این کار را شوراهای برنامه‌ریزی به عهده گرفته‌اند. فرض کنید معلمی بخواهد برخی از مفاهیم اساسی دینی مانند خدا، پیامبر، امامت، معاد، قرآن و احکام را برای بچه‌ها بیان کند و دنبال منابعی که برای بچه‌ها چاپ شده است، می‌گردد تا اطلاعات بیشتری ارائه کند. در این‌جا ما یک سلسله مواد آموزشی درست می‌کنیم که در این بسته آموزشی، به عنوان منابع تکمیلی کار معلم و برای تفهیم درسها، تولید می‌شوند. این هم اشکالی ندارد که از ناشرها کمک بگیریم.

وقتی صحبت از بسته آموزشی می‌کنیم، به هر حال باید ناشر یا مؤسسه و یا آن گروهی که روی این موضوع کار می‌کنند، نخست موضوع را برای خودشان تعریف کنند. مثلاً برای برنامه درسی دینی در پایه اول، عناصر ۳۸ گانه‌ای را برای آنها تعریف کرده‌ایم. آیا طرح همه این ۳۸ قلم لازم است؟ اکنون این پرسش مطرح می‌شود که محدوده تکنیکی این بسته‌های آموزشی چیست؟ آیا می‌شود هر قطعه آن را به گروهی داد تا تولید کند؟ اصلاً اصول حاکم بر این بسته آموزشی کدامند؟ حداقل باید نوعی هارمونی مفهومی در آن وجود داشته باشد. یعنی آن تیم‌هایی که دست به کار تولید می‌شوند، باید این هارمونی و هماهنگی را رعایت کنند که این هارمونی همان برنامه درسی است. در حقیقت آن گروهی که می‌خواهد بخشی از اجزای بسته را تولید کند، اول باید هماهنگی و هارمونی کارش فراهم شود تا سهمی که در تولید آن مواد آموزشی دارد، ایفا شود.

اکرمی: شما برنامه‌ای نوشته‌اید و کلید واژه‌های خودتان را از آموزش در آن تعریف کرده‌اید. الان نوبت آقای همتی است که به عنوان یک ناشر، براساس کلید واژه‌ها دست به کار تولید بزند. شما این بسته را دست ناشر می‌دهید. آقای همتی به عنوان ناشر طبیعتاً سؤالاتی برایشان مطرح می‌شود. سؤال من از آقای همتی به عنوان یک ناشر این است که چه انتظاراتی از برنامه ارائه شده دارید؟ شما پیش‌تر مطرح کرده‌اید که به راهنمای برنامه درسی اعتقاد دارید؟ ولی به موضوع تبیین آن نمره صفر می‌دهید و معتقدید آن اندازه‌ای که روی طرح برنامه تلاش شده، روی تبیین آن نشده است. از سوی دیگر مطرح شد که طرح برنامه درسی گام بزرگی به جلوست، ولی این طرح در اتاق فکر باقی مانده و بیرون از آن تلاش کافی نشده است که برای معلم، ناشر و مؤسسات توضیح داده شود. می‌خواهم انتظارات یک ناشر را از این طرح برای ما توضیح بدهید.

همتی: یک جا من به عنوان ناشر، تولید بسته آموزشی مبتنی بر برنامه را یک جور معنی می‌کنم و یک جا شما مصوبه‌ای در اختیار من می‌گذارید که باید طبق آن پیش بروم. این را می‌دانم که اجزای منابع اصلی برنامه عبارت‌اند از: کتاب راهنمای معلم، کتاب دانش‌آموز، کتاب کار دانش‌آموز، کتاب ارزش‌یابی و منابع تکمیلی. این را می‌دانیم که تولید منابع اصلی در اختیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی است و تولید منابع تکمیلی در اختیار ناشران. من به طور مفهومی به بسته آموزشی نگاه



می‌کنم. یعنی من می‌خواهم بسته آموزشی تولید کنم، ناشران دیگری هم می‌خواهند بسته‌هایی مبتنی بر این برنامه تولید کنند. از بین مثلاً ۱۰ بسته تولید شده، ۵ بسته را دوستان انتخاب و به مدارس توصیه می‌کنند.

این جاست که من برای در دست گرفتن بازار رقابت نیاز پیدا می‌کنم به حضور متخصصان برنامه درسی، به تولیدکنندگان و به نویسندگان کودک؛ آن هم در قالب کار تیمی. شما به ناشر می‌گویید براساس مدل داده شده کار را انجام بده و منابع تکمیلی ما را آماده کن؛ منابعی که براساس برنامه درسی و کتاب راهنمای معلم و کتاب کار دانش‌آموز باید تدوین شوند. اما ناشر ممکن است اهداف خودش را دنبال کند و کتاب تکمیلی‌اش در امتداد اهداف داده شده نباشد. در واقع این مصوبه که مصوبه شورای هماهنگی علمی سازمان سازمان است، با آن نگاهی که آقای صادق‌یان دارند و در برخی از کشورها تولید می‌شود، کاملاً مغایر است.

در مورد کتابهای
«بخوانیم و بنویسیم»
یک استثنا وجود دارد. کتاب
«بنویسیم» در واقع کتاب کار
است، ولی متأسفانه خود
مؤلفانش برای آن کتاب کار
نوشته‌اند. این مغایر
اهداف طرح است

فرض کنید همین برنامه تعلیم و تربیت دینی، کتاب راهنمای معلم و کتاب کار دارد. کتاب درسی هم دارد، ولی کتاب ارزش‌یابی ندارد. کتاب کار را بچه‌ها به عنوان کتاب درسی در اختیار دارند و رسماً به تعداد دانش‌آموزان چاپ می‌شود و به شکل متمرکز در اختیار آنها قرار می‌گیرد. دانش‌آموز هم باید پولش را بدهد و کتاب را بخرد. معلم هم موظف است از این کتاب کار استفاده کند. من ناشر، کتاب کار «هدیه‌های آسمان» دوم تا پنجم ابتدایی را باید تولید کنم یا نباید تولید کنم؟ اگر تولید کنم، این کار مخل برنامه است. چون این منابع را خود سازمان تألیف کرده است. ولی کتاب کار علوم چرا توسط ناشران تولید می‌شود؟ چون وجود ندارد.

البته در مورد کتابهای «بخوانیم و بنویسیم» یک استثنا وجود دارد. من به عنوان ناشر مجبورم روی منابع تکمیلی کار کنم. منابع تکمیلی من، فرض کنید درباره آشنایی با دعاست به عنوان راهی برای گفت‌وگو با خداوند و بیان خواسته‌های ما با او. این در حیطه شناختی است. در حیطه عاطفی گفته شده، تمایل به دعا کردن در گفت‌وگو با خداوند، از حس عاطفی برخوردار است. در حیطه کنشی می‌توان بیان خواسته‌ها و آرزوهای خود را با خداوند در قالب یک دعای ساده مطرح کرد. احتمالاً کتاب درسی برای آن که این مفهوم را پوشش بدهد، یک دعایی را مثلاً به صورت شعر آورده است.

حال من به عنوان یک ناشر می‌گویم سرکار خانم رضانی که متولی برنامه هستید، من کتابی می‌خواهم چاپ کنم در مورد دعا که شامل ۳۰ دعای کودکان است؛ آن هم از زبان شاعران متخصص که این هدف را پوشش می‌دهند. البته در تولید این کتاب به رویکردها هم وفادار می‌مانم

و سعی می‌کنم «لی‌اوت» کتاب طوری باشد که حس تمایل به ارتباط با خداوند را تقویت کند. شما به عنوان معلم یا ناشر تشخیص می‌دهید که این مجموعه دعاها خیلی بهتر از دعاهایی هستند که در کتاب درسی آمده‌اند؛ آن هم با ویژگیهای اقلیمی و جغرافیایی مختلف و با مفاهیمی متفاوتی که مثلاً در لرستان هست یا در آذربایجان و سیستان. حتی ممکن است مضامینی پیدا کنید که با فضای فرهنگی بچه‌ها خیلی سنخیت دارد و آن را جای‌گزین کنید. یا به عنوان مکمل به آن رجوع کنید. زمانی برنامه درسی نبوده، ولی الان برنامه‌های درسی در سایتها موجود است و در دسترس ناشران هم قرار دارد. ولی ناشران چندان توجهی به آن ندارند؛ چرا که این برنامه برایشان تبیین نشده و جا، نیفتاده است.

وقتی می‌گوییم قصه‌های قرآنی، مقصود فقط قصه‌های پیامبران نیست، ما خیلی مضامین قرآنی داریم، مثل احترام به پدر و مادر. با توجه به این مضمون می‌توانید قصه تولید کنید. این قصه ممکن است جزیی از برنامه شما را پوشش بدهد و در کتاب‌خانه کلاسی و مدرسه مورد استفاده قرار گیرد. وقتی خانم رضانی و دوستانشان راهنمای معلم می‌نویسند و آن را معرفی می‌کنند، من ناشر چاره‌ای ندارم جز آن‌که به سمت تولید منابع تکمیلی حرکت کنم. جامعه ما برای تحقق بسته آموزشی به این معنا که یک بخشی از آن را به عنوان ماده اصلی بگیریم و بخش دیگر را به عنوان ماده مکمل، بیشتر آماده است. این خیلی به واقعیت نزدیک است، چون حالا اتفاق دیگری هم می‌افتد.

اکرمی: آیا واقعاً این طرح برنامه درسی در حال اجراست؟ حداقل آنهایی که مصوب شده‌اند. می‌خواهم ببینم آیا این برنامه به همان اندازه که برای طراحی‌اش زحمت کشیده شده، برای تبیین آن برای معلم و ناشر هم تدارکاتی دیده شده است؟ چه تلاشهایی انجام گرفته است که ناشر با این سوالات و مشکلات مانند آن روبه‌رو نشود؟ آیا واقعاً تلاشی برای تبیین و جانداختن آن شده است که باعث شود، معلم از کتاب درسی فاصله بگیرد و به برنامه درسی متمرکز نزدیک شود؟ در نشست قبلی ما، دو معلم برجسته برای گفت‌وگو انتخاب شده بودند، ولی به قول آقای صادقیان، آنها هم هنوز نگاهشان کتاب درسی محور بود، نه برنامه درسی محور. چه انتظاراتی وجود دارد تا تبیین این طرح برای معلم، ناشر و مؤسسات آموزشی و در نهایت دانش‌آموز، به خوبی صورت بگیرد؟

رضانی: در مورد راهنمای برنامه درسی دینی دوره ابتدایی دقیقاً آن‌چه که آقای همتی گفتند، مورد نظر بوده است. اگر در این سند از کتاب درسی به عنوان منبع اصلی یاد شده، در واقع مرکز توجه تدوین‌کنندگان راهنمای برنامه درسی به عنوان منبع اصلی بوده است. یکی از ویژگیهای کتاب درسی این است که نمونه حداقلی است از محتوایی که می‌تواند متناسب با برنامه راهنماها مطرح شود. آرزوی ما این است که سرانجام راهنمای برنامه درسی در اختیار همه کسانی که کار

آموزشی می‌کنند و دست به کار تولید می‌شوند، قرار داده شود تا براساس آن، فعالیتهای خود را طراحی کنند.

زمانی ما فقط کتاب درسی را داشتیم که محور تمام فعالیتهای آموزشی بود. حتی وقتی می‌خواستیم مجله رشد تولید کنیم یا کتاب کمک‌آموزشی چاپ کنیم، باز دچار همین فرایند کتاب درسی محور می‌شدیم. وقتی چنین اقتداری وجود داشته باشد، کتاب درسی نمی‌تواند یک دفعه از یک مرحله وارد مرحله دیگری شود. اگر بخواهیم به همین سرعت راهنمای برنامه درسی را که برنامه جدیدی هم هست، ملاک کار قرار دهیم و بگوییم، همه کارهای آموزشی را حول و حوش این طرح تنظیم کنند، کار درست از آب در نمی‌آید. به نظر می‌آید برای رسیدن به این آرزو باید فاصله‌هایی را طی کنیم. این فاصله باید با اقداماتی پر شود که یکی از آنها، کاری است که در کتاب «هدیه‌های آسمان» انجام شد.

در این کتاب وقتی می‌خواستیم نعمتهای خداوند را تعریف کنیم، به این موضوع فکر کردیم که بیاییم بچه‌ها را با نعمتهایی آشنا کنیم که همگان از آن بهره‌مند هستند. وقتی می‌آمدیم مثلاً روی «پا» متمرکز می‌شدیم، می‌دیدیم بعضیها به دلایلی پا ندارند یا پای سالم ندارند. اگر بگوییم پا نعمت است، آن کسی که پا ندارد، خدا به او نعمت نداده و او را از یک نعمت طبیعی محروم کرده است. اگر چنین چیزی واقعیت داشته باشد، برای بچه معلول کلاس دوم قابل پذیرش و فهم نیست. بنابراین نعمتی مثل «خورشید» را انتخاب کردیم. حتی وقتی خورشید را انتخاب کردیم، با این مسئله مواجه بودیم که در بخشهایی از کشورمان، خورشید برای بعضی از بچه‌های آن منطقه نعمت تلقی نمی‌شود. چون آن‌جا به قدری گرم است که بچه‌ها آرزو می‌کنند، کاش ابر توی آسمان ببینند.

بنابراین از همان جا به شدت طرفدار این عقیده بودم که اینها فقط یک حداقل هستند برای آن که معلم، محوری داشته باشد تا فعالیت‌هایش را حول و حوش آن تنظیم کند. در این جا همان برداشت آقای همتی دقیق‌تر است. یعنی بیشتر آن‌چه که راهنمای برنامه مورد نظرش است، مطرح شود تا مصداقهای آن. مثلاً اگر معلم دید نعمتی مثل خورشید در منطقه‌ای از کشور برای بچه‌ها نعمت تلقی نمی‌شود، بتواند نعمت دیگری را جای‌گزین آن کند؛ نعمتی که بچه‌های آن منطقه نسبت به آن خاطره خوشایندی دارند. ما برای رسیدن به آن وضعیت مطلوب خیلی جای کار داریم. دقیقاً دوره‌هایی که برای آموزش ضمن خدمت معلمان پیش‌بینی کرده بودیم، طبق همین جهت‌گیری بود. مثلاً فرصتهای زیادی برای آشنایی معلم با اساس برنامه در نظر می‌گرفتیم. حتی گاهی آنها اصرار داشتند که از صفحه اول کتاب برویم جلو. ما می‌گفتیم اگر شما با آن رویکردها آشنا شوید، خودتان می‌توانید مصداقها را بنا به خلاقیت خودتان تغییر دهید. این که آقای همتی

گفتند ما می‌توانیم بخش به بخش کار تولید را توسط ناشران دنبال کنیم، با آن‌چه که آقای صادقیان گفت، خیلی فرق دارد. تلقی آقای صادقیان دقیقاً تولید محتوای آموزشی بود. کسی که در کار تولید کتاب کمک‌آموزشی است، ناشر ویژه‌ای است و افراد خاصی به این کار روی می‌آورند. آنهایی که می‌خواهند این وظیفه را انتخاب کنند، باید از سابقه و تخصص کافی برخوردار باشند و محتویات طرح را مورد توجه قرار دهند.

برخی مصوبه‌ها دست ما را می‌بندند و ما را از تعریف ایده‌آل دور می‌کنند. با وجود این، فعلاً به عنوان یک مرحله میانی از آنها استفاده می‌کنیم؛ به شرط تبیین راهنمای برنامه. «گروه‌های درسی» با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت این وظیفه را تا حدی دنبال کردند، ولی کار در نهایت متوقف شد. بعدها به تولید فیلم آموزشی دست زدیم که در مسیر همان جهت‌گیری بود. فیلم آموزشی کتاب دوم ابتدایی چهار ساعت است که دو ساعت آن به تبیین برنامه اختصاص دارد. خیلی از معلمها همچنان اصرار داشتند که درس به درس این تبیین را دنبال کنیم، در حالی که رویکرد مورد نظر ما این نبود.

اکرمی: مطمئنم هنوز بحثهای زیادی در این زمینه باقی مانده است. سعی می‌کنیم

نشست دیگری در زمینه رویکردهای اجرایی این طرح برگزار کنیم؛ گفت‌وگوهایی در زمینه زمان و ابزارهای موردنیاز برای تثبیت این طرح.

صادقیان: در انتهای گفت‌وگو باید به دو بخش توجه کنیم: یک بخش ادبیات علمی بسته‌های آموزشی است. چون ما نمی‌توانیم درباره یک منطق صحبت کنیم و آن را تا به‌تأ اجرا کنیم، اول باید توضیح دهیم ادبیات این‌گونه کارها از حیث علمی چگونه باید باشد. دوم این که کالبدشکافی نظام آموزشی ایران چگونه است و ما براساس آن، چه چیزهایی را باید تجویز کنیم. این دو موضوع خیلی اهمیت دارند. الان در بازار نشر طیف گسترده‌ای از کتابهای آموزشی وجود دارند؛ از کتابهای توسعه مفاهیم گرفته تا کتابهای کار و ارزش‌یابی. این حکایت از آن دارد که بعضی از ناشران خیلی توجه نمی‌کنند که ما چه طرحها و مصوبه‌هایی را برنامه‌ریزی کرده‌ایم. توجه آنها بیشتر بر این است که مراکز آموزشی ما چه چیزهایی لازم دارند.

نکته بعدی این است که بیشتر ناشرانی که این کتابها را تولید می‌کنند، تولیدگر خلاق نیستند، بلکه منتظرند ببینند متخصصین چه طرحهایی برایشان می‌آورند. اگر روزی سازمان پژوهش طبق قول خودش طی برنامه‌های سوم و چهارم، «برنامه محور» عمل کند نه «کتاب محور» (ولی تا به حال به آن عمل نشده)، کار عوض خواهد شد. در آن صورت مراکز آموزشی پاسخ‌گوی برنامه هستند، نه کتاب درسی. به این ترتیب نقش ناشران عوض می‌شود.

بعضی از

ناشران خیلی توجه

نمی‌کنند که ما چه طرحها

و مصوبه‌هایی را برنامه‌ریزی

کرده‌ایم. توجه آنها بیشتر بر این

است که مراکز آموزشی ما

چه چیزهایی لازم دارند



همتی: من از طرف دفتر کمک آموزشی موظفم که با همکاری دوستان طرحی به عنوان ارتباط با ناشران را در سال آینده دنبال کنیم؛ با الگوی راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی، پیشنهاد مشخص من روی راهنمای غیرمصوب «ایران شناسی» به عنوان یک برنامه ملی و دینی است. امکان دارد، به منظور تبیین این دو برنامه برای ناشرانی که علاقه مند هستند کارگاههای آموزشی طراحی شود، رویکردهایی را تبیین کنیم و فضایی به وجود بیاوریم که عدهای تشویق شوند به این سمت بروند. ادبیات این کار را هم منتشر می کنیم و در اختیار ناشران می گذاریم. از سوی دیگر می توانیم کتابهایی را به عنوان منبع و مرجع مشخص کنیم که همین الگو را دنبال می کنند. امیدوارم با همکاری دوستان بتوانیم در مرحله تبیین این طرح هم گامهای تازه ای برداریم.

اکرمی: امیدواریم که این کار عملی بشود. در هر حال گفت و گو و بحث و نشست، پשתوانه های نظری این راهکارهاست و بدون طرح مسئله از دشواریهای موجود، آن هم با تنوع دیدگاهها و ایجاد چالشهای نظری، امکان دستیابی مطلوب به این فرایندها امکان پذیر نیست. از دوستان میهمان صمیمانه تشکر می کنم.





آرایه‌ها در قالب تصویر

● گزارش از: یاسمن محمودی

«آرایه‌های ادبی به زبان تصویر»، برگزیده جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، و طرح برگزیده اولین همایش ملی نوآوری آموزشی است که لوح تقدیر و جایزه مجامع علمی-ادبی کشور و دیپلم عالی انتخاب از مجامع مبتکرین را در کارنامه کاری خود دارد.

نقش آرایه‌های ادبی و نحوه آموزش آن‌ها، نشانه‌ها، نقش تصویر در آموزش و... از مطالب بخش نخست کتاب هستند و در ادامه بخش تصویری و قالب‌های شعر فارسی ارائه شده است. کتاب با بیش از ۱۷۰۰ تمرین و نمونه سؤال، برای دانش‌آموزان دبیرستان و پیش‌دانشگاهی همه رشته‌ها، دانشجویان و دبیران ادبیات و هنر همراه است.

با آقای سعید همایونفر، نویسنده کتاب گفت‌وگویی داشته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

● آقای همایونفر شما از چه زمانی وارد عرصه آموزش و تألیف شدید؟

○ از زمانی که شاگرد دوره دبستان بودم، به نوشتن و مطالعه علاقه داشتم. بعد از گرفتن مدرک لیسانس ادبیات فارسی، به تدریس در مدارس و آموزشگاه‌ها مشغول شدم. به ترجمه هم علاقه زیادی دارم و همیشه سعی داشته‌ام با مسائل روز و فناوری اطلاعات IT همراه باشم. آشنایی با فناوری برای تمام افراد، به‌خصوص کسانی که با آموزش سروکار دارند، الزامی است. چرا که در دنیای امروز نیاز است سرعت آموزش را بالا ببریم. «عروض و قافیه»، «کتاب دوم و سوم»، «درس آزمون»، «متون نظم و نثر» و «ده استاد» از دیگر تألیف‌های من است.

● طراحی تصویرهای کتاب با چه کسی بوده است؟

○ طراحی تصویرهایی را که برای آرایه‌ها استفاده می‌کرده‌ام خودم انجام داده‌ام، اما گاهی



چیدمان عکس‌ها را افرادی چون تصویرگر و گرافیکست انجام داده‌اند. ناگفته نماند زمان زیادی را صرف کردم تا برای آرایه‌های گوناگون تصویر مناسب و مرتبط پیدا کنم.

اوایل کتاب به این شکل نبود. تصویرها و متن را در قالب روزنامه تنظیم کرده بودم و به همین شکل

برای استان‌های کشور می‌فرستادم. در ابتدای کار تمام هزینه‌ها به عهده خودم بود. بعدها از طرف آموزش و پرورش و خانه هنرمندان حمایت شدم. با این حمایت‌ها کتاب چاپ شد و به استان‌ها سفر کردم تا محتوای کتاب را به مخاطبان توضیح و آموزش بدهم. خوش‌بختانه معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان و حتی استادان دانشگاه از روش آموزش تصویری کتاب بسیار استقبال کردند.

از طرف دیگر، چون با دانشگاه «ادینبورگ» که مرکز ادبی جهان است در ارتباط بودم، پیشنهادات زیادی مبنی بر آن که کتاب دو زبانه شود، داشتم. چون در کشورهای دیگر هم آرایه‌های ادبی وجود دارند، و من به آموزش تصویری آن اعتقاد دارم، سعی می‌کنم کتاب را به صورت دو زبانه هم چاپ کنیم.

● محتوای کتاب آرایه‌های ادبی به زبان تصویر چه اندازه با کتاب درسی هم‌پوشانی

دارد؟

○ تمامی مطالبی که در کتاب درسی آمده است، در کتاب آرایه‌های ادبی هم وجود دارد. چه بسا تمرین‌های این کتاب چند برابر کتاب درسی است.

● نقطه قوت کتاب را در چه می‌بینید؟

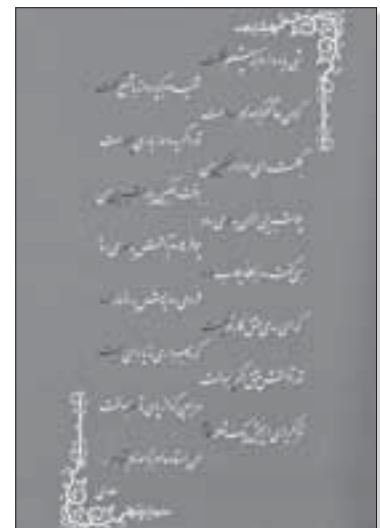
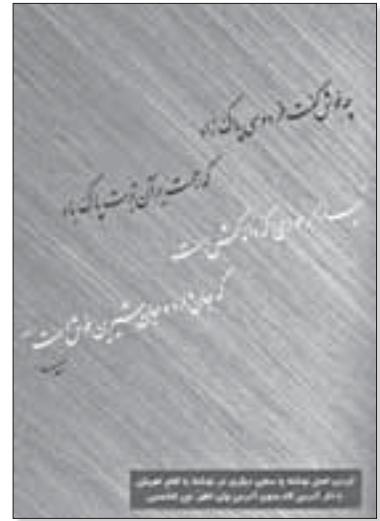
○ همه انسان‌ها حافظه کوتاه مدت و بلند مدت دارند و چون کتاب با تصویر همراه است، تصویری بودن مطالب در حافظه بلند مدت جای می‌گیرد و یا بر جا می‌ماند. کتاب تصویری ذهن فراگیرنده را درگیر می‌کند. شاید شنیده باشید که می‌گویند وقتی مطلبی را در کلاس درس به دانش‌آموزی بگوییم، از کلاس که بیرون برود، از ذهنش پاک می‌شود. اما اگر با مطلب درگیر شود، در ذهنش ماندگار می‌شود. این جمله را همیشه گفته‌ام و می‌گویم: «تصویر، ماندگاری را در ذهن انسان بالا می‌برد».

● شما چه اندازه با جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد آشنایی دارید؟

○ جشنواره رشد را از طریق ناشرانی که با آن‌ها کار می‌کنم، شناختم.

● انتظار شما از جشنواره سامان بخشی کتاب‌های آموزشی چیست؟

○ دانش‌آموزان ما نیاز دارند که نوآوری را بشناسند و با آن سرو کار داشته باشند.



بعضی از کتاب‌هایی که در این جشنواره‌ها انتخاب می‌شوند، نوآوری ندارند. باید نوآوری را در کتاب‌هایمان بیشتر کنیم. برای مثال اگر من معلم، زبان‌شناسی را خوب بشناسم و آن را خوب به دانش‌آموزان انتقال دهم، به این ترتیب رشد ما در سطح جهان بیشتر می‌شود. اگر جشنواره رشد به نوآوری و به روز بودن کتاب‌ها بیشتر اهمیت دهد، سبب رشد و پیشرفت فرزندانمان می‌شود.

● در آینده، برای کتاب‌هایی که در جشنواره انتخاب می‌شوند، چه انتظاری دارید؟

○ کتاب منتخب را باید برای تمام استان‌ها بفرستند تا شناخته شود. این امر به نوعی به نفع مؤلف هم هست و او را دلگرم می‌کند.

● ناشران تا چه اندازه در تألیف کتاب‌ها دخیل هستند؟

○ ناشران ما به اندازه‌ای دانش ندارند که در این امر دخیل باشند. آن‌ها بیشتر از زاویه تجارت به این کار نگاه می‌کنند. ناشران رویکرد آموزشی ندارند.

اوایل که قرار بود کتابم را چاپ کنم، مؤسسه‌ای پیشنهاد کرد کتابم را چاپ کند، به شرط آن که تغییراتی کند تا درامدزا هم باشد. خواستند با اضافه کردن تعدادی تست به کتاب، آن را درامدزا کنند. اما من قبول نکردم، چرا که بعد آموزشی را در نظر داشتم، نه درامدزایی را.

● دفتر سامان‌بخشی تا چه اندازه در عمل می‌تواند به سامان‌بخشی کتاب‌های کمک آموزشی کمک کند؟

○ مسلماً دفتر نمی‌تواند در کار ناشران بیرون دخالت کند، اما می‌تواند روشی اتخاذ کند تا گروه‌هایی که شایستگی دارند، در جشنواره حضور پیدا کنند و چارچوبی را برای کتاب‌ها تعیین کند تا بهترین‌ها انتخاب شوند.

● طبق مصوبه آموزش و پرورش، قرار است هر کتاب آموزشی و کمک آموزشی که به کتاب‌خانه مدارس راه پیدا می‌کند، باید از حداقل استانداردهای دفتر سامان‌بخشی برخوردار باشند. نظر شما درباره این طرح چیست؟

○ به نظر من بسیار مفید و کارآمد است، چرا که بار علمی کتاب‌خانه‌های مدارس را بالا می‌برد.



نکته‌هایی درباره‌ی کتاب‌های غیردرسی و سایر
خواندنی‌های مناسب برای اولی‌ها

این ۲۰ نکته را دریابید!



● مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی، لیلا سلیقه‌دار

اشاره

به‌تازگی از سوی «نشر امروز» در تهران کتابی منتشر شده است که «راهنمای ورود به اول دبستان» نام دارد. مؤلفان این کتاب برای پدران و مادران دانش‌آموزان کلاس اول دبستان ۲۲۲ نکته کاربردی ارائه داده‌اند که می‌تواند در مراحل گوناگون دوران تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان این پایه، پدران و مادران را یاری رساند. در بخشی از این کتاب با عنوان «من یار مهربانم!» مؤلفان درباره‌ی کتاب‌های غیردرسی و سایر خواندنی‌های مناسب برای پایه‌ی اولی‌ها، توصیه‌هایی را یادآور شده‌اند. به سبب اهمیت این نکته‌ها، «رشد جوانه» درصدد چاپ آن‌ها برآمد. مؤلفان کتاب مذکور، ضمن پذیرش موضوع، نکات یاد شده را با شرح و بسط افزون‌تری، دگرباره مورد بازنگری قرار دادند و در مجموع ۲۰ نکته به‌طور اختصاصی برای انتشار در «رشد جوانه» باز تألیف کردند. این ۲۰ نکته را که می‌تواند مورد استفاده‌ی اولیای دانش‌آموزان سایر پایه‌ها نیز واقع شود، در پی می‌آوریم.

۱. در دنیای امروز، یادگیری به کتاب‌های درسی و مدرسه محدود نمی‌شود. از همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی سنین انتظار می‌رود، به دنبال دانستن و دانش‌افزایی باشند و هیچ‌گاه خود را با یادگیری غریبه احساس نکنند. در فرایند تربیت هم، از والدین خواسته می‌شود تا در خانه فضایی به‌وجود آورند که در آن میل به یادگیری وجود داشته باشد. کتاب یکی از بهترین ابزارهای ایجاد جو یادگیری در خانواده است. حضور کتاب در خانه، نشانه‌ای از تمایل اعضای خانواده به یادگیری مستمر است. اگر می‌خواهید فرزندان کتاب بخواند و به اصطلاح کتاب‌خوان شود، خودتان هم کتاب بخوانید و با کتاب مأنوس باشید. منطقی نیست که از فرزندان بخواهید کتاب‌خوان و درس‌خوان باشد، اما خود از کتاب و یادگیری فاصله بگیرید.

۲. کتاب‌های درسی هر قدر هم که در آموزش مؤثر باشند، از محدودیت‌هایی برخوردارند؛ از

جمله، مطالب آن‌ها جنبه رسمی دارند، تفاوت‌های فردی کودکان را لحاظ نمی‌کنند و پاسخ‌گوی همه نیازهای کودکان نیستند. به این ترتیب، ضرورت‌های زیادی برای مطالعه کتاب‌های غیردرسی یا آزاد به وجود می‌آید. اگر شرایط و معیارهای لازم در تهیه این نوع کتاب‌ها رعایت شده باشد، بهترین منبع برای تحریک کنجکاوی و گسترش دایره تفکر کودکان هستند و به ایجاد و تقویت عادت مطالعه در آنان کمک خواهند کرد. به‌طور معمول، کودکان هم از آموزش‌های غیررسمی استقبال می‌کنند، چراکه در این مورد حق انتخاب بیشتری دارند.

۳. انتخاب کتاب برای کودک، آن گونه که به نظر می‌رسد، همیشه کار راحتی نیست. این کار مهارتی است که باید آموخته شود و مبتنی بر تجربه است. برای انتخاب کتاب مناسب کودکان، باید از یک طرف کودک و از طرف دیگر کتاب‌ها را شناخت. خوب است علاوه بر افزایش تجارب فردی، برای انتخاب کتاب با روان‌شناس کودک، کارشناس آموزش و پرورش، معلمان، والدینی که تجارب مؤثری دارند و افراد دیگری که اهل مطالعه هستند، مشورت کنید.

۴. چگونه می‌توانید کتاب مناسبی برای فرزندان انتخاب کنید؟ اگرچه پاسخ به این سؤال چندان راحت نیست، اما توجه به این ملاک‌ها می‌تواند راه‌گشا باشد:

- شناخت گروه سنی؛
- ویژگی‌های مربوط به نویسنده و ناشر؛
- تناسب محتوای کتاب؛
- جاذبه‌های هنری و تصویری کتاب.

در ادامه هر یک از موارد توضیح داده خواهند شد.

۵. در مورد معرفی گروه سنی مخاطب اثر، همه ناشران کتاب‌های کودک و نوجوان در ایران از رویه مشخصی تبعیت نمی‌کنند. بعضی از ناشران در کتاب به گروه سنی اشاره نمی‌کنند و انتخاب را به مخاطب وامی‌گذارند. تعدادی هم با عنوانی کلی مانند «کودک»، «پیش‌دستانی» و...، گروه سنی را مشخص می‌کنند. گروهی از ناشران در تعیین گروه سنی از نظام طبقه‌بندی رایج شده توسط «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» استفاده می‌کنند. این نظام طبقه‌بندی سال‌هاست که به‌وسیله کانون مورد استفاده قرار می‌گیرد و به‌طور معمول پشت جلد کتاب‌های کانون هم به این صورت درج می‌شود: «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای مخاطب‌های زیر کتاب منتشر می‌کند:

۱. گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان

گروه الف: آمادگی و سال اول دبستان

گروه ب: سال‌های دوم و سوم دبستان

گروه ج: سال‌های چهارم و پنجم دبستان

گروه د: دوره راهنمایی

گروه هـ: سال‌های دبیرستان

۲. اولیای تربیتی کودکان و نوجوانان.»

۶. اگرچه برای کلاس اولی‌ها کتاب‌های گروه سنی الف مناسب هستند، اما خوب است به سه نکته هم توجه کنید:

اول: تعدادی از کتاب‌ها به صورت مشترک، برای گروه‌های الف و ب چاپ می‌شوند. در کتاب‌هایی که گروه‌بندی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را رعایت کرده‌اند، این نکته نوشته می‌شود.

دوم: بیشتر کتاب‌های گروه سنی ب برای گروه سنی الف هم قابل درک و فهم است، چراکه اگر نوشته‌ای هم داشته باشند، والدین برای فرزندانشان می‌خوانند.

سوم: علاوه بر گروه سنی مشخص شده، توانایی کودک نیز در انتخاب گزینه مناسب مهم است. کودکانی که زیاد با کتاب مانوس بوده‌اند یا از استعداد و علاقه بیشتری برخوردارند، می‌توانند با کتاب‌های گروه سنی بالاتر نیز ارتباط برقرار کنند. والدین باید مراقب باشند در این مورد منطقی و به دور از افراط رفتار کنند.

۷. کتاب خوب را می‌توان از طریق نویسنده و ناشر آن هم شناخت. نویسندگان و مترجمان معتبری در حوزه کتاب‌های کودکان وجود دارند که اگر کمی با حوصله و پی‌گیر باشید، می‌توانید آن‌ها را بشناسید و آثارشان را بیابید. نویسندگان و مترجمان شاخص، به‌طور معمول اثر خود را به هر ناشری نمی‌دهند.

خوش‌بختانه در دو دهه گذشته، در ایران ناشران فعالی در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان پا به عرصه گذاشته‌اند که به تدریج بر اعتبار خود افزوده و توانسته‌اند اعتماد مخاطبان را جلب کنند. این ناشران آثار پرشماری در زمینه کودک و نوجوان دارند و تنوع موضوعات آن‌ها هم قابل توجه است. اگرچه در این‌جا نمی‌توانیم اسامی نویسندگان، مترجمان و ناشران معتبر و قابل اطمینان را بیاوریم، اما شناخت آن‌ها هم کار چندان سختی نیست؛ به‌ویژه اگر به همه ملاک‌های انتخاب کتاب، با هم توجه کنید.

۸. محتوای کتاب باید با گروه سنی مورد نظر متناسب باشد. برای گروه‌های سنی الف و ب، رعایت تناسب به معنای آن است که مطالب کتاب:

● کنجکاوی کودکان را برانگیزد.

- دارای موضوع‌های هیجان‌انگیز باشد.
- به صورت منظم بیان شود و ابتدا تا انتهای آن از نظم منطقی برخوردار باشد.
- با تصاویر هم‌خوان و هماهنگ باشد.
- با حروف درست و خوانا چاپ شده باشد.

۹. جاذبه‌های هنری و تصویری نیز، عامل مهمی در انتخاب کتاب محسوب می‌شود. شایسته است کتاب کودک:

- دارای تصاویر زنده، گیرا و زیبا باشد.
- به ویژگی‌های فرهنگی مخاطب در تصویرسازی و طراحی توجه کند.
- با کاغذ خوب به چاپ برسد و کیفیت چاپ آن نیز مناسب باشد.
- از صحافی مطلوب و متناسب با حجم کتاب برخوردار باشد.

۱۰. امروزه انواع کتاب‌های جالب و جذاب برای کودکان چاپ می‌شوند. شاید اشاره به همه آنها ممکن نباشد، اما به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

● کتاب‌های دانش‌نامه یا دایرةالمعارف که مجموعه‌ای از اطلاعات جالب را به کودکان ارائه می‌دهند.

● کتاب‌های مجموعه‌سازی شده که به‌طور معمول با یک یا چند شخصیت ثابت، در قالب مجلدات متعدد به موضوعات متنوع می‌پردازند.

اگر می‌خواهید مطالعه را برای فرزندان به صورت عادت درآورید، خوب است کتاب‌های جالب و جذاب را هم بشناسید. فراموش نکنید کتاب جذاب فقط کتابی نیست که چاپ آن رنگی باشد. با توجه به این که چنین کتاب‌هایی به‌طور معمول قیمت بالایی دارند، در انتخاب آنها، هم به محتوا و هم به علائق فرزندان توجه کنید.

۱۱. شما می‌توانید کتاب را برحسب نیازهای گوناگون فرزندان انتخاب کنید. در فرایند تربیت با مسائلی مواجه می‌شوید که کتاب‌ها می‌توانند به حل آنها کمک کنند. به اعتقاد متخصصان، کتاب‌ها گاهی ارزش درمانی دارند و در حل تعارض‌ها و مشکلات روان‌شناختی مؤثر واقع می‌شوند. به این ترتیب، اگر شناخت درستی از نیازهای فرزندان داشته باشید، می‌توانید کتاب مناسبی هم برای او انتخاب کنید. علاوه بر این، امروزه کتاب‌های زیادی با محور قرار دادن مهارت‌های زندگی یا مشکلات رفتاری، مسائل کودکان و نوجوانان را در قالب‌های جذابی مطرح می‌کنند.

راهنمای زیر شما را یاری می‌رساند که متناسب با نیاز فرزندان، کتاب انتخاب کنید. در این راهنما، ابتدا عنوان نیازی که فکر می‌کنید باید ارضا شود، ذکر و سپس موضوع‌های مربوط به آن

پیشنهاد شده است:

- **برای تأمین عاطفی:** سرگذشت افراد، دوستان وفادار، مسائل خانوادگی، شجاعت و شهامت، و عقاید و افکار اخلاقی.
- **برای وابستگی یا تعلق خاطر:** خانواده، مدرسه، اجتماع، وفاداری و محیط زندگی.
- **برای محبت متقابل (دوست داشتن و دوست داشته شدن):** خانواده، زندگی حیوانات، سرگذشت افراد، سرزمین‌ها و مردم دیگر، قهرمانان، علوم، حوادث و داستان‌های حقیقی علمی.
- **برای نیازهای شناختی:** سرگذشت افراد، علوم، سرزمین‌ها و مردم دیگر، انواع هنرهای زیبا، تاریخ، فولکلور و فرهنگ عامه.
- **برای زیبایی دوستی:** شعر، هنرهای زیبا، افسانه‌ها و شاهکارهای ادبی.

۱۲. کتاب‌هایی که برای فرزندان تهیه می‌کنید، می‌تواند شامل انواع داستان‌ها، مطالب علمی، آموزش ارزش‌ها یا مهارت‌های زندگی باشد. اما بین آن‌ها، کتاب‌های شعر را هم فراموش نکنید. شعرهای زیبا، جذاب و مناسب، با نیازها و علائق کودکان هماهنگ هستند و در جنبه‌های گوناگون می‌توانند به آنان کمک کنند.

۱۳. خوب است فرزندان دو سه کتاب مرجع هم در کتاب‌خانه‌اش داشته باشد. این کتاب‌ها که با عنوان دانش‌نامه، دایرةالمعارف و فرهنگ چاپ می‌شوند، شامل مجموعه‌ای از اطلاعات متنوع دربارهٔ یک یا چند موضوع هستند. این کتاب‌ها را بر مبنای علاقهٔ فرزندان انتخاب کنید. شما براساس شناختی که از فرزندان دارید، می‌توانید علاقه‌مندی‌هایش را تشخیص دهید و به‌هنگام خرید کتاب، او را برای انتخاب مناسب یاری رسانید. این گونه کتاب‌ها فرصت بسیار مناسبی به‌دست می‌دهند تا همراه فرزندان کتاب بخوانید و مهم‌تر از آن، با او به بحث و چالش دربارهٔ یک موضوع بپردازید.

۱۴. از خرید کتاب‌های کم‌ارزش و متفرقه بپرهیزید. گاهی کتاب‌هایی عرضه می‌شوند که از حداقل ویژگی‌های کتاب مناسب، چه از نظر محتوا و چه از نظر امور هنری و تصویری برخوردار نیستند. این گونه کتاب‌ها به‌طور معمول در جاهایی فروخته می‌شوند که مکان اصلی و تخصصی فروش کتاب نیستند. از یک کیوسک روزنامه‌فروشی قصد خرید روزنامه یا مجله‌ای را دارید که فرزندان هم کتابی را می‌بینند و از شما می‌خواهد آن را بخرید. این موقعیت از مواردی است که پیشنهاد می‌شود در برابر درخواست فرزندان مقاومت کنید. به آرامی به او توضیح دهید که کتاب را مناسب نمی‌دانید.

کتاب‌هایی با قطع غیرعادی و بسیار بزرگ، کتاب‌هایی براساس داستان‌ها و متل‌های معروف

و کتاب‌های بی‌ارزش و متفرقه، معمولاً توسط افراد غیرمتخصص نوشته یا ترجمه می‌شوند. این کتاب‌ها به وسیله ناشران غیرمعتبر به چاپ می‌رسند و مبنای اصلی انتشار آن‌ها فرصت‌طلبی و سودجویی است. چنین کتاب‌هایی نیازهای آنی و لحظه‌ای کودکان را محور قرار می‌دهند تا موجب جلب توجه آنان شوند. کتاب‌هایی که با قطع غیرعادی و بسیار بزرگ چاپ می‌شوند. آن‌هایی که داستان‌های معروف ایرانی و خارجی را اساس قرار می‌دهند و به صورت تحریف‌شده به چاپ می‌رسند و کتاب‌هایی که مثل‌ها را با محتوا و تصاویر ناشیانه عرضه می‌کنند، نمونه‌هایی از کتاب‌های کم‌ارزش هستند.

۱۵. شاید این سؤال در آغاز مطلب پاسخ داده می‌شد که: «بهتر است انتخاب کتاب توسط چه کسی صورت گیرد: کودک یا والدین؟» به نظر می‌رسد با مطالعه نکات قبلی، بهتر بتوانید به این سؤال پاسخ بدهید.

مانند بسیاری از امور دیگر، والدین مبنای انتخاب کتاب برای کودک هستند. اگرچه توجه به علائق کودک در حد مقدور لازم است، اما این والدین هستند که می‌توانند تشخیص دهند فرزندشان چه نیازی دارد و خواندن چه مطالبی برای او مناسب است. البته توان مالی و امکانات والدین نیز عاملی مؤثر در این موضوع است. بنابراین توصیه می‌شود:

- کتاب‌های غیردرسی و آزاد را با دقت و براساس شناخت انتخاب کنید.
- تا حد مقدور، قبل از آن که کتابی را در اختیار فرزندتان قرار بدهید، خودتان آن را بخوانید.
- اگر با فرزندتان برای خرید کتاب می‌روید، با حوصله و آرامش او را هدایت کنید تا هم به علاقه‌مندی‌هایش برسد و هم به خواسته‌های شما عمل کند.
- خرید یا خواندن کتابی را به فرزندتان تحمیل نکنید.
- سعی کنید خاطره‌های خوب و خوشی از گردش در کتاب‌فروشی‌ها و انتخاب کتاب به یادش بماند.

۱۶. حتی اگر توان مالی مناسبی دارید، از خرید کتاب‌های متنوع و متعدد و پر کردن فضای زندگی فرزندتان با کتاب اجتناب کنید. فراموش نکنید هرچیز که از حد و اندازه گذشت، باعث اشباع و دزدگی می‌شود. شرایطی پیش نیاورید که کتاب در منزل شما در زمره لوازم تزئینی و دکوری قرار بگیرد؛ یعنی کتاب باشد اما کسی از آن استفاده نکند! اجازه دهید روند آشنایی با کتاب و کسب علاقه به کتاب‌خوانی، برای فرزندتان با آرامش و تدریج پیش برود.

والدینی که در مورد خرید و خواندن کتاب ناشیانه عمل می‌کنند، با ایجاد موجی یکطرفه، فضایی خسته‌کننده و غیرقابل تحمل برای فرزندشان به‌وجود می‌آورند.

۱۷. دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۸۰ با اجرای

طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، تلاش کرده است با تعیین ملاک‌ها و استانداردهای مشخص برای کتاب، به معرفی کتاب‌های مناسب نیز بپردازد. به این منظور، این دفتر هر ساله کارهای متعددی را انجام می‌دهد و سال به سال بر کیفیت این کارها می‌افزاید؛ از جمله:

● تمامی کتاب‌های منتشر شده در طول یک سال در حوزه‌های گوناگون را جمع‌آوری می‌کند و توسط کارشناسان مورد بررسی قرار می‌دهد. بسیاری از کتاب‌ها به دلیل مناسب نبودن برای دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها کنار گذاشته می‌شوند. برای کتاب‌هایی که باقی می‌مانند، سه اتفاق زیر رخ می‌دهد:

○ تعداد قابل توجهی از این کتاب‌ها با اطلاعات کتاب‌شناختی کامل و عکس کوچکی از روی جلد کتاب، همراه با نمایه‌های گوناگونی که امکان جست‌وجو و کارهای تحقیقاتی را میسر می‌سازد، در کتاب‌هایی به نام «کتاب‌نامه‌های رشد» به تفکیک دوره‌های تحصیلی منتشر می‌شود و در اختیار عموم قرار می‌گیرد. به مراجعه به این کتاب‌نامه‌ها می‌توان با کتاب‌های مناسب فراوانی آشنا شد.^۱

○ تعدادی از این کتاب‌ها که از ویژگی‌های ممتازتری برخوردارند، در پایان کتاب‌های درسی دانش‌آموزان معرفی می‌شوند. بنابراین شما می‌توانید با مراجعه به صفحات انتهایی کتاب‌های درسی فرزندان خود، با این قبیل کتاب‌ها آشنا شوید.

○ هر ساله جشنواره‌ای با نام «جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد» برگزار و به برترین کتاب‌های حوزه‌های گوناگون جوایز و تقدیرنامه‌هایی اعطا می‌شود. بدیهی است کتابی که به این رتبه می‌رسد، حتماً قبلاً در کتاب‌نامه معرفی شده است.

ستاد طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، تاکنون حدود ۴۰ سند در قالب کتابچه‌های مستقل منتشر کرده که در آن‌ها استانداردهای تولید کتاب‌های آموزشی برای موضوعات متفاوت آمده است. نویسندگان و ناشران تولیدکننده آثار ویژه کودکان و نوجوانان می‌توانند با مراجعه به این اسناد، کتاب‌های باکیفیت‌تری تولید کنند.

● در بخش **سامان کتاب** «پایگاه اطلاع‌رسانی رشد» به نشانی www.Roshdmag.ir می‌توان با آخرین اطلاعات مربوط به کتاب‌های آموزشی، از قبیل معرفی جدیدترین کتاب‌های آموزشی مناسب، کتاب‌های برگزیده، اسناد و مدارک مربوط به تولید کتاب‌های آموزشی و برخی نکته‌های خواندنی دیگر آشنا شد.

۱۸. قصه‌گویی از کارهایی است که در جلب علاقه کودکان در مطالعه بسیار مؤثر است. بسیاری از والدین از همان ماه‌ها و حتی هفته‌های اول تولد فرزندشان، قصه‌گویی برای او را آغاز می‌کنند. چند منبع برای یافتن قصه وجود دارد:

- افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی که به صورت مکتوب یا شفاهی در دسترس هستند.
- قصه‌سازی که جنبه شخصی دارد.

- داستان‌هایی که منبع آن‌ها کتاب‌های امروزی هستند.
- خوش‌بختانه کتاب‌هایی به بازار کتاب آمده‌اند که کار والدین را دریافتن قصه‌های مناسب راحت‌تر کرده‌اند. کتاب‌هایی با عنوان قصه‌های شب، قصه‌های ماهانه، ۳۶۵ قصه و... شامل مجموعه‌های متنوعی از قصه‌ها هستند. در انتخاب این کتاب‌ها، به ملاک‌های انتخاب کتاب توجه داشته باشید.

۱۹. علاوه بر کتاب‌ها، مجله‌های خواندنی و جذابی نیز برای کودکان چاپ می‌شوند. معروف‌ترین مجلات مناسب کودکان که در مدارس نیز توزیع می‌شوند، مجلات **رشد** هستند. این مجلات توسط «دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی» وزارت آموزش و پرورش تهیه می‌شوند. در هر سال تحصیلی، هشت شماره (از مهر تا اردیبهشت) از مجلات رشد به چاپ می‌رسد. برای دوره دبستان مجلات زیر چاپ می‌شوند:

- **رشد کودک:** ویژه آمادگی و پایه اول دبستان
 - **رشد نوآموز:** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبستان
 - **رشد دانش‌آموز:** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دبستان.
- برای آشنایی بیشتر با مجلات رشد و کسب اطلاعات می‌توانید به پایگاه اطلاع‌رسانی www.Roshdmag.ir مراجعه کنید.

مجله‌های دیگری چون: **دوست، سروش کودکان، سلام بچه‌ها، کیهان بچه‌ها** و غیره نیز برای کودکان چاپ می‌شوند که آن‌ها را می‌توانید از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی بخواهید. بعضی از روزنامه‌ها هم در روزهای خاصی از هفته، ویژه‌نامه‌ای برای کودکان چاپ می‌کنند.

۲۰. امروزه منابع الکترونیکی متعددی در قالب لوح‌های فشرده و سایت‌های اینترنتی برای مطالعه وجود دارند. این منابع بسیار رو به گسترش هستند، به حدی که به اعتقادی عده‌ای از کارشناسان می‌توانند در آینده تهدیدی برای منابع مکتوب و نوشتاری باشند. رایانه‌ها در ادامه روند تحولی خود، اینک به جایی رسیده‌اند که خواندن کتاب را هم در آستانه تحولی شگرف قرار داده‌اند. «Tablet»‌ها که هنوز در آغاز راه‌اند، می‌توانند تأثیرات مثبت یا منفی روی خواندن و مطالعه داشته باشند. باید منتظر آینده بود.

◀ پی‌نوشت

۱. سه کتاب قبلی نویسندگان این مقاله شامل «راهنمای ورود به دوره راهنمایی تحصیلی»، «۲۲۲ نکته برای پدران و مادران» و «نوآوری در یادگیری با تکالیف خلاق» (این مجموعه با عنوان کلی راهنمای آموزشی امروز چاپ می‌شود)، در کتاب‌نامه‌های رشد معرفی شده‌اند و مورد تأیید کارشناسان آموزش و پرورش قرار گرفته‌اند.



هفتاد سال فراموش شده

● گفت‌وگو از: فاطمه خرقانیان

توکا ملکی، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد پژوهش هنر و متولد سال ۱۳۵۲ است. نوشتن را با روزنامه‌نگاری حدود ۲۰ سال پیش آغاز کرد. مدتی با «موزه هنرهای معاصر» همکاری داشته است و اکنون در تألیف «دایرةالمعارف هنر» مشارکت دارد. او با ترجمه کتاب‌های «نور در هنر» و «از سیر تا پیاز هنر» به دنیای ترجمه و تألیف کتاب وارد شد.

آخرین اثر وی، «هنر نوگرای ایران»، کتابی است که توجه خود را به هنر معاصر ایران مبذول داشته، و موضوع آن، دوره‌ای مغفول مانده از نگاه نگارندگان محسوب می‌شود. این کتاب در سال ۱۳۹۰ در «جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد» به‌عنوان کتاب برگزیده معرفی شد. آنچه در ادامه می‌آید، مشروح گفت‌وگوی ما با توکا ملکی است که می‌خوانید.

● ایده اولیه نگارش این کتاب چگونه شکل گرفت؟

○ کتاب «هنر نوگرای ایران» با توجه به هنر معاصر شکل گرفته است. واقعیت این است که تاکنون در مورد هنر معاصر ایران، برای بزرگسالان به‌طور مشخصی، کتابی تألیف نشده است. با این که بیش از ۷۰ سال از هنر مدرن و معاصر ایران می‌گذرد، ما هنوز منبع مشخص و کاملی درباره این دوره نداریم؛ البته مقالاتی در این زمینه داریم و یا فصل‌هایی از کتاب‌ها به این موضوع اختصاص داده شده‌اند. با توجه به این که ضرورت داشت این موضوع با بیانی ساده‌تر برای کودکان

و نوجوانان بیان شود، ایده نگارش این کتاب شکل گرفت.

● محتوای این کتاب به طور اجمالی به چه موضوعاتی می پردازد؟

○ این کتاب می گوشت یک دوره ۸۰ - ۷۰ ساله از هنر ایران را معرفی کند. به طور خلاصه در دو فصل به تاریخ هنر ایران، از دوره نقاشی های غار تا دوره قاجار می پردازد که اولین زمینه های آشنایی ایرانیان با پدیده مدرنیسم فراهم می شود؛ به خصوص با تلاش های افرادی نظیر **کمال الملک**، ولی به طور جدی از دهه ۱۳۲۰، با فارغ التحصیل شدن دانشجویان رشته هنر از دانشگاه تهران و از دانشکده های خارج از ایران، جریان های هنر مدرن وارد ایران می شود.

من تلاش کرده ام در کنار بررسی این سیر تاریخی، هم به معرفی هنرمندان شاخص این دوره بپردازم و هم شاخه های مختلف هنرهای تجسمی را شامل نقاشی، مجسمه سازی، گرافیک، تصویرسازی کتاب کودک و عکاسی مورد بررسی قرار دهم.

● مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟

○ فکر اولیه نگارش این کتاب از طرف ناشر مطرح شد. آن زمان تصور می کردیم که می توانیم این کتاب را برای دانش آموزان دوره راهنمایی تنظیم کنیم، ولی هر چه کار پیش رفت، دیدیم متأسفانه پیش ذهن لازم برای درک این موضوع در کودکان این مقطع سنی وجود ندارد. نهایتاً هم براساس باز خوردی که از جامعه گرفتیم، دریافتیم مخاطبان اصلی این کتاب دانش آموزان دوره دبیرستان، دانشجویان رشته هنر و کسانی هستند که می خواهند به طور عمومی با هنرهای تجسمی و هنر مدرن ایران آشنا شوند؛ بدون این که هیچ ذهنیتی درباره هنرهای تجسمی داشته باشند.

● این کتاب چه ارتباطی با نظام آموزشی دارد؟

○ چند سالی است که کتاب های هنر دوره دبیرستان، واقعاً اشاره های خوبی به دوره های گوناگون هنر در ایران دارند و حتی برخی هنرمندان معاصر ایران را معرفی می کنند. ولی حقیقت این است که نمی دانم چه قدر این مطالب درست و دقیق آموزش داده می شوند و چه قدر مباحث برای دانش آموزان باز می شود. بنابراین، اگر معلمی دانش آموزانش را آگاه کرده باشد که چنین دوره های تاریخی و هنرهای وجود دارند، این کتاب قطعاً می تواند به آن ها کمک کند، تصور من این است که حتی گروهی از دانشجویان هنر، هیچ پیش ذهنی درباره هنر ایران ندارند و هنرمندان و سیر هنر را نمی شناسند. بنابراین نمی توان انتظار داشت که دانش آموزان این مسائل را بدانند.

● پس سرفصل های کتاب به نحوی می توانند مکمل کتاب درسی باشند.

○ قطعاً این طور است.

● **فرمودید این کار به سفارش ناشر انجام گرفته است. انگیزه اصلی ناشر چه بوده است؟**
 ○ شاید بتوانم اسمش را سفارش بگذارم. همکاری من با «نشر نظر» این گونه شکل گرفت که آقای **بهمن پور**، مدیر نشر نظر، از تلاش و فعالیت من آگاهی داشت. در ضمن یکی دو کتابی را که ترجمه کرده‌ام، نشر نظر به من پیشنهاد کرده بود. وقتی ضرورت پرداختن به کتاب‌های نظری درباره هنرهای تجسمی شکل گرفت، فکر کردیم که وجود این بخش هم ضروری است. واقعیت این است که اغلب کتاب‌های حوزه هنر برای کودکان و نوجوانان، کتاب‌های آموزشی عملی هنر هستند. مثل چه‌طور رنگ کنیم، چگونه شکل بکشیم، یا چه‌طور با آبرنگ و گواش کار کنیم. جنبه‌های نظری هنر به ندرت معرفی شده‌اند. در واقع نشر نظر با این هدف شروع به ترجمه این کتاب‌ها کرد که پایه و الگویی باشند برای این که در حوزه‌های نظری هنر بتوانیم تألیف داخلی و ایرانی داشته باشیم.

● به نظر شما نقطه قوت این کتاب چیست؟

○ واقعیت این است که در هیچ کدام از رشته‌های هنر دانشگاهی، ما اساساً تاریخ هنر ایران نداریم. اگر مطلبی به عنوان هنر ایران و جهان داریم، مربوط به پیش از اسلام و از دوره اسلامی تا دوره قاجار می‌شود و متأسفانه این کمبود وجود دارد. فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری ما، هنرمندان معاصر جهان و شیوه‌ها و روش‌های جدید هنری در دنیا را به خوبی می‌شناسند، ولی درباره هنر معاصر ایران تقریباً چیزی نمی‌دانند. باز خورد خیلی خوبی که من دیدم، در حقیقت در این بخش بود. نکته جالب دیگر هم این بود که دیدم بچه‌های مدرسه‌ای توانسته‌اند با کتاب ارتباط برقرار کنند و کتاب برایشان خسته کننده نیست.

● آیا برنامه‌ای برای ایجاد برخی تغییرات در کتاب دارید؟

○ از آن جا که پیش‌بینی می‌کردیم به چاپ دوم برسد، من یک دور دیگر آن را باز خوانی کردم و با توجه به نظراتی که از افراد مختلف شنیده بودم، سعی کردم در آن تجدید نظر کنم. اما به این نتیجه رسیدم که شکل کنونی کتاب کفایت می‌کند. نه بخش خیلی مهمی از قلم افتاده و نه لازم است بخشی را حذف کنم. البته این کتاب با این حجم و ابعاد قطعاً نمی‌تواند تمام آدم‌ها و جزئیات این ۷۰ سال را دربرگیرد، ولی ما سعی کرده‌ایم به اصلی‌ترین قسمت‌ها و به عمده‌ترین آدم‌ها بپردازیم و بچه‌ها را کنجکاو کنیم تا خودشان دنبال بقیه مطالب بگردند.

● واقعاً هیچ جای خالی در کتاب دیده نمی‌شود؟

○ بخشی که در کتاب درباره آن کم صحبت شده، هنر ۱۰ سال اخیر ایران است. من در بازخوانی کتاب احساس کردم هنوز برای قضاوت درباره این دوره زود است و شاید هنوز ما در هیجانی



به سر می‌بریم که نمی‌توانیم به درستی قضاوت کنیم. شاید در یکی دو سال آینده برخی افراد اوج بگیرند و برخی فرودی داشته باشند. بنابراین به نظرم می‌آید که شکل فعلی کتاب مناسب است. اما هر یک از بخش‌های کتاب را می‌توان به‌طور جداگانه و مستقل توسعه داد.

● آیا شما به بخش‌های دیگر هنر هم در کتاب پرداخته‌اید یا فقط دربارهٔ هنر تجسمی بحث می‌شود؟

○ نه، فقط هنرهای تجسمی مدنظر بوده است. در بحث‌های تخصصی، کلمهٔ «Art» معادلی برای

هنرهای تجسمی است. بنابراین وقتی ما از هنر نوگرا حرف می‌زنیم، کسی انتظار ندارد دربارهٔ ادبیات یا سینما بحث شود. البته من تلاش کرده‌ام، از طریق اشاره‌های کوچکی، هم‌زمانی ایجاد کنم و مثلاً اتفاقاتی را که در شعر معاصر افتاده و یا تلاش‌های هنرمندان رشته‌های دیگر را گوشزد کنم.

● آیا در کتاب بیشتر به شخص پرداختید یا به موج هنری؟

○ من تلاش کرده‌ام به موج هنر و در واقع جریان‌هایی که اتفاق افتاده‌اند بپردازم و آثار را دوره‌بندی کنم. ولی در عین‌حال در هر بخش یک هنرمند شاخص داشته‌ایم و در مجموع، ما ۹ هنرمند شاخص در رشته‌های گوناگون معرفی کرده‌ایم: در مجسمه‌سازی پرویز تناولی، در گرافیک مرتضی ممیز، در تصویرسازی کتاب‌های کودکان پرویز کلانتری، در نقد و نگارش هنر آیدین آغداشلو، در هنرهای جدید عباس کیارستمی، در هنر انتزاعی بهجت صدر، و در نقاشی از طبیعت سهراب سپهری، به‌عنوان هنرمندان جریان‌ساز معرفی شده‌اند.

● علت انتخاب این افراد چه بوده است؟ قطعاً در هر یک از این رشته‌ها هنرمندان به نام دیگری هم داریم؟

○ این انتخاب‌ها البته بحث‌هایی را میان اهل هنر ایجاد کرد، ولی من هم‌چنان از انتخاب‌هایم دفاع می‌کنم. به نظر من، این آدم‌ها به دلایل متفاوت شاخص بودند: یا به دلیل تأثیرگذاری، یا نقشی که از نظر اجتماعی در توسعهٔ آن شاخصه هنری داشته‌اند، و یا شهرت بین‌المللی آن‌ها که در معرفی هنر ایران به جهان مؤثر بوده است. در زمینهٔ تصویرگری کتاب کودک خیلی تصویرگران دیگر هم کار کرده‌اند، ولی تأکید من روی پرویز کلانتری به این دلیل است که همهٔ ما بچه‌ها

خاطره‌ای از قصه «حسنک کجایی» در کتاب درسی داریم.
البته این الگوی کاری در کتاب ایرانی سابقه ندارد، ولی من در کتاب‌های خارجی معرفی هنر، دیده‌ام که این روال در آن‌ها متداول است.

● وقتی می‌خواستید نوشتن کتاب را آغاز کنید، جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد را می‌شناختید و در جریان مسائلی بودید؟

○ نه. واقعیت این است که من پیش‌تر می‌دانستم که جشنواره کتاب‌های رشد و کتاب‌های کمک آموزشی وجود دارد. ولی با هدف شرکت در آن شروع نکردم. من هیچ ارتباطی به طور مستقیم با دفتر نداشتم و فکر می‌کنم کتابم یا از طرف ناشر معرفی شده و یا توسط دفتر شناسایی شده است. چون من از مراحل کار این‌جا اطلاعی ندارم.

● با برنده شدن در جشنواره، چه امیدی در دل شما شکل می‌گیرد؟

○ نهایت امید من و همکارانم این است که اگر کتابی با هدف آموزشی نوشتیم، وارد نظام آموزش رسمی شود؛ نه مشخصاً به عنوان کتاب درسی، بلکه حداقل برای کمک به نظام آموزشی و کتاب‌های درسی.

● اطلاعات شما درباره جشنواره در چه حدی بود؟

○ قبلاً فقط اسمش را شنیده بودم. البته فکر می‌کنم دو کتاب قبلی من در بررسی کتاب‌ها برای جشنواره انتخاب شده بودند، ولی به مراحل نهایی نرسیده بودند.

● منظورتان این است که کتاب‌هایتان بررسی شده بودند؟

○ فکر می‌کنم، چون در فهرست کتاب‌هایی که معرفی می‌شوند، قرار داشتند.

● یعنی در کتاب‌نامه اسمشان آمده است؟

○ بله.

● اگر کتاب شما جزو کتاب‌های برگزیده باشد، در آینده چه انتظاری از «دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی» و جشنواره خواهید داشت؟

○ من نمی‌توانم مشخصاً از این‌جا درخواستی داشته باشم، ولی فکر می‌کنم ما یک فاصله خالی در بخش آموزش‌های رسمی داریم. الان سال‌هاست که جشنواره فیلم رشد برگزار می‌شود، ولی واقعیت این است که هیچ‌گاه این آثار وارد نظام آموزش رسمی نمی‌شوند. دبیرستان‌ها و مدارس هیچ‌گاه مقید



تصویر چپ: یکی از اعضای هیئت مدیره مدرسه در حال سخنرانی است. تصویر راست: یکی از دانش‌آموزان در حال گوش دادن به سخنرانی است.

نمی‌شوند که این فیلم‌ها را نمایش دهند و این کتاب‌ها را معرفی کنند. نهایتاً جریان به این موضوع بستگی پیدا می‌کند که مدرسه یا معلم چه قدر حساسیت داشته باشند و بخواهند مسائل اضافه‌تری به بچه‌ها یاد بدهند. من فکر می‌کنم مشکل ما این است که این ارتباط قطع است.

به هر حال، نهادهای مثل دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی که زیر مجموعه آموزش و پرورش است، این امکان اجرایی را دارد که تمام کتابخانه‌های آموزش و پرورش را موظف کند کتاب‌های معرفی شده را بخرد یا این کتاب‌ها را به

معلمان پیشنهاد کند. این فاصله خالی باعث می‌شود، نظام آموزش ما به‌خصوص در حیطه هنر، خیلی کمبودها داشته باشد. همیشه کلاس‌های هنر مدارس جزو ساعات خالی محسوب می‌شوند و با وجود این که چند سالی است، کتاب‌های درسی خوبی تألیف شده ولی ظاهراً خیلی جدی گرفته نمی‌شود.

● برای پر شدن این فضای خالی چه اتفاقی باید بیفتد؟

○ هم مسئولان آموزش رسمی باید آموزش ببینند و آدم‌های متخصص و حرفه‌ای به کار گرفته شوند و هم این که مدارس مقید شوند به تهیه کتاب‌ها و به معرفی یک کتاب به‌عنوان کتاب مناسب اکتفا نشود.

● البته می‌دانید که امسال آموزش و پرورش مصوبه‌ای به این شرح داشته است که فقط آن دسته از کتاب‌های کمک آموزشی اجازه ورود به مدارس را دارند که توسط دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی مورد تأیید قرار گرفته باشند.

○ باید ببینیم چه قدر برای مدارس مهم است که کتاب‌های کمک آموزشی را به کار بگیرند. آیا فقط به کتاب درسی اکتفا می‌کنند و یا می‌خواهند مطالب بیشتری به دانش‌آموز بیاموزند؟ البته من به این موضوع خوش‌بین هستم که این تأیید و انتخاب، برای کمک به موضوع باشد و نه نوعی فیلتر کردن.

● دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی کتاب‌ها را فیلتر نمی‌کند. موضوع این است که ما در آموزش و پرورش «برنامه درسی» داریم و کتاب‌هایی که به مدارس راه پیدا می‌کنند، باید با اهداف کتاب درسی هم‌خوانی داشته باشند و برای تکمیل برنامه درسی به کار روند. گاهی بعضی کتاب‌ها با اهداف برنامه درسی هم‌خوانی ندارند و گاهی بعضی کتاب‌ها نه تنها به تکمیل برنامه کمکی نمی‌کنند، بلکه به آن آسیب می‌رسانند. لذا

دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی می‌خواهد با گذاشتن نوعی تبعیض مثبت، به گسترش کتاب‌های مفید کمک کند و بنایی برای دخل تصرف در محتوای کتاب‌ها ندارد. ○ اگر این‌طور باشد، کار خوبی به‌نظر می‌رسد.

● نقش ناشر از نظر شما در تألیف کتاب‌های کمک آموزشی مناسب چه‌قدر است؟
چه‌قدر ناشر می‌تواند در تدوین کتاب خوب دخیل باشد؟

○ به‌نظرم ناشران نقش عمده‌ای دارند، به‌خصوص ناشران خصوصی که هم و غم خود را صرف این زمینه کرده‌اند؛ بدون این‌که انتظار داشته باشند کتاب‌هایشان به کتاب‌های رسمی آموزشی تبدیل شوند. به‌نظرم تلاششان قابل تقدیر است و به حساسیت و تعهد خودشان باز می‌گردد. حتی ممکن است که برایشان بازدهی مالی چندانی نداشته باشد. خوش‌بختانه من این شانس را داشتم که در همکاری با نشر نظر، این حساسیت را ببینم. نشر نظر اعتقاد دارد که ما برای انتشار کتاب‌های تخصصی هنر، به زمینه‌سازی برای گروه سنی پایین‌تر نیاز داریم و به این دلیل چند سالی است که به ترجمه و تألیف این کتاب‌ها روی آورده است. من دیده‌ام که کتاب‌های دیگر این ناشر در جشنواره‌های متفاوت کتاب‌های آموزشی رتبه آورده و معرفی شده‌اند.

● آیا برنامه‌ای هم برای گسترش کارتان دارید؟ چون گفتید هر کدام از بخش‌های این کتاب می‌تواند کتابی مستقل باشد.

○ قطعاً این علاقه از سوی من وجود دارد. اما این‌که چه‌قدر موفق شوم و شرایط زمان اجازه دهد، باید دید که چه پیش می‌آید.







گزارش اختتامیه نهمین جشنواره رشد

قدم‌های محکم در سامان‌دهی منابع آموزشی

● سمانه آزاد

اشاره

نهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد که دی ماه سال جاری به کار خود پایان داد، به بررسی کتاب‌های دوره متوسطه نظری، فنی و حرفه‌ای و کار دانش منتشر شده در سه سال گذشته اختصاص داشت.

در این دوره، از صاحبان ۳۳ اثر برگزیده و ۴۷ اثر تقدیری، به همراه سه ناشر برگزیده، یعنی انتشارات «فاطمی»، «مدرسه برهان» و «مبتکران»، تقدیر شد.

این دوره از جشنواره در حالی به کار خود پایان داد که آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) ابلاغ شده است. محمد ناصری، دبیر جشنواره، تدوین و ابلاغ این آیین‌نامه و همچنین، آیین‌نامه شورای سیاست‌گذاری و آیین‌نامه شورای اجرایی مصوبه را، آغازگر دوره جدید فعالیت‌های مرتبط با کتاب و سایر منابع آموزشی و تربیتی دانست؛ مصوبه‌ای که هدفی یکسان با برگزاری جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد دارد. «جلوگیری از اشاعه آثار نامطلوب و غیر استاندارد در مدارس.»

آغاز دوره جدید فعالیت‌ها

نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، در نخستین روزهای دی ماه ۱۳۹۰ به کار خود پایان داد. پدیدآورندگان، ناشران و دست‌اندرکاران حوزه کتاب‌های آموزشی، در سالن همایش‌های پژوهشکده فرهنگ و هنر و معماری گردهم آمده بودند تا برگزیدگان این دوره از جشنواره را بشناسند. در ابتدای مراسم اختتامیه جشنواره نهم، **محمد ناصری** مدیر کل «دفتر تکنولوژی و انتشارات

کمک آموزشی» و دبیر جشنواره، در سخنانی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «امروز در حالی مراسم پایانی نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد را برگزار می‌کنیم که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ابلاغ شده است. در بندهای گوناگون این سند، بر استفاده از منابع آموزشی متنوع، تأسیس کتاب‌خانه در مدارس و تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری تأکید ویژه شده است. توسعه مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی در انجام امور مربوط به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش، با تأکید بر سیاست تولید بسته‌های آموزشی و سیاست چند تألیفی در کتاب‌های درسی، به عنوان یکی از راهکارهای مهم در سند تحول آموزش و پرورش مدنظر بوده است.

خوش‌بختانه، مجموع فعالیت‌های سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و محتوای مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، کاملاً با راهکارهای مصوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم‌سوست و این معنا، همه ما را در اجرای هر چه بهتر آیین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) بیش از گذشته مصمم می‌سازد که قدم‌های محکم‌تری برداریم.»

ناصری ادامه داد: «به زودی دوره جدید فعالیت‌های مرتبط با کتاب و سایر منابع آموزشی و تربیتی، با تدوین و ابلاغ آیین‌نامه شورای سیاست‌گذاری و آیین‌نامه شورای اجرایی مصوبه ۸۲۸ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شروع خواهد شد. امیدوارم در این دو شورا، نمایندگان و تولیدکنندگان منابع آموزشی و تربیتی در بخش خصوصی، حضوری فعال و پررنگ داشته باشند. خوش‌حالم اعلام کنم که هم‌اکنون بیش از ۱۰ سند و راهنمای تولید کتاب و رسانه‌های گوناگون، برای تصویب به شورای هماهنگی علمی سازمان ارسال شده است و گروه‌های کارشناسی در حال تدوین ۱۰ سند و راهنمای تولید هستند که پس از تصویب، به عنوان استانداردهای تولید منابع آموزشی مکتوب و غیر مکتوب به اطلاع عموم خواهد رسید.»

جشنواره نهم از زبان دبیر جشنواره

محمد ناصری در ادامه سخنانش به ویژگی‌های نهمین جشنواره رشد اشاره کرد و گفت: «با پایان یافتن جشنواره نهم، اولویت اول ما، پی‌گیری مصوبه ۸۲۸ در استان‌ها و معرفی مجموعه فعالیت‌ها



ناصری

و خروجی‌های طرح به معلمان عزیز، به‌عنوان افرادی خواهد بود که مرجعیت آن‌ها در انتخاب کتاب و سایر رسانه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. معرفی کتاب‌های برگزیده و تقدیری جشنواره‌ها در پایان کتاب‌های درسی نیز، جدی‌تر از گذشته پی‌گیری خواهد شد. در این دوره از جشنواره، ۱۳۴۸ اثر در متوسطه نظری در ۱۸ رشته درسی، و ۵۲۹ اثر در فنی‌وحرفه‌ای در ۱۲ رشته درسی و ۳۹ گرایش، جمعاً ۱۸۷۷ کتاب به وسیله ۱۳۷ نفر از داوران مورد قضاوت قرار گرفت.

ناصری با بیان این که گروه داوران عمدتاً متشکل از کارشناسان برنامه درسی و معلمان بوده است، درباره روند داوری آثار گفت: «آثار به صورت چرخشی در اختیار داوران قرار می‌گرفت و نظرات آنان با لحاظ معیارهای مشخصی، در برگه‌های ویژه‌ای ثبت می‌شد. آثاری که حائز بالاترین امتیازها بودند، به مرحله دوم داوری راه یافتند. در مرحله پایانی، داوران ضمن توجه به امتیازهای کتاب‌ها، به بحث و تبادل نظر در باب کیفیت هر اثر پرداختند و سرانجام آثار برگزیده و تقدیری مشخص شدند. همانند جشنواره‌های گذشته، در صورتی که اثری متعلق به داوران بود، از چرخه داوری حذف نشد. دلیل این امر روشن است. پدیدآورندگان کتاب فقط نویسنده و مترجم نیستند و از سهم مهم ناشران محترم نباید غفلت کرد. به همین دلیل در این موارد، ازداور مشاور که جای‌گزین داور صاحب اثر می‌شد، استفاده کردیم.»

کتاب‌پردازان و ناشران؛ مددکاران سازمان پژوهش

در ادامه مراسم اختتامیه نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، فیلمی از فعالیت‌های کتابخانه دبستان «بهاره سلیمی» نیشابور پخش شد و به این ترتیب، خانم ابراهیمی، مدیر مدرسه، نخستین کسی بود که برای فعالیت‌هایش مورد تقدیر قرار گرفت. پس از آن، دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رییس سازمان «پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، به ارائه سخنانی درباره نقش ناشران و دست‌اندرکاران کتاب‌های آموزشی پرداخت و گفت: «نگاه ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به ناشران، مؤلفان و همه کسانی که کتاب‌پردازان آموزشی و کمک آموزشی هستند، نگاه به همکاران صمیمی است. ما آنان را رفیقان راه خود می‌دانیم و به همین دلیل تلاش آن‌ها را گرمی می‌داریم و برای خامه و تلاش آن‌ها ارج قائلیم.

من معتقدم باید به این نکته توجه داشت که کتاب‌پردازان با کتاب‌سازان تفاوت دارند. همان‌طور که در بعضی حوزه‌ها سری‌دوزی وجود دارد، متأسفانه برخی ناشران هم به همین ترتیب عمل می‌کنند. ما امیدواریم با مراقبت و توجه شما و با توجه به مصوبه اخیر شورای عالی آموزش و پرورش، بین ناشرانی که به صورت گزیده کار می‌کنند، با کسانی که کتاب‌سازی می‌کنند، تفاوت قائل شویم.» رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به محقق شدن تغییر و تحول در آموزش و پرورش و همچنین نقش کتاب و کتاب‌خوانی در برنامه درسی ملی اشاره کرد و گفت: «خوش‌حالم بگویم بسیاری از مطالبی که در سال‌های گذشته از آن‌ها صحبت کردیم، امروز با همکاری دوستان

عزیز محقق شده‌اند.

اگر روزی صحبت از تغییر و تحول در آموزش و پرورش بود، امروز خدا را شاکریم که چنین عزمی نه تنها در دستگاه تعلیم و تربیت، بلکه در همهٔ اقشار مردم، به‌ویژه فرهنگیان و فرهنگ‌دوستان، به یک گفتمان عمومی تبدیل شده است.

اگر روزی از نشر با کیفیت کتاب آموزشی و کمک آموزشی صحبت می‌کردیم، امروز به یک هدف در میان ناشران ما تبدیل شده است.

اگر روزی آرزو می‌کردیم که کاش خانواده‌ها کتاب را در سبد خرید خود قرار دهند، امروز می‌بینیم که خانواده‌ها همراه فرزندان خود به کتاب به‌عنوان کالای ضروری نگاه می‌کنند.

هم‌چنین اگر روزی آرزو می‌کردیم که کاش کتاب‌خوانی در برنامهٔ درسی و نظام آموزشی ما جدی گرفته شود، امروز خوش‌حالم بگویم که کتاب و مطالعه در برنامهٔ درسی ملی و سند تحول راهبردی آموزش و پرورش، به‌عنوان یکی از راهبردهای کلان و راهکارهای جدی برای دستیابی به اهداف تحول، پیش‌بینی شده است.»

بسته آموزشی و نقش معلمان در تولید آن

حجت‌الاسلام محمدیان، در ادامهٔ سخنانش به رویکرد برنامهٔ درسی ملی و نقش بستهٔ آموزشی در این برنامه اشاره کرد و گفت: «در رویکرد برنامهٔ درسی ملی، تفکر و تعقل دو عنصر اساسی هستند که ایمان بر پایهٔ آن‌ها شکل می‌گیرد. در محور تفکر و تعقل و ایمان برآمده از آن است که سه سازهٔ مهم علم، عمل و اخلاق سامان‌دهی می‌شود. این پنج عنصر باید در ارتباط با خدا، خلق، خود و خلقت شکوفا شوند. ما برای این مهم، ۱۱ حوزهٔ یادگیری را پیش‌بینی کرده‌ایم که عبارت‌اند از: تفکر و حکمت، معارف اسلامی، زبان و ادبیات پارسی، مطالعات اجتماعی و علوم انسانی، ریاضیات، علوم تجربی، بهداشت و سلامت، تربیت‌بدنی، زبان‌های خارجی، کار و فناوری و آداب و مهارت زندگی.

امسال در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ موفق شدیم بخشی از محتوای آموزشی‌مان

را بر همین منطق باز تولید کنیم. برای مثال، کتاب ریاضی اول دبستان بر همین اساس تغییر کرد. در پایهٔ اول دبستان، کتاب علوم تجربی بعد از تقریباً ۱۵ سال و کتاب‌های فارسی، قرآن و تعلیمات دینی بعد از نزدیک به ۱۱ سال، غنی‌سازی شدند. معلمان پایهٔ اول ابتدایی نیز براساس این اهداف دوره‌های بازآموزی را سپری کردند. هم‌چنین، برای نخستین بار توانستیم در کنار کتاب درسی، بستهٔ آموزشی تولید کنیم. بستهٔ آموزشی مکمل کتاب درسی است که در سال‌های آینده، نه تنها باید پشتیبان کتاب درسی، بلکه بخش لایه‌جای برنامهٔ آموزشی باشد.»

محمدیان به نقش معلمان در تولید این بسته‌ها نیز اشاره کرد و ادامه داد: «سند تحول راهبردی



تکلیف می‌کند که آموزش و پرورش در ارائه محتوای آموزشی، برنامه محور باشد نه کتاب محور. تولید بسته آموزشی نیز بر همین اساس صورت گرفته است که البته معلمان هم باید در تولید این بسته مشارکت داشته باشند و براساس شرایط، محیط، دانش‌آموزان و امکاناتی که در دسترس دارند، بسته آموزشی تولید کنند.

به عبارت دیگر، اگر بسته آموزشی را داخل پرانتز فرض کنیم، یک طرفش بسته است، اما طرف دیگرش باز است و معلمان خودشان می‌توانند دست به تولید بزنند. در راستای همین هدف، انتظار می‌رود دوستانی که در این جلسه حضور دارند و بخشی از جامعه علمی و فکری ما هستند، در تولید محتوای آموزشی و کمک آموزشی مددکار ما باشند.»

حجت‌الاسلام محمدیان در انتها خطاب به پدیدآورندگان و ناشران کتاب‌های کمک آموزشی گفت: «امیدواریم که با همکاری شما بتوانیم محتوای آموزشی رسمی و کمک آموزشی را که تولید بخشی از آن به عهده شماست، براساس سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های عمومی نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور تولید کنیم تا هم بار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سبک‌تر شود و هم سطح کیفیت تولیدات شما ارتقا یابد. امیدواریم به این ترتیب بتوانیم کتاب‌هایی را به معلمان و دانش‌آموزان معرفی کنیم که به چند بار خواندن بیرزند.»

حکایت هم‌چنان باقی است

در آخرین بخش از مراسم اختتامیه نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، همانند سال‌های گذشته، از دو تن از پیشکسوتان حوزه کتاب‌های کمک آموزشی تقدیر شد.

حمیده علمی غروی، پدیدآورنده کتاب‌های کمک آموزشی در حوزه علوم زیستی که تنها مدتی پیش از برگزاری جشنواره چشم از جهان فروبست، مورد تقدیر قرار گرفت. وی در سال ۱۳۰۷ در شهر نجف به دنیا آمد، اما در سال ۱۳۲۳ به ایران بازگشت و به ادامه تحصیل پرداخت. علمی غروی بعد از اخذ لیسانس به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به این ترتیب پرونده ۵۰ ساله خدمات علمی و آموزشی خود را گشود.

نظریه‌ها و مسائل ژنتیک، ژن درمانی، دانش زیست‌شناسی، ژنتیک اصول و مسائل و مفاهیم و مسائل ژنتیک از جمله آثار به‌جای مانده از این فعال حوزه کتاب‌های زیست‌شناسی است.

احمد خواجه‌نصیر طوسی، پدیدآورنده کتاب‌های کمک آموزشی در حوزه شیمی و فیزیک بود که در این دوره از جشنواره مورد تقدیر قرار گرفت. وی متولد ۱۳۰۶ است که کتاب‌هایی هم‌چون «تجوم دینامیکی»، «حل کردن مسئله‌ها در شیمی»، «اتم‌سفر برای نوجوانان»، «پیدایش زندگی» و «فیزیک‌دانان بزرگ» را به جامعه علمی کشور عرضه کرده است. با تقدیر از فعالیت‌های این دو تن و نیز صاحبان آثار برگزیده و تقدیری، پرونده نهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد نیز بسته شد، اما حکایت بررسی کتاب‌های مناسب در دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی هم‌چنان باقی است.

گزارش دبیر جشنواره



ضمن اهدای سلام و عرض ادب به شما سروران گرانمایه، حضور گرم و صمیمی اهالی نشر و کتاب و قلم را در عرصه تعلیم و تربیت خیر مقدم عرض می‌کنم و از همراهی‌تان در تحقق اهداف متعالی آموزش و پرورش کشور عزیزمان سپاس‌گزارم. امروز در حالی مراسم پایانی نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد را برگزار می‌کنیم که «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» همان‌گونه که استحضار دارید ابلاغ شده است.

در بندهای گوناگون این سند بر استفاده از منابع آموزشی متنوع و تأسیس کتابخانه در مدارس و تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری تأکید ویژه شده است. «توسعه مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی در انجام امور مربوط به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش، با تأکید بر سیاست تولید بسته‌های آموزشی و سیاست چند تألیفی در کتاب‌های درسی»، به عنوان یکی از راهکارهای مهم در سند تحول آموزش و پرورش مد نظر بوده است.

خوشبختانه، مجموع فعالیت‌های سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و محتوای مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش کاملاً با راهکارهای مصوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش همسوست و این معنا، همه ما را در اجرای هر چه بهتر آیین‌نامه ساماندهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) بیش از گذشته مصمم می‌سازد که قدم‌های محکم‌تری برداریم.

اکنون دوره جدید فعالیت‌های مرتبط با کتاب و سایر منابع آموزشی و تربیتی، با تدوین و ابلاغ آیین‌نامه شورای سیاست‌گذاری و آیین‌نامه شورای اجرایی مصوبه ۸۲۸ در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» شروع خواهد شد. امیدوارم در این دو شورا، نمایندگان و تولیدکنندگان منابع آموزشی و تربیتی در بخش خصوصی حضوری فعال و پررنگ داشته باشند.

خوش‌حالم اعلام کنم که هم‌اکنون بیش از ۱۰ سند و راهنمای تولید کتاب و

رسانه‌های گوناگون، برای تصویب به شورای هماهنگی علمی سازمان ارسال شده است و گروه‌های کارشناسی در حال تدوین ۱۰ سند و راهنمای تولید هستند که پس از تصویب، به عنوان استانداردهای تولید منابع آموزشی مکتوب و غیر مکتوب به اطلاع عموم خواهد رسید. امیدوارم این امر هرچه سریع‌تر به سرانجام برسد و همگام با تغییر ساختار سازمان و با ایجاد دبیرخانه مرکزی، بتوانیم به مجموعه فعالیت‌ها سر و سامان کارآمدتری بدهیم.

و اما جشنواره نهم:

با پایان یافتن جشنواره نهم اولویت اول ما، پیگیری مصوبه ۸۲۸ در استان‌ها و معرفی مجموعه فعالیت‌ها و خروجی‌های طرح به معلمان عزیز، به عنوان افرادی خواهد بود که مرجعیت آنان در انتخاب کتاب و سایر رسانه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است.

معرفی کتاب‌های برگزیده و تقدیری جشنواره‌ها در پایان کتاب‌های درسی نیز، مطابق با مصوبه ۸۲۸ جدی‌تر از گذشته پیگیری خواهد شد.

نهمین جشنواره کتابهای آموزشی رشد که امروز افتخار میزبانی شما را در مراسم اختتامیه آن داریم، دارای ویژگی‌هایی به این شرح بوده است:

۱. در این جشنواره، ۱۳۴۸ اثر در متوسطه نظری در ۱۸ رشته درسی و ۵۲۹ اثر در فنی و حرفه‌ای در ۱۲ رشته درسی و ۳۹ گرایش، جمعاً ۱۸۷۷ کتاب به وسیله ۱۳۷ نفر از داوران مورد قضاوت قرار گرفت.

۲. چون دآوری محتوای آثار باید بر اساس اهداف و رویکردهای برنامه درسی صورت می‌پذیرفت، لذا گروه داوران، عمدتاً متشکل از کارشناسان برنامه درسی و معلمان باتجربه بود.

۳. در این جشنواره همانند جشنواره هشتم، کتاب‌های مرجع به عنوان بخش مستقلی مورد توجه واقع شدند.

۴. در فرایند دآوری، آثار به صورت چرخشی در اختیار داوران قرار می‌گرفتند و نظرات آنان با لحاظ معیارهای مشخصی، در برگه‌های ویژه‌ای ثبت می‌شد. آثاری که حائز بالاترین امتیازها بودند، به مرحله دوم دآوری راه یافتند. در مرحله پایانی، داوران ضمن توجه به امتیازهای کتاب‌ها، به بحث و تبادل نظر در باب کیفیت هر اثر پرداختند و سرانجام آثار برگزیده و تقدیری مشخص شدند.

۵. همانند جشنواره‌های گذشته، در صورتی که اثری متعلق به داوران بود، از چرخه داورى حذف نشد. دلیل این امر روشن است. پدیدآورندگان کتاب فقط نویسنده و مترجم نیستند و از سهم مهم ناشران محترم نباید غفلت کرد. به همین دلیل در این موارد، از داور مشاور که جای‌گزین داور صاحب اثر می‌شد، استفاده کردیم.

در پایان لازم می‌بینم، ضمن تأکید بر اهمیت و توجه جامعه فرهنگی و آموزشی و پرورشی کشور به محتوای بیانی‌های گروه‌های داورى، مراتب تقدیر و تشکر خود را از آن دسته از پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی که آثارشان را برای جشنواره ارسال داشتند، اعلام نمایم. در ضمن، از تک‌تک داوران فرهیخته و ارجمند که با رعایت اصول علمی، اخلاقی و حرفه‌ای، آثار را داورى کردند، قدردانی می‌کنم.

در ضمن، لازم می‌دانم از توجه ویژه مقام عالی وزارت، جناب آقای دکتر حاجی بابایی به امر کتاب و کتابخوانی و سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی که نقطه عطف آن در سال گذشته، مصوبه ۸۲۸ «شورای عالی آموزش و پرورش» و در سال جاری، بندهای گوناگون «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» است، صمیمانه قدردانی کنم. همچنین، بجاست از همراهی همه مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش و «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، به ویژه ریاست محترم سازمان، استاد گران‌قدر و فرزانه، حضرت حجت‌الاسلام دکتر محمدیان که حمایت‌ها و رهنمودهایشان مشوق همه دست‌اندرکاران این جشنواره بود، سپاس‌گزاری کنم. از اصحاب رسانه و مطبوعات و خبرنگاران عزیز هم که در اطلاع‌رسانی در مورد برنامه‌های این جشنواره، در مراحل گوناگون تلاش کردند و از همکاران گرامی‌ام در «دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی»، خصوصاً برادر ارجمندم جناب آقای محبت‌اله همتی و اعضای فعال دبیرخانه جشنواره و نیز اعضای محترم شورای مدیران، مدیر محترم روابط عمومی سازمان و همکاران محترم «پژوهشکده فرهنگ و هنر و معماری جهاد دانشگاهی» و همه عزیزانی که به نحوی در برگزاری شایسته این جشنواره مشارکت داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

۴/دی‌ماه/۱۳۹۰

والسلام علیکم و رحمت‌اله و برکاته

ادامه معرفی سوابق داوران نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد

(گروه آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش)

امور باغی و زراعی

جلیل تاجیک

فوق‌لیسانس رشته باغبانی، عضو گروه کشاورزی (باغبانی) دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش، هنرآموز هنرستان کشاورزی امام صادق رباط کریم و مدرس دوره‌های آموزش ضمن خدمت و مراکز آموزش عالی که تاکنون تحقیقات زیادی در حوزه کشاورزی و باغبانی به انجام رسانده است. «کشت خارج از گل‌خانه گل‌های مریم و گلالیل»، «کشت میکروتوبر سیب‌زمینی واریته مارفونا» و «پرورش کرم ابریشم با استفاده از برگ توت محلی» از جمله تألیفات ایشان است.



گروه آموزش متوسطه نظری

گروه آموزشی اقتصاد

ناصر ذاکری

فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، عضو شورای برنامه‌ریزی درسی گروه اقتصاد «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، مدرس دانشگاه‌های تهران و الزهرا، مترجم کتاب «اقتصاد کلان کراچ» (۱۳۸۰)، و از مؤلفان کتاب‌های درسی رشته اقتصاد.





زهرا آقایی

فوق لیسانس برنامه ریزی و توسعه اقتصادی، دبیر دبیرستان‌های کرج، و مدرس مرکز آموزش عالی دختران کرج و دوره‌های آموزش ضمن خدمت که در زمینه تولید محتوای الکترونیکی نیز فعالیت دارد.



میر حسین یوسف‌شاهی

لیسانس اقتصاد و عضو شورای تألیف کتاب اقتصاد دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، با ۳۰ سال سابقه تدریس درس اقتصاد در دبیرستان‌های تهران.

گروه آموزشی تاریخ



حسین مفتخری

دکترای تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، نویسنده و مترجم مقالات و کتاب‌های متعدد. حوزه تخصصی تحقیقات ایشان «تاریخ اسلام و تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی» است و از آثار تألیفی‌شان می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «خوارج در ایران» و «تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان».



مسعود جوادیان

فوق لیسانس تاریخ، کارشناس گروه تاریخ «دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی»، و مدیر داخلی مجله‌ی «رشد آموزش تاریخ» با پیش از دو دهه سابقه در برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی تاریخ. وی در تألیف کتاب‌های تاریخ اول و دوم راهنمایی، کتاب تاریخ ایران و جهان (سال دوم متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی) و تاریخ دوره پیش دانشگاهی همکاری داشته است. کتاب‌های «تاریخ نوآموز»، «میراث فرهنگی» و همچنین «کتاب کار تاریخ اول، دوم و سوم راهنمایی» از دیگر تألیفات جوادیان هستند.

حشمت اله سلیمی

فوق لیسانس تاریخ، عضو شورای برنامه‌ریزی درسی گروه تاریخ «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، و مؤلف مقالات تاریخی برای «رشد آموزش تاریخ» و چند نشریه دیگر. وی در تألیف برخی کتابهای درسی تاریخ، کتابهای خودآموز تاریخ و ویژه آموزش از راه دور و همچنین تألیف زندگی نامه شخصیت‌های معاصر برای فرهنگ‌نامه‌ها و دایره‌المعارف‌های گوناگون، همکاری و مشارکت داشته است. سلیمی نویسنده کتاب «سرگذشت تقسیمات کشوری ایران» است.



گروه آموزشی دینی

محمد مهدی اعتصامی

دکترای فلسفه اسلامی، مؤلف کتاب دینی دوره دبیرستان (دین و زندگی)، و مدرس دانشگاه با ۳۲ سال سابقه کار و خدمت فرهنگی.



فاطمه سلگی

فوق لیسانس فلسفه اسلامی و دانشجوی دکترای فلسفه اخلاق، دبیر دینی دوره متوسطه، عضو هیئت تحریریه «رشد آموزش معارف اسلامی» و مؤلف کتاب «انسان جدید و عالم متجدد در اندیشه رنه گنون».

یاسین شکرانی

فوق لیسانس فلسفه اسلامی، عضو شورای تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی دین و زندگی و هدیه‌های آسمان، و از مؤلفان کتاب «ملاصدرا به روایت ما».





منوچهر علی پور



فوق لیسانس رشته زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مدرس دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان وزارت آموزش و پرورش، دبیر جشنواره‌های ادبی و پژوهشی دانش‌آموزان از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۸، و نویسنده ۳۶ کتاب و ۱۰ مقاله در حوزه ادبیات فارسی. از میان کتاب‌های ایشان می‌توان به کتاب‌های «زندگی و شعر سلمان هراتی» و «شادی‌گرایی در تاریخ بیهقی» و از میان مقالاتشان می‌توان به مقاله «سیمای علی (ع) در شعر کودک و نوجوان» اشاره کرد.

مهدی تجلیل



فوق لیسانس علوم قرآن و حدیث، مسئول واحد آموزش کارکنان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، عضو کارگروه برنامه‌ریزی آموزشی هم‌سوسازی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی با برنامه درسی ملی، و مدرس ۱۴ دوره آموزشی کارکنان که آخرین آن‌ها در سال ۱۳۸۸ برگزار شد و عنوان دوره «فلسفه آموزش و پرورش» بود. ایشان که نویسنده کتاب «سیری در مفاهیم و آموزه‌های قرآن کریم» است، تاکنون مقالات متعددی در خصوص مفاهیم قرآنی و تفسیری این کتاب آسمانی نگاشته است. همچنین، دارای چند جزوه آموزشی در زمینه آموزش زبان عربی و مفاهیم قرآنی است.

فریدون اکبری شلدره‌ای



دکترای زبان و ادبیات فارسی، کارشناس مسئول گروه زبان و ادبیات فارسی در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، و با ۴۷ سال سابقه‌ی آموزشی و پژوهشی. ایشان مؤلف ۲۵ عنوان کتاب و ۳۴ عنوان مقالات در مجلات تخصصی داخلی و خارجی به چاپ رسیده‌اند.



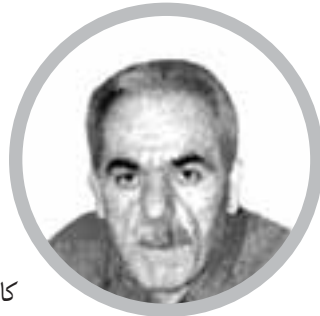
محمدحسن بازویندی

فوق لیسانس و دانشجوی دوره دکتری «زمین‌شناسی- پترولوژی»، کارشناس مسئول گروه زمین‌شناسی «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش زمین‌شناسی، مدرس دوره‌هاش ضمن خدمت مناطق شهر تهران از سال ۱۳۸۳ تاکنون، و نویسنده مقالات تخصصی و کتاب‌های متعدد کمک آموزشی در حوزه زمین‌شناسی.



احمد حسینی

لیسانس زمین‌شناسی و کارشناس علوم دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی. وی مؤلف کتاب‌های علوم تجربی ابتدایی و راهنمایی به همراه کتاب‌های معلم است. همچنین کتاب‌های زمین‌شناسی سال سوم متوسطه و علوم زمین پیش‌دانشگاهی را نیز به همراه کتاب معلم، ایشان تألیف کرده است. از دیگر کتاب‌های ایشان می‌توان زلزله، کانی‌ها و سنگ‌ها را نام برد.



محمدعلی رهبر

فارغ‌التحصیل دوره سطوح عالی (کفایه) حوزه، فوق لیسانس زبان و ادبیات عرب، و نیز فوق لیسانس فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دبیر دبیرستان‌های منطقه ۱۳ تهران که در نگارش کتاب‌های عربی پایه سوم همه رشته‌های دبیرستان مشارکت داشته است.





حمیدرضا حیدری

دکترای زبان و ادبیات عرب، عضو شورای برنامه‌ریزی گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، مدرس مراکز ضمن خدمت فرهنگیان، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، و مؤلف چند کتاب درسی و کمک درسی و مقاله علمی. ایشان با مجلات «رشد معارف اسلامی» و «راه دانشگاه» همکاری دارد. (داور مرحله اول)



عیسی متقی‌زاده

فوق لیسانس رشته زبان و ادبیات عربی (از تهران) و دکترای رشته «الدراسات الاسلامیة» (از بیروت)، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه زبان و ادبیات عربی، طراح و برنامه‌ریز درسی زبان عربی دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه، و مؤلف کتاب‌های درسی عربی از دوره راهنمایی تا تربیت معلم و همه کتاب‌های راهنمای معلم دوره‌های راهنمایی و دبیرستان.

حوزه آموزشی علوم تربیتی



محمدرضا حشمتی

کارشناس ارشد آموزش و پرورش تطبیقی، سردبیر مجله «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی»، دبیر دوره‌های راهنمایی و دبیرستان و مدرس دانشگاه. وی که از سال ۱۳۸۶ تاکنون مشاور مدیرعامل «مؤسسه فرهنگی - آموزشی خواجه نصیرالدین طوسی» بوده است، برای نشریه‌های «گام» و خانواده مفید هم قلم می‌زند. «در سوابق پژوهشی و مدیریتی او، انجام پروژه‌های «تربیت روشمند»، «مهارت‌های زندگی» و «بهینه‌سازی آزمون» در «دفتر مطالعات و پژوهش مجتمع آموزشی مفید» به چشم می‌خورد.



لیلی محمد حسین

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی و معاون منابع انسانی «مؤسسه منظومه خرد» و با ۲۷ سال سابقه آموزش زبان انگلیسی. وی به مدت ۱۴ سال در طراحی و اجرای کارگاههای آموزشی برای معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش با موضوعاتی مانند «روشهای یادگیری از طریق هم یاری»، «ویژگیهای معلم مؤثر»، «مدارس یادگیرنده» و «تفکر سیستمی» مشارکت داشته است. به علاوه، در برنامه آموزشی تضمین کیفیت در مدارس اسکاتلند و نیز برنامه آموزشی بنیاد فرهنگی ژاپن برای مدیران و معلمان دوره متوسطه شرکت کرده است. برخی آثار ایشان عبارتند از: مغز و آموزش؛ بینایی سیستمی؛ بهبود مستمر در کلاس درس؛ یادگیری از طریق هم یاری؛ تفکر خلاق و حل خلاقانه مسئله.

گروه آموزشی فلسفه

فخری ملکی

فوق لیسانس، عضو کمیته کلیات برنامه درسی ملی، همکار تدوین اسناد برنامه درسی فلسفه و منطق در دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، و مدرس دورههای تأمین مدرس کشوری، با ۱۷ سال سابقه خدمت فرهنگی. ایشان که از طریق ترجمه و تألیف مقالات علمی با مجلات تخصصی همکاری دارد، در سال جاری راهنمای معلم درس منطق را با عنوان «روش تدریس منطق» به چاپ سپرده است.



مرجان شکری

فوق لیسانس رشته فلسفه و حکمت اسلامی، عضو گروههای آموزشی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، و مؤلف کتابهای کمک آموزشی فلسفه برای پایههای سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی، با ۱۸ سال سابقه خدمت فرهنگی.





مهدی ضرغامیان

لیسانس زبان و ادبیات فرانسه و فوق لیسانس زبان شناسی، نویسنده کتاب‌های زبان آموزی فارسی و فرهنگ‌های زبان فارسی، و مترجم رمان و کتاب علمی برای نوجوانان.



محمد کرام‌الدینی

متولد سال ۱۳۳۴ و کارشناس ارشد زیست‌شناسی با ۳۲ سال سابقه آموزشی، و از دو دهه پیش، در سمت کارشناس برنامه‌ریزی درس زیست‌شناسی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش فعالیت کرده است. وی پایه‌گذار مسابقه المپیاد زیست‌شناسی در کشور به شمار می‌رود و به مدت ۱۰ سال ریاست آن را بر عهده داشته است. همچنین در سال‌های مختلف برای داوری در المپیاد جهانی این رشته دعوت به همکاری شده است. وی علاوه بر ده‌ها مقاله علمی، کتاب‌های متعددی را به صورت انفرادی یا با همکاری دیگران تألیف و ترجمه کرده است که غالباً عناوین مهمی را مانند کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و بهترین کتاب آموزشی به دست آورده‌اند. کرام‌الدینی اکنون سردبیری مجله‌ی رشد آموزش زیست‌شناسی را به عهده دارد.



سید علی آل محمد

فوق لیسانس ژنتیک انسانی و عضو هیئت تحریریه مجله «رشد آموزش زیست‌شناسی» که سابقه همکاری با گروه زیست‌شناسی «دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی»، همکاری در تألیف کتابهای زیست‌شناسی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی، و همکاری در ترجمه و ویرایش مجموعه ۲۹ جلدی «مفاهیم پایه در علوم تجربی» (انتشارات فاطمی) را در کارنامه فرهنگی خود دارد. کتاب «زیست‌شناسی با رویکرد مولکولی» (انتشارات فاطمی) را نیز او ترجمه کرده است.

بیانیه هیئت داوران رشته هنر

هیئت داوران رشته‌های هنری، ضمن ابراز خرسندی از برگزاری نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی «رشد»، به‌ویژه در بخش رشته‌های هنر، موارد زیر را برای برگزاری هرچه بهتر و مفیدتر جشنواره در سال‌های آتی یادآوری می‌کند:

۱. تعداد کتاب‌های ارسالی در بخش‌هایی از زمینه‌های هنر (مانند عکاسی) کم و محدود بود که این موضوع بی‌اطلاعی یا انگیزه نداشتن ناشران را برای شرکت و همراهی موثر در جشنواره نشان می‌دهد. بدیهی است، با معرفی آثار ارسال شده به دبیرخانه جشنواره و نتایج داوری و اعلام اسامی برگزیدگان نشر و تألیف در رسانه‌ها به انگیزه‌های بیشتری برای سایر ناشران و مؤلفان ایجاد خواهد شد.

۲. انتشارات «حرفه هنرمند» (حرفه نویسنده)، «نشر آبان»، «میردشتی»، «برگ» و «نشر نظر» در جشنواره نهم با تعداد بیشتری کتاب و نشریه، حضور مؤثرتری داشته‌اند که قابل تقدیر است، به‌ویژه انتشارات حرفه هنرمند برخوردی کاملاً حرفه‌ای در بخش «آموزش هنر» داشته است.

۳. ارسال نشریه «جوانه» و اطلاع‌رسانی به هنرآموزان سراسر کشور از طریق آن، در مورد نتایج جشنواره در بخش هنر، تأثیر بیشتری در شناسایی این جشنواره خواهد داشت.

«پوزش و تصحیح»



ضمن عرض پوزش، بدین وسیله تصویر آقای عبادا... همتی، از داوران هفتمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد در حوزه آموزش عمران، که در شماره قبلی جوانه اشتباهاً درج شده بود، تصحیح می‌گردد.

ضمناً خاطر نشان می‌شود، نام کوچک سرکار خانم تکاور، از داوران حوزه آموزشی امور باغی و زراعی، نیز به سهیلا تکاور اصلاح می‌گردد.







**Bureau of Educational Aids
Publishing, the Organization of
Research and Educational
Planning
(Ministry of Education)**

“Javaneh” is an educational, analytical and research magazine which is published quarterly. It aims at giving information, disseminating research findings and interchanging ideas between scholars and publishers regarding supplementary textbooks and educational aids development process.

Considering objectives of the ministry of education, publishers try to improve their knowledge and job's experience continually. Through this magazine, they also try to promote by using their existing potentials.